

نوآوری، بستر شکوفایی

سید حسین اسحاقی



بسم الله الرحمن الرحیم

نوآوری، بستر شکوفایی

نویسنده:

حسین اسحاقی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نوآوری، بستر شکوفایی

مشخصات کتاب

سرشناسه : اسحاقی، سیدحسین، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور : نوآوری، بستر شکوفایی / حسین اسحاقی؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: دفتر عقل، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۱۷۶ ص.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۲۹۰.

ویژه سال نوآوری و شکوفایی؛ ۱.

شابک : ۲۳۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۴۸-۷ :

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۶۹] - ۱۷۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : نوآوری

موضوع : نوآوری -- مدیریت

موضوع : نوآوری -- جنبه های اجتماعی

موضوع : اندیشه و تفکر خلاق

موضوع : خلاقیت

موضوع : علوم -- نوآوری

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : HD۴۵/الف۴۶ن۹ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۶۵۸/۵۱۴

شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۱۱۱۶۷

اشاره

نوآوری، بستر شکوفایی

کد: ۱۲۹۰

نویسنده: سیدحسین اسحاقی

ویراستار: رقیه چاوشی

تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ناشر: دفتر عقل

نوبت چاپ: اول / اردیبهشت ۱۳۸۷

شمارگان: ۵۰۰۰

بها: ۲۳۰۰۰ ریال

نشانی: قم, بلوار امین, مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: IRC@IRIB.ir Emial:

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰ _ ۰۲۵۱ دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

شابک: ۷-۴۸-۲۷۶۱-۹۶۴- ۹۷۸ / ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۴۸-۷ :ISBN

ص:۳

فهرست مطالب

ج) گردش تخیلی۵۸

د) تهییج ذهنی یا تکنیک گوردون۵۹

ه) تفکر موازی۵۹

الف) عظمت اندیشه بعضی از متفکران[96]

الف) یأس و ناامیدی۱۵۱

دیباچه

دیباچه

مـدتی است که مقـام معظم رهبری مـدظله العـالی، سـکان دار حرکت تکـاملی نظـام اسـلامی، موضوع تولیـد علم، نهضت نرم افزاری و نوآوری علمی را مهم ترین نیـاز جامعه تشـخیص داده و بارها در مجامع حوزوی و دانشـگاهی بر ضـرورت تحقق آن تأکید داشـته است. امسال را نیز در طلیعه نوروز «سال نوآوری و شـکوفایی»، نامیدند و به صراحت گفتند که امسال باید فضای نـوآوری کشـور را فرابگیرد و همه مسـئولان، خـود را موظـف بداننـد بـا بهره گیری از امکانـات مـادی و معنوی کارهـای نو و ابتکاری و راه های میان بُر را در سایه مـدیریت درست، دوراندیشـی حکیمانه در فعالیت کشور وارد کننـد تا کام مردم از ثمره این تلاش ها شیرین شود.

البته تحقق نوآوری و نهضت نرم افزاری با تبیین چرایی و چیستی آن پایان نمی پذیرد، بلکه برای به انجام رسـیدن این نهضـت عزمی جدی لازم است تا بر اساس راه کارهای ارائه شده، موانع تفکر خلاق و نوآوری از میان برداشته شود و هر یک به میزان سهم خود مشارکت فعالانه داشـته باشـند. رهبر فرزانه انقلاب در توصـیه های چندین ساله خود، تنها به ارائه راه کارهای کلان بسنده نکرده، بلکه وظایف و مسئولیت های هر بخش اعم از حوزه، دانشگاه، پژوهش گران، نخبگان، مسئولان اجرایی و آحاد

مردم را برشمردند و عملی‌شدن این مهم را در پرتو همت و یاری همگانی ممکن دانسته‌اند، مشروط بر اینکه تشویق به حرکت جهادی در تولید علم صورت گیرد و با ایجاد روحیه خودباوری و خودآگاهی جمعی، جزم گرایی علوم غربی شکسته شود و با نظریه پردازی، عمل گرا کردن پژوهش ها، میدان‌دادن به جوانان محقق و تبدیل تولید علم و نوآوری به ارزش و باور عمومی، رهروان این راه دشوار به مقصود خود نزدیک شوند.

این مجموعه نیز با بررسی مفهوم خلاقیت و نوآوری و موانع تولید علم و ارائه راهبرد تولید علم و نوآوری از منظر امام رحمه الله و رهبر فرزانه انقلاب کوشیده است تا دست مایه ای مناسب فراروی برنامه ریزان و برنامه سازان ارجمند جهت تحقق رهنمودهای رهبر معظم انقلاب قرار دهد و امید است تلاش پژوهش گر ارجمند جناب آقای سیدحسین‌اسحاقی و جناب آقای حسین بهرامیان ارزیاب علمی اثر، مورد رضایت الهی، مقام عظمای ولایت و بهره برداران گرامی قرار گیرد.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

پیش گفتار

سـال ۱۳۸۷ را رهـبر معظـم انقلاب اســلامی سـال «نـوآوری و شــکوفایی» نـام‌گـذاری کرده است. ایـن اقـدام کـه بـا هـدف فرهنگ‌سازی و نشان‌دادن نقطه عزیمت کشور صورت گرفت، به اصول و تصـمیم‌هایی نیازمنـد است که نوآوری و خلاقیت و پایان‌دادن به کلیشه‌ها و تکرارها، در صـدر آن قرار دارد. بی‌تردید، نخستین مخاطبان این خواسـته، مسـئولان و دست‌اندرکاران کشور و سپس آحاد ایران اسلامی هستند که شایسته است در زندگی خود بیش از پیش دست به نوآوری بزنند.

نـام‌گـذاری سـال‌هـا از سوی رهبر معظم انقلاب اسـلامی که از سال **۱۳۷۳** با تأکیـد بر مسـئله «تقویت وجدان‌کاری و انضـباط اجتماعی» آغاز شـده، از نام‌گذاری سال **۱۳۷۸** به نام «امام خمینی رحمه الله» شـفاف‌تر و جـدی‌تر ادامه پیدا کرد. بدین ترتیب، امسـال نیز سـال «نوآوری و شـکوفایی» نـام گرفت. البته نام‌گـذاری سال‌ها امر بی‌سابقه‌ای در جهان نیست و برای نمونه، مجمع عمومی سازمان ملل نیز برای هر سال نامی را برمی‌گزینـد؛ رویه‌ای که از سال **۱۹۷۵**م. تاکنون ادامه داشته است. سال کودک، سـال زنـان و سـال حقوق بشـر از جمله این نام‌گـذاری‌هاست. سازمان ملل، گاه پیشاپیش نیز به نام‌گـذاری اقـدام می‌کنـد. این سازمان بر اساس پیشنهاد

«یونسکو». در سال ۲۰۰۵م. و در اواخر سال ۲۰۰۷م. سال ۲۰۰۹م. را سال «نجوم» نامیده و هدف‌ها و برنامه‌هایی را نیز به همین مناسبت پیش‌بینی کرده و تدارک دیده است. باید دانست که نام‌گذاری امسال با عنوان، «نوآوری و شکوفایی» از سوی رهبر معظم انقلاب را باید سرلوحه و راه‌کار پیشبردی نظام قرار دهیم و این شعار را به فرهنگ تبدیل کنیم. استفاده از خلاقیت‌ها، تولید دانش و تکیه بر پژوهش، نویدبخش توسعه هرچه بیشتر کشور خواهد بود. نام‌گذاری سال ۱۳۸۷ با عنوان سال «نوآوری و شکوفایی» باهدف جذب، شناسایی و استعدادیابی و سامان‌دهی نخبگان جامعه، مناسب‌ترین نام‌گذاری برای امسال بوده است. نکته مهم این است که راه‌های عملیاتی شدن این هدف، یعنی نوآوری و شکوفایی چیست و چگونه اجرایی می‌شود؟ در این مسیر باید شکوفایی استعدادها، یعنی فرصت‌های ارزشمند و ثروت‌های گران‌قدر فکری را همچون دیگر موهبت‌های الهی از قوه به فعل تبدیل کرد و باید این فرصت‌ها را برای رفع مشکلات و موانع زندگی شخصی و اجتماعی به کار برد. نوآوری، درصنعت و فن‌آوری محدود نمی‌شود، بلکه در زمینه‌های گوناگون، تعیین‌کننده و مهم است.

در این سال، باید اراده ملی، ایمان و باور قلبی و عناصر زیربنایی تقویت شود و هم‌زمان، عوامل محدودکننده مانند منفی‌نگری، ناامیدی و نداشتن اعتماد به نفس در ابعاد ملی، از ادبیات عام و خاص به ویژه جوانان و محیط‌های علمی و آموزشی برچیده شود.

در این میان، سازمان آموزش و پرورش در پیشبرد این امر نقش عمده‌ای دارد. تشکیل شوراهای راهبردی و اتاق‌های فکر، به کار بستن روش‌های درست یادگیری و یاددهی و ارزش‌یابی تکوینی و تکمیلی، ازجمله راه‌های کشف استعدادهای بالقوه است. برای رسیدن به نوآوری،

نوزایی، طرح ایده‌های نو و به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه، داشتن اعتماد به نفس ضروری است. نخبگان جامعه وظیفه دارند در همه عرصه‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با دیدی فراتر و بازتر به منظور تحقق این شعار گام بردارند و همگان برای رسیدن به هدف بلندمدت سرزمین خود، باید بر اساس تجربه‌ها و اندوخته‌های کشورها و دیگر ملت‌ها عمل کنیم و از پیشرفت آنان در حد لازم و درست بهره بگیریم.

نوآوری را، چه انجام دادن کار به گونه‌ای دیگر و یافتن محدوده‌های جدید بدانیم و چه خلاقیت بارور شده یا هر نوع دگرگونی در فن‌آوری، موضوعی است که تصمیم‌گیری درباره آن نیازمند روش حساب‌شده است. شاید این همان نکته‌ای است که رهبر معظم انقلاب هوشمندانه فرمود:

ما نمی‌توانیم آرام و معمولی حرکت کنیم، بلکه باید با تلاشی مضاعف، جدی‌تر و با نهایت شتاب، اما حساب‌شده، منظم و منضبط به جلو برویم. و در عرصه داخلی و همچنین عرصه پیچیده بین‌المللی از تمایز ظرفیت‌ها برای دست‌یابی به پیشرفت‌های بزرگ استفاده کنیم.

مهم‌ترین نوآوری‌ها را می‌توان در دو محور نوآوری در فرآیند و نوآوری در محصول، دسته‌بندی و در همه عرصه‌ها همچون فرهنگ، سیاست و اقتصاد برای آن برنامه‌ریزی کرد. مسئله مهم در این زمینه، شناسایی پیش‌نیازهای نوآوری است. کنجکاوی شجاعانه، نوگرایی و ایده‌پردازی از لوازم ضروری کار است. نگاه زنجیره‌ای داشتن به عنوان‌های سال‌های مختلف پیش از این و پس از این، می‌تواند حلقه کامل‌کننده جهت‌گیری باشد. بر این اساس، نوآوری و شکوفایی حلقه کامل‌کننده برخی از اولویت‌های سال‌های پیش مانند وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی،

پرهیز از اسراف، رعایت صرفه‌جویی، قناعت و پایداری، اقتدار ملی، اشتغال‌آفرینی، نهضت خدمت‌گزاری و اتحاد ملی و انسجام اسلامی است. جمع‌بندی زودهنگام درباره عنوان سال بعد و تهیه پیوست‌های مختلف از جمله تبلیغی و اجرایی و تهیه روشی برای کنترل و ارزیابی اقدام‌ها و تأثیرات لازم، از جمله موضوع‌هایی است که می‌توان در این بخش به آن توجه کرد.

نام‌گذاری سال‌ها عاملی حرکت‌آفرین است برای کشورها تا به سوی پیشرفت و تعالی در هر حوزه‌ای، هدفمند گام بردارند. میزان شتاب دراین حرکت به مسائل متعددی برمی‌گردد. در این میان، مسئولان کشور در همه رده‌ها در رأس آن عوامل قرار می‌گیرد. کشور ما با داشتن میلیون‌ها جوان خلاق و تحصیل‌کرده، توانایی بالقوه برای شکوفا ساختن و بالندگی کشور در بسیاری از عرصه‌ها را دارد. البته فعلیت بخشیدن به این توانایی‌ها بیش از هر چیز اهمیت دارد و هنر مسئولان نظام در این است که زمینه بروز خلاقیت در گروه خلاق، پر انرژی و پر شتاب کشور را فراهم آورند و مانع از دل‌سردی و وازدگی آنان شوند. ناگفته نماند ما عادت کرده‌ایم نتیجه فعالیت‌هایمان را نه در قالب کیفی، بلکه در قالب کمّی و در حد آمار و ارقام ارائه کنیم. حال آنکه چه خوب است، سال جدید را سال توجه به کیفیت‌ها قرار دهیم.

در کنار این اقدام‌ها، باید امکان رشد و بالندگی افراد متخصص و البته متعهد را در نظام مدیریتی کشور هموارتر کرد. همه ما به مسئله گردش نخبگان آگاهیم، ولی به راستی تا چه حد اسباب و لوازم آن را فراهم کرده‌ایم. نباید نخبگان و جوانان خلاق در پیچ‌وخم بوروکراسی اداری خود دل‌سرد شوند و زمینه بروز خلاقیت خود را در کشورهای

دیگر جست‌وجو کنند. ضمن آنکه خبرهای موفقیت ایرانیان در کشورهای دیگر را که در حوزه‌های مختلف علمی منشأ خدمات انسانی هستند، گویای ضعف مسئولان در جذب و به‌کارگیری این‌گونه افراد است.

بهترین راه برای حل این مشکل، ارزش‌گذاری تخصصی این افراد است؛ زیرا پیشرفت و شکوفایی کشور در گرو دانش و عمل متخصصان و افراد تحصیل‌کرده‌ای است که هم‌اکنون خودکفایی را در بسیاری از زمینه‌ها به ارمغان آورده‌اند. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

انتظار من در سال ۱۳۸۷ نوآوری در بخش‌های مختلف دستگاه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و خدماتی کشور از جمله در دیپلماسی، حرکت به سمت علم و تحقیق، گسترش فرهنگ مطلوب در ارائه خدمات به همه قشرها به خصوص قشرهای محروم، در آبادانی کشور است.

... انتظارهای مردم در سال جاری این است که فعالیت‌هایی که در سال‌های گذشته انجام شده و کارهایی که دولت در سال‌های اخیر انجام داده، به نتیجه و شکوفایی برسد و کام مردم از نتیجه این فعالیت‌ها و تلاش‌ها شیرین شود. بنابراین امسال را سال نوآوری و شکوفایی می‌نامم.

ایشان اظهار امیدواری کردند که در سال نوآوری و شکوفایی، در همه بخش‌ها به ویژه حوزه و دانشگاه و مراکز علمی و پژوهشی، از همه تجربه‌ها و اندیشه‌ها برای خلاقیت و نوآوری استفاده شود.

شایان ذکر است در گردآوری و تنظیم این اثر از سایت‌ها و منابعی که در پایان پژوهش آمده است، بهره برده‌ایم.

بخش اول: ویژگی‌ها و راه‌های پرورش خلاقیت و نوآوری

اشاره

بخش اول: ویژگی‌ها و راه‌های پرورش خلاقیت و نوآوری

زیر فصل ها

ص:۱۹

درآمد

درآمد

بـا پیشـرفت روزافزون دانش و فن‌آوری و جریـان گسترده اطلاعات، امروزه جامعه ما نیازمنـد آموزش مهارت‌هایی است که با کمک آن بتوانـد همگام با توسـعه علم و فن‌آوری به پیش برود. هدف باید پرورش انسان‌هایی باشد که بتوانند با ذهنی خلاق با مشـکلات روبه‌رو شونـد و به حل آنها بپردازنـد. به گونه‌ای که انسان‌ها به خوبی با یکـدیگر بتواننـد ارتباط برقرار کننـد و با بهره گیری از دانش جمعی و تولیـد افکـار نـو، مشـکلات را ازمیـان بردارنـد. امروزه مردم مـا نیازمنـد آموزش خلاقیت‌پروری هستند تا با خلق افکار نو به سوی یک جامعه سعادتمند گام بردارند.

رشـد فزاینـده اطلاعات، سـبب شـده است هر انسانی از تجربه و دانشـی بهره‌منـد باشد که دیگری فرصت کسب آنها را ندارد. ازاین‌رو، به جریـان‌انـداختن اطلاعات برگرفته از دانش و تجربه در میان انسان‌ها یکی از راه‌های موفقیت در دنیای امروز است. هیچ کس نمی‌تواند به اطلاعات نهفته در گوشه ذهن هرکس پی ببرد. این اطلاعات زمانی به حرکت در می آید که انگیزه ای قوی سـبب رهـا شـدن آن به بیرون ذهن می‌شود. در این مرحله، سـرنوشت انسان‌ها برای یکـدیگر مهم است و در جهت رشـد یکـدیگر می کوشـند و در نهـایت، جریـانی از دانش و تجربه‌هـا میـان آنهـا جـاری می‌شود که همین امر، زمینه ساز نوآوری و خلاقیت خواهد بود.

یکی از عوامل مؤثر در بروز خلاقیت در یک جامعه، زمینه سازی و بسترسازی در میان انسان‌ها به منظور ایجاد فرهنگی است که در آن، همگان برای رشد دادن دیگری می‌کوشند و با اثرگذاری بر روی یکدیگر به پیشرفت جامعه کمک می‌کنند.

یکی از شرایط لازم برای پدیدار شدن افکار نو، وجود آرامش برای مغز است. به همین خاطر، لازم است انسان‌ها بکوشند در جامعه شرایطی را پدید آورند تا در بستر آن، مغز بیندیشد و تکامل یابد و سبب ساز افکار نو شود و شرایط برای سازندگی در جامعه فراهم شود. با افزایش سپرده گذاری‌های اخلاقی، می توان شرایط را برای شکل گیری محیطی آرام‌بخش در جامعه فراهم کرد. در مقابل، کاهش سپرده گذاری‌های اخلاقی در جامعه سبب می شود که زمینه برای گسسته شدن روابط اجتماعی گسترش یابد و با سست شدن پیوندهای اجتماعی، شرایط لازم برای بروز خلاقیت در جامعه سخت تر می شود؛ زیرا فرصتی برای اندیشیدن وجود نخواهد داشت.

فصل اول: کلیات

اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

۱. تعریف خلاقیت

۲. تعریف نوآوری

۳. ارتباط خلاقیت و نوآوری

۴. متغیرهای اثرگذار در ایجاد نوآوری

۵. فرصت‌های خلاقیت

۶. اهمیت خلاقیت و نوآوری

۷. امکان تقویت خلاقیت

۸. اصول خلاقیت

۱. تعریف خلاقیت

اشاره

۱. تعریف خلاقیت

برخی از تعریف‌های مهم درباره خلاقیت عبارتند از:

خلاقیت یعنی تلاش برای ایجاد یک تغییر هدفدار در توان اجتماعی یا اقتصادی سازمان؛

خلاقیت به‌کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر، یا مفهوم جدید است؛

خلاقیت یعنی توانایی پرورش یا به وجود آوردن یک انگاره یا اندیشه جدید در بحث مدیریت، مانند به وجود آوردن یک

محصول جدید؛

خلاقیت عبارت است از طی‌کردن راهی تازه یا پیمودن یک راه طی شده قبلی به شکلی نوین.

الف) خلاقیت از دیدگاه روان‌شناسی

الف) خلاقیت از دیدگاه روان‌شناسی

خلاقیت یکی از جنبه‌های اصلی اندیشیدن است. تفکر، عبارت است از فرآیند بازآرایی یا دگرگونی اطلاعات و نمادهای موجود در حافظه درازمدت.

بر اساس این تعریف، خلاقیت با قوه تخیل یا توانایی تصویرسازی ذهنی ارتباطی مستقیم دارد. این توانایی عبارت است از فرآیند تشکیل تصویرهایی از پدیده‌های ادراک شده در ذهن. بر این اساس، خلاقیت عبارت است از:

ــ فرآیند یافتن راه‌های جدید برای انجام دادن بهتر کارها;

ــ توانایی ارائه راه حل جدید برای حل مسائل;

ــ ارائه فکرها و طرح‌های نوین برای تولیدات و خدمات جدید و ادامه دادن آن حتی پس از نبود آن پدیده ها.

ب) خلاقیت از دیدگاه سازمانی

ب) خلاقیت از دیدگاه سازمانی

خلاقیت یعنی ارائه فکر و طرح نوین برای بهبود و افزایش کمیت یا کیفیت فعالیت‌های سازمان؛ برای مثال افزایش بهره‌وری، افزایش تولیدات یا خدمات، کاهش هزینه‌ها، ارائه تولیدات یا خدمات از روش بهتر، رسیدن به تولیدات یا خدمات جدید و...
.

روبرت جی استرنبرگ و لیندا ای اوهارا در بررسی‌های خود، شش عامل را در خلاقیت افراد مؤثر دانسته‌اند:

الف) دانش: داشتن دانش پایه‌ای در زمینه ای محدود و کسب تجربه و تخصص در سالیان بسیار؛

ب) توانایی عقلانی: توانایی ارائه ایده خلاق از راه تعریف مجدد و برقراری ارتباطات جدید در مسائل؛

ج) سبک فکری: افراد خلاق معمولاً ـ در برابر روش ارائه شده از سوی سازمان و مدیریت ارشد، سبک فکری ابداعی را برمی گزینند؛

د) انگیزش: افراد خلاق برای به فعل درآوردن ایده‌های خود برانگیخته می‌شوند؛

هـ) شخصیت: افراد خلاق ویژگی‌های شخصیتی‌ای مانند؛ پی‌گیربودن، مقاوم بودن در برابر فشارهای بیرونی و داخلی و نیز مقاوم بودن در برابر وسوسه هم‌رنگ جماعت شدن دارند؛

و) محیط: افراد خلاق در داخل محیط های حمایتی بیشتر امکان ظهور می یابند.

این محققان مشخص کردند که عمده ترین دلیل کارآیی نداشتن برنامه‌های آموزش خلاقیت، تأکید صرف این برنامه‌ها بر اندیشه خلاق به عنوان

یکی از شش منبع مؤثر در خلاقیت است. جایی که دیگر عوامل نیز نقشی بسزا در موفقیت و شکست برنامه‌های آموزش خلاقیت ایفا می کنند.

جورج اف نلر در کتاب هنر و علم خلاقیت برای خلاقیت، مراحل چهارگانه آمادگی، نهفتگی، اشراق و اثبات را ذکر کرده است. از این دید، افراد خلاق نخست با مسئله یا یک فرصت آشنا شده و سپس از راه جمع آوری اطلاعات با مسئله یا فرصت موردنظر درگیر می‌شوند. در مرحله بعد، افراد خلاق روی مسئله تمرکز می کنند.

در این مرحله، فعالیت سودمندی صورت نمی گیرد و فرد در نظم دادن به اندیشه‌ها، تجربه‌ها و زمینه‌های پیشین خود با هدف رسیدن به یک ایده نو می کوشد. درگیری ذهنی عمیق فرد، خودآگاه و ناخودآگاه، فراهم کردن فرصت برای اندیشیدن بر هر مسئله به خلق و ظهور ایده‌ای نو می‌انجامد. در نهایت، فرد خلاق درصدد برمی‌آید صلاحیت و پتانسیل ایده خویش را به اثبات برساند.

۲. تعریف نوآوری

۲. تعریف نوآوری

نوآوری یعنی خلاقیت آشکار شده و به مرحله عمل رسیده. به عبارت دیگر، نوآوری یعنی اندیشه خلاق تحقق یافته؛ ارائه محصول، فرآیند و خدمات جدید به بازار؛ به‌کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید.

۳. ارتباط خلاقیت و نوآوری

۳. ارتباط خلاقیت و نوآوری

خلاقیت، بیشتر یک فعالیت فکری و ذهنی است و نوآوری، بیشتر جنبه عملی دارد. در حقیقت، محصول نهایی عمل و اندیشه خلاق تحقق‌یافته نوآوری است. نوآوری، مهارتی است که با بسیاری همکاری‌های دیگر همراه است. نوآوری، به دگرگونی‌های عمده در زمینه پیشرفت‌های فنی یا ارائه تازه‌ترین مفاهیم مدیریت یا شیوه‌های تولید گفته می‌شود. نوآوری،

پدیده‌ای چشم‌گیر و جنجالی است. نوآوری، پدیده‌ای نادر است که تنها عده‌ای خاص به آن می‌رسند. به عبارتی نوآوری، خلق چیز جدیدی است که هدفی معیّن را دنبال و به اجرا می‌رساند. بنابراین، به طور کلی نوآوری به هر گونه ایده جدید برای یک سازمان یا یک صنعت یا یک ملت یا در جهان گفته می‌شود. اگرچه واژه خلاقیت با نوآوری مترادف به کار می‌رود، به عقیده بیشتر پژوهش‌گران، دو اصطلاح نوآوری و خلاقیت مفهومی جداگانه دارند؛ خلاقیت، به آوردن چیز نو به مرحله وجود اشاره دارد، در حالی‌که نوآوری، برآوردن چیزی نو به مرحله استفاده دلالت دارد.

میان نوآوری و تغییر نیز، تفاوت‌هایی وجود دارد. برای مثال تغییر می‌تواند به بهبود رضایت شغلی یک فرد اطلاق شود، در حالی‌که نوآوری نتیجه و اثری بیش از یک فرد را در بر می‌گیرد و تأثیر آن، ورای دپارتمان ایجادکننده آن است. در تحقیق دیگری تغییر، ایجاد هر چیزی است که با گذشته تفاوت داشته باشد. اما نوآوری ایجاد ایده‌هایی است که برای سازمان جدید است. ازاین‌رو، تمام نوآوری‌ها می‌توانند منعکس‌کننده یک تغییر باشند، در حالی‌که تمام تغییرها، نوآوری نیستند. تغییر نتیجه‌ای از فرآیند خلاقیت و نوآوری است.

تغییر سازمانی، به عنوان اتخاذ یک فکر یا رفتار جدید به وسیله سازمان مشخص می‌شود، ولی نوآوری سازمان، اتخاذ یک ایده یا رفتار است که برای نوع وضعیت، سازمان، بازار و محیط کلی سازمان جدید است. اولین سازمانی که این ایده را معرفی می‌کند، به عنوان نوآور درنظر گرفته می‌شود و سازمانی که کپی می‌کند، یک تغییر را اتخاذ کرده است. بر اساس این تعریف‌ها، خلاقیت لازمه نوآوری است. اگرچه در عمل نمی‌توان این دو را از هم متمایز ساخت. می‌توان تصور کرد که خلاقیت بستر رشد و پیدایی نوآوری‌هاست. خلاقیت، پیدایی و تولید یک اندیشه و فکر نو است، در حالی‌که نوآوری، عملی ساختن آن اندیشه و فکر است. از خلاقیت تا نوآوری راهی طولانی در

پیش است و تا اندیش_ه‌ای نو به صورت محصولی یا خدمتی جدید درآید، زمانی طولانی می گذرد و تلاش‌ها و کوشش‌های بسیار به عمل می‌آید. گاهی ایده و اندیشه‌ای نو از ذهن فرد می‌تراود و در سال‌های بعد آن اندیشه نو به وسیله فرد دیگری به صورت نوآوری، در محصول یا خدمت شکوفا می‌شود. خلاقیت، به قدرت ایجاد اندیشه‌های نو اشاره دارد و نوآوری، به معنای کاربردی ساختن آن افکار نو و تازه است.

۴. متغیرهای اثرگذار در ایجاد نوآوری

اشاره

۴. متغیرهای اثرگذار در ایجاد نوآوری

متغیرهای «ساختار سازمانی»، «فرهنگ» و «توانایی منابع انسانی» در ایجاد نوآوری مهم‌ترین عوامل اثرگذار هستند.

الف) ساختار سازمانی

الف) ساختار سازمانی

بر اساس پژوهش‌های گسترده، با توجه به متغیرهای ساختاری می‌توانیم سه گزاره را بیان کنیم. نخست اینکه ساختارهای مکانیکی، اثری مثبت بر نوآوری دارند؛ زیرا تخصص کاری آنها پایین‌تر است و قوانین کمتری دارند. همچنین انعطاف‌پذیری، قدرت سازگاری و بارور کردن را که پذیرش نوآوری‌ها را آسان‌تر می کند، بالا می‌برد. دوم اینکه دست‌رسی آسان به منابع فراوان، عامل کلیدی نوآوری است. فراوانی منابع، به مدیران این توانایی را می‌دهد که بتوانند برای نوآوری هزینه کنند و شکست‌ها را بپذیرند. در نهایت، ارتباط میان واحدها با سرعت بخشیدن در کنش متقابل خطوط سازمانی، به شکستن سدهای احتمالی در برابر نوآوری مدد می‌رساند. البته هیچ یک از این سه متغیر نمی‌تواند وجود داشته باشد، مگر اینکه مدیران ارشد به این سه عامل متعهد باشند.

ب) فرهنگ سازمانی

ب) فرهنگ سازمانی

سازمان‌های نوآور، فرهنگی مشابه دارند. آنها تجربه کردن را تشویق می کنند، به موفقیت‌ها و به شکست‌ها پاداش می دهند و از اشتباه‌ها تجربه کسب می کنند. یک فرهنگ نوآور، هفت ویژگی دارد:

پذیرش ابهام؛ شکیبایی در امور غیر عملی؛ کنترل‌های بیرونی کم؛ بردباری در سختی‌ها؛ شکیبایی در برخوردها؛ تأکید بر نتایج تا بر وسایل و تأکید بر نظام باز.

سازمان، از نزدیک محیط را کنترل می کند و فوری به دگرگونی‌ها آن‌گونه که اتفاق می افتند، پاسخ می دهد.

ج) متغیرهای منابع انسانی

ج) متغیرهای منابع انسانی

در مقوله منابع انسانی درمی یابیم که سازمان‌های نوآور، فعالانه به امر آموزش و توسعه دانش اعضای خود به گونه‌ای روزآمد می‌پردازند. برای کارکنان خود امنیت شغلی در سطح عالی فراهم می‌آورند تا ترس از اخراج به خاطر اشتباه را کاهش دهند و به افراد جرئت می‌دهند که تغییرپذیر باشند. زمانی که اندیشه‌ای جدید تکامل می‌یابد، پیشتازان تغییر، فعالانه و با شور و شوق، اندیشه مطرح‌شده را پرورش می‌دهند و از آن حمایت می‌کنند. در نتیجه، بر مشکلات چیره می شوند و اطمینان می‌دهند که نوآوری به مرحله اجرا در خواهد آمد.

۵. فرصت‌های خلاقیت

۵. فرصت‌های خلاقیت

فرصت‌های خلاقیت در چهار گروه اعم از یک گروه فرصت داخلی و سه گروه فرصت‌های خارجی دسته‌بندی شده‌اند. گروه فرصت داخلی عبارت است از ۱. وقایع غیرمنتظره: مانند شکست‌ها یا موفقیت‌های پیش‌بینی نشده، ناسازگاری‌ها و نیازهای فرآیندی و دگرگونی‌های لازم در صنایع و بازارها و سه فرصت خارجی در محیط علمی و اجتماعی سازمان نیز عبارتند از: ۲. تغییرات جمعیتی، ۳. تغییر نگرش و ۴. دانش جدید.

۶. اهمیت خلاقیت و نوآوری

۶. اهمیت خلاقیت و نوآوری

بر اثر خلاقیت و نوآوری امور زیر تحقق می‌یابند:

رشد و شکوفایی استعدادها و هدایت به سوی خودشکوفایی؛ موفقیت‌های فردی، شغلی و اجتماعی؛ پیدایش سازمان؛ تولیدات و

خدمات؛ افزایش کمیت، گونه گونی تولیدات و خدمات؛ افزایش کیفیت تولیدات و خدمات و موفقیت در رقابت؛ کاهش هزینه‌ها، تباهی‌ها در منابع؛ افزایش انگیزش کاری کارکنان سازمان؛ افزایش سطح بهداشت روانی و رضایت شغلی کارکنان سازمان؛ افزایش بهره‌وری سازمان؛ موفقیت مجموعه مدیریت و کارکنان سازمان؛ رشد و بالندگی سازمان؛ تحریک و تشویق حس رقابت؛ کاهش بوروکراسی اداری «کاهش پشت میزنشینی ومشوق عمل گرایی»؛ تحریک و فراهم کردن عوامل تولید.

۷. امکان تقویت خلاقیت

۷. امکان تقویت خلاقیت

در گذشته، همه بر این باور بودند که خلاقیت را نمی توان تقویت کرد. چنین دیدگاهی نه تنها میان مردم، بلکه میان دانشمندان هم وجود داشت. با وجود آنکه در بیست سال اخیر، این دیدگاه هم کاملاً ـ تغییر یافته، ولی هنوز ابهام و تردید زیادی در باب این مسئله وجود دارد.

افرادی که تفکری به طور ذاتی رادیکال دارند، تقویت و پرورش خلاقیت را هم ممکن نمی دانند. اما بر اساس دیدگاه های رئالیستی، پتانسیل های خلاقیت در افراد مختلف را می توان شناسایی و تا حداکثر ممکن تقویت کرد. بنابراین در پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان خلاقیت را تقویت کرد؟ باید بگوییم بله، این کار ممکن است. البته پرورش خلاقیت را نمی توان از ویژگی های ذاتی خلاقیت افراد آغاز کرد، بلکه باید به تقویت پتانسیل های خلاقانه آنها روی آوریم.

بسیاری از کارشناسان معتقدند عوامل ایجاد خلاقیت، شامل تنها یک‌درصد الهام و ۹۹ درصد انگیزه است و در این باره، اگر زمینه های بروز و نمود توانایی های افراد فراهم شود، انگیزه های آنها هم فرصت و میدان لازم برای شکل گیری را پیدا خواهند کرد.

اولین عاملی که در این میان مورد توجه کارشناسان بررسی خلاقیت قرار می گیرد، «شناخت» است. اگر شناخت را از راه مدل های پردازش اطلاعات و حل مسئله در ذهن افراد بررسی کنیم، به عملیات انتقال اطلاعات، ذخیره اطلاعات و اجزای پنهان دیگر هم توجه خواهیم کرد.

اتخاذ استراتژی های مناسب برای تشویق ایده های اصیل و جدید و تشویق دیگران به استفاده از راه های اکتشافی برای رسیدن به شناخت (مثل مقایسه، تطبیق و ترکیب اجزای مختلف) هم می تواند به عنوان راه مؤثری در این زمینه مطرح شود.

دومین عامل را می توان «عاطفه و احساسات افراد» دانست. این امر اهمیت زیادی دارد؛ زیرا معمولاً ـ کار خلاقانه برای خود شخص هم معنی خاصی دارد. تکنیکی که برای آگاه ساختن فرد خلاق از اهمیت کارش به کار می رود، این است که راه استفاده کاربردی و عملی از کار خلاقانه او فراهم شود و مزایای این کار در جامعه و نیز برای شخص، تأکید شود. در چنین شرایطی، احساسات فرد برای پی گیری ایده خلاقانه هم بیشتر می شود.

عامل سوم به دیدگاه فرد خلاق در مورد خلاقیت برمی گردد. اگر او به توانایی خود در شکل دادن به ایده هایش ایمان داشته باشد، بنیان روان‌شناسانه انگیزه های او به شدت تقویت می شود. پرهیز از اظهارنظرهای دل‌سردکننده و نیز تلاش برای ارائه بازخوردهای مثبت به ایده های خلاقانه، در این باره اهمیت زیادی می یابد و باور فرد خلاق به خودش را افزایش می دهد.

توانایی فرد خلاق برای به کرسی نشاندن ایده های خود در جامعه و نیز توانایی او برای همکاری با دیگران در این عرصه، عامل چهارم است که در این باره باید بدان توجه شود. همکاری با دیگران و استفاده از ایده های احتمالی آنها هم می تواند به تقویت خلاقیت کمک کند. ارائه آزادی عمل به

اعضـای گروه موجب می شود، آنها از لحاظ اجتماعی احساس راحتی کننـد و راه برای همکاری مؤثر آنها با فرد خلاق هموار شود.

عامل پنجم که از مهم ترین عوامل نیز هست، «شـرایط محیطی و اجتماعی» است که فرد خلاق در آن زندگی می کند. تحمل، مـدارا و فراهم آوردن امکانـات لازم برای فرد خلاق، عـاملی است که هرگز نمی‌توان آن را نادیـده انگاشت. محیط مناسب، خود، به شـکل گیری ایـده هـای جدیـد و پرورش پتانسـیل هـای خلاقانه کمک می کنـد و انگیزه های فرد خلاق را به شـدت تقویت می کنـد. اگر صـبور باشـید و ضـمن توجه به این عوامـل، به توانـایی فرد خلاق ایمـان داشـته باشـید، کمک شایانی به پرورش ایده های جدید خواهید کرد.

۸. اصول خلاقیت

اشاره

۸. اصول خلاقیت

زیر فصل ها

اصل اول: ایده های جدید از عناصر قدیمی ساخته می شوند

اصل دوم: همه ایده های جدید هم‌سنگ نیستند

اصل سوم: خلاقیت با توانایی ارتباط برقرار کردن میان امور مختلف تقویت می‌شود

اصل اول: ایده های جدید از عناصر قدیمی ساخته می شوند

اصل اول: ایده های جدید از عناصر قدیمی ساخته می شوند

یک ایده جدید می تواند یه نظریه جدید، یک محصول جدید، یک راه حل جدید برای یک مسئله یا یک مفهوم جدید برای یـک اثر هنری باشـد. ارائه یک چیز جدیـد، یعنی خلق یک چیز متمایز و خاص. نکته کاربردی اینجا این است که برای خلاق بودن باید آمادگی انحراف از سنت ها و روزمره گی ها را داشته باشیم. بسیاری از افراد به پیروی از راه‌کارها عادت کرده‌اند و از کشف و چـالش بـا هر چیز جدیـدی می ترسـند. کشف چیزهـای جدیـد، جسارت و روحیه‌ای جست‌وجوگر و کنجکاو می طلبد.

اما این ایده های جدید از کجا می آیند؟ جواب این است: ایده‌های جدید، در واقع همان ایده های قدیمی هسـتند که ترکیب و ترتیبی جدید یافته اند.

چگونه ما از ایـده های قدیمی ایده های جدید می سازیم؟ واقعیت این است که ایده‌ها از عناصـری تشـکیل شده‌اند و ما دنبال ترکیب‌های جدیدی می‌گردیم که با پیوند دادن ایده های مختلف به هم، حذف بعضی عناصر و

جای‌گزین کردن آنها با عناصری دیگر به دست می‌آیند. برای مثال ایده تلفن همراه را در نظر بگیرید؛ این ایده از ترکیب ایده انتقال بی سیم اطلاعات و ایده تلفن حاصل شده است.

اصل اول، مفهوم تلویحی دیگری هم دارد و آن اینکه عناصر خلاقه به ذخیره اطلاعاتی ای بستگی دارد که برای «بازآرایی» در اختیار داریم. هرچه دامنه اطلاعاتی شما محدودتر باشد، منابع کمتری برای خلق ایده های جدید (عناصر کمتری برای ترکیب کردن) خواهید داشت. به همین دلیل است که کنجکاوی روشنگرانه و کسب دانش، به تقویت نیروی خلاقه کمک می‌کند. نیز از همین روست که برای حل مسائل مختلف، مشورت کردن با افراد مختلف با تخصص های متفاوت، مفید واقع می‌شود.

اصل دوم: همه ایده های جدید هم‌سنگ نیستند

اصل دوم: همه ایده های جدید هم‌سنگ نیستند

خلاقیت، تنها خلق ایده های جدید نیست؛ خلاقیت ارزشمند، خلق ایده های جدید و مفید است.

خلاقیت را می توان به دو نوع کاربردی و هنری تقسیم کرد. خلاقیت هنری شامل خلاقیت در آثار هنری و بیان احساس هنرمند در قالب‌های مختلف هنری است. گرچه تفکر قضاوت کننده، با خلاقیت هنری متضاد نیست، اما تقویت تفکر قضاوت‌کننده، به طور قطع به تقویت تفکر خلاق هنری نمی انجامد. در حالی که تفکر قضاوت‌کننده، در فرآیند خلاقیت کاربردی ضروری است.

خلاقیت کاربردی، مانند طراحی یک محصول یا ارائه یک نظریه علمی، دو مرحله دارد. نخست ایده سازی، دوم ایده سنجی. تفکر قضاوت کننده در اینجا به ما کمک می‌کند، بسنجیم که هریک از این ایده های جدید تا چه حد عملی و سودمند هستند.

بعضی معتقدند که میدان‌دادن به تفکر قضاوت کننده به تفکر خلاق آسیب می‌زند و آن را محدود می کند. در این مورد باید گفت که لازم نیست همیشه قضاوت کننده باشیم. در واقع باید دو مرحله ای عمل کنیم. نخست میدان را به تفکر خلاقه بدهیم و بدون ارزش یابی و محدودیت به طرح ایده های جدید بپردازیم. سپس در مرحله دوم با درنظر گرفتن امکانات و محدودیت ها به ارزش یابی ایده ها بپردازیم.

اصل سوم: خلاقیت با توانایی ارتباط برقرار کردن میان امور مختلف تقویت می‌شود

اصل سوم: خلاقیت با توانایی ارتباط برقرار کردن میان امور مختلف تقویت می‌شود

ذخیره اطلاعاتی ما منبع عناصر سازنده ایده های جدید ما را تشکیل می دهد. با این حال نباید فراموش کرد که گاهی ایده‌های سودمند، از منابع غیرمنتظره می‌آیند. بنابراین، اگر می‌خواهیم خلاق باشیم، باید خود را برای کشف روابط میان امور مختلف و حتی شاید به ظاهر بی‌ربط آماده کنیم. این در درجه اول، یعنی اینکه باید دامنه اطلاعاتی خود را گسترش دهیم. افراد خلاق عموماً افرادی هستند که زیاد می خوانند، بسیار کنجکاوند و معمولاً به اکتشاف در موضوع‌هایی مصمم هستند که ممکن است بلافاصله نتیجه ندهند. در درجه دوم باید مطمئن شویم روند مطالعه ما به درک عمیق از ارتباط میان مفاهیم کلیدی می انجامد. مطالعه، تنها به معنی از برکردن قطعه‌هایی از اطلاعات بی ربط نیست. ما باید اطلاعاتی که داریم، از جنبه‌های مختلف و به‌گونه ای سازمان مند بررسی کنیم تا به شناخت عمیق تری از آنها دست پیدا کنیم.

فصل دوم: خلاقیت در کودکان و نوجوانان

اشاره

فصل دوم: خلاقیت در کودکان و نوجوانان

زیر فصل ها

۱. عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت

۲. اصول کلی پرورش خلاقیت

۳. دیگر روش‌های پرورش خلاقیت

۴. نقش معلم در پرورش خلاقیت

۵. عوامل باز دارنده خلاقیت

۱. عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت

۱. عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت

محیط مساعد برای ایجاد رفتارهای خلاق را می توان از راه‌های متفاوت به وجود آورد و باید آن را بر اساس اصولی که به رفتار خلاق منجر می شود و تحقیقات مختلف آن را تأیید کرده است، بنا کرد. محیط یا جوی که به تحقق چنین هدفی می انجامد، باید شامل سه عامل اصلی باشد که عبارتند از:

۱. عامل فیزیکی؛

۲. عامل عقلانی؛

۳. عامل عاطفی؛

برای رسیدن به این هدف، به موارد زیر باید توجه داشت:

الف) تشویق کودک به داشتن نظریه های نو؛

ب) تشویق حس کنجکاوی کودکانه؛

ج) توجه به خود شکوفایی؛

د) ایجاد اعتماد به نفس در کودک؛

هـ) آزادی روانی؛

و) عدم ارزش یابی فرد با معیارهای خارجی؛

ز) پذیرش بدون قید و شرط کودک.

موانع رشـد خلاقیت می توانـد شامـل موارد زیر باشـد: عـدم اعتمـاد به نفس؛ محافظه‌کاری؛ متعهـد نبودن؛ وابسـتگی و جمود فکری؛ تمایـل به هم‌زنـدگی و هم‌گونی؛ توانایی نداشـتن در تحمل ابهام و تضاد؛ نداشـتن پیچیـدگی ذهنی لازم برای بررسـی مسائل؛ اسـتفاده نکردن از دو نیمه کره مغز؛ نداشـتن تمرکز ذهنی؛ مقاوم نبودن؛ کم‌رویی و نداشتن انعطاف پذیری؛ اضطراب؛ تحقیر و خفقان که در ذیل به سه مورد زیر پرداخته شده است.

الف) اضـطراب: هیـچ چیز مثل اضـطراب خلاقیت کش نیست. اضـطراب، روند فکری را مختل می کند؛ جریان فکر را به یک نقطه ثابت می دوزد و از حرکت باز می دارد، به‌گونه‌ای که جریان فکری تمرکز خود را از دست می دهد. در سـنین کودکی، بچه ها اضـطراب پذیرنـد. اضـطراب به تدریـج در کودکان شـروع می شود و در دوره های بعـدی و میان‌سالی، یکی از عوامل آزاردهنده انسان به حساب می آید.

ب) تحقیر: مربیان و والدین این نکته را مد نظر داشته باشند که اگر کودک تحقیر شود، نمی تواند از خود خلاقیت نشان دهد. تحقیر کردن یعنی جلـوی پرواز را گرفتن. تحقیر سـبب می‌شـود که جرئت و جسـارت از کـودک گرفته شود. تحقیر کردن، به معنای کشتن شخصیت کودک است و در مجموع، تحقیر یکی از عوامل بازدارنده خلاقیت کودکان به شمار می‌آید.

ج) خفقـان: ترس و خفقـان، عـاملی برای جلـوگیری از تفکر و محرومیـت کـودک از تخیـل و محرومیت او از خلاـقیت است. مربیان و والـدین بایـد در موقعیت هایی که به دست می آورند، کودک را به دور از محیط خفقان‌آور، مورد آموزش و تربیت قرار دهند؛ زیرا این امر فراهم آوردن زمینه های بروز خلاقیت در کودک است.

۲. اصول کلی پرورش خلاقیت

اشاره

۲. اصول کلی پرورش خلاقیت

همه روان شناسان پرورشی و متخصصان آموزشی معتقدند که توانایی های آفریننده و شیوه های فکری واگرا را می توان به افراد، به ویژه به کودکان و نوجوانان، آموزش داد. ما اینجا به طور خلاصه به چند اصل کلی برای پرورش خلاقیت اشاره می کنیم.

الف) محدود نکردن تجارب کودکان به موقعیت های خاص

الف) محدود نکردن تجارب کودکان به موقعیت های خاص

سؤالاتی بپرسید که با چرا و چگونه آغاز می شوند، نه کجا و چه کسی و چه وقت. سؤال هایی طرح کنید که جواب‌های متعدد داشته باشند. سؤال‌هایی که تنها یک جواب دارند، به تفکر هم‌گرا منجر می شوند. سؤال هایی که جواب های متعددی را در یادگیرنده بر می انگیزانند، شوق تفکر واگرا و آفرینندگی است.

ب) ارزش قائل شدن برای طرح سؤال ها و اندیشه های غیرمعمول

ب) ارزش قائل شدن برای طرح سؤال ها و اندیشه های غیرمعمول

از سؤال های غیرمعمول که از دانش آموزان طرح می کنند و شما از عهده جواب آنها برنمی‌آیید، نهراسید. به آنها کمک کنید و با همکاری یکدیگر به جست‌وجو برای یافتن جواب این سؤال‌ها بپردازید.

ج) قرار دادن فرصت هایی برای خود آموزی و یادگیری اکتشافی

د) احترام به تفاوت های فردی یادگیرندگان

گورتزل پس از بررسی شرایط پرورشی ۴۰۰ نفر از افراد برجسته قرن بیستم، تأثیر شرایط پرورشی آموزشگاه ها و روش آموزشی معلمان را بر رشد توانایی های خلاق در کودکان به گونه زیر بیان داشته است. «معلمانی که بیش از معلمان دیگر مورد احترام و علاقه افراد نخبه مورد مطالعه ما قرار داشتند، معلمانی بودند که به این افراد امکان می دادند تا متناسب با توانایی هایشان پیش بروند. فرصت فعالیت کردن در موضوع‌های

دل خواهشان را به آنها می دادند و آنها را به تفکر وا می داشتند و کتاب های مهیج به آنها معرفی می کردند».

ه) سرمشق قراردادن رفتارهای آفریننده برای کودکان

یلون و نیستاین در این مورد گفته اند: «دانش آموزان کلاس پنجم ابتدایی پس از مشاهده رفتارهای خلاق نشان داده شده در یک فیلم یا از سوی معلم، رفتارهای خلاق از خود نشان داده اند».

و) استفاده از روش ها و فنون ویژه بالا بردن سطح آفرینندگی

معروف ترین این روش ها روش بارش مغزی است. در این روش معلم مسئله‌ای را به دانش آموزان می دهد و از آنها می خواهد تا هر چه راه حل برای مسئله به ذهنشان می رسد، بگویند. معلم دانش آموزان را برای دادن راه حل ها و اظهارنظرهای مختلف تقویت می کند، ولی پیش از ارائه تمامی راه حل ها از سوی دانش آموزان، درباره آنها هیچ گونه اظهار نظری نمی کند.

روش آموزش دیگری که به بالا ـ بردن سطح فعالیت‌های خلاق یادگیرندگان منجر می شود، آموزش مهارت‌های پژوهشی است. آموزش مهارت های پژوهشی به طرح و آزمودن فرضیه از سوی یادگیرندگان کمک می کند. روش‌های درست طرح فرضیه و آزمون فرضیه به وسیله کودکان به ایجاد طرز تفکر آفریننده در آنها منجر می شود.

افزون بر روش های فوق، روش مطالعه آفریننده نیز روش مؤثری در آموزش خلاقیت است. تورنس و هارمون نشان داده‌اند که می توان به کودکان آموزش داد تا مطالب را به طور آفریننده بخوانند. آنها در این‌باره راهنمایی های زیر را در اختیار دانش آموزان قرار داده اند:

وقتی که به خواندن مطالب یک کتاب می پردازید، به مورد استفاده های مختلف اطلاعاتی که در آن کتاب به آنها برمی خورید، بیندیشید. خیلی اهمیت دارد به راه‌هایی که می توانید اطلاعات خوانده شده را در زندگی شخصی و حرفه ای خود به کار ببندید، فکر کنید.

تنها به این سؤال اکتفا نکنید که مؤلف چه می گوید؛ از خود بپرسید که چگونه می توانم آنچه را نویسنده نوشته است، مورد استفاده قرار دهم. تنها به یک مورد اکتفا نکنید، تا آن‌جاکه می توانید موارد استفاده بیشتری را بیابید و بعضی از آنها را برای مصارف آینده خود یادداشت کنید. ممکن است مدتی وقت لازم باشد تا این نوع مطالعه کردن را بیاموزید. با این حال، مأیوس نشوید. بعد از دو سه روز خواهید دید که می توانید این روش مطالعه را به راحتی به کار ببندید.

۳. دیگر روش‌های پرورش خلاقیت

اشاره

۳. دیگر روش‌های پرورش خلاقیت

زیر فصل ها

الف) تجربه

ب) بازی های فکری

ج) صنایع دستی

د) هنرهای زیبا

ه) مطالعه

و) نویسندگی

ز) حل خلاق مسائل روزمره

الف) تجربه

الف) تجربه

تجربه هایی که هر شخص از سر می‌گذراند، مواد و مصالح ایده پردازی را تشکیل می دهند. سفرکردن و تماس های شخصی با افراد مختلف به‌خصوص کودکان، در این مورد بسیار مفید است.

ب) بازی های فکری

ب) بازی های فکری

حل معما، جدول و بازی های مختلف فکری، ذهن ما را در جهت تفکر خلاق تمرین می دهد. در جریان بازی های فکری هرچه از دستورالعمل ها و عادت ها پرهیز کنیم و برای رسیدن به هدف از روش های جدید و جسورانه استفاده کنیم، هم لذت بازی و هم کارآمدی آنها بیشتر می شود.

ج) صنایع دستی

ج) صنایع دستی

کارهای دستی مثل: سبدسازی، تکه دوزی، تکه چسبانی، منبت کاری و مدل سازی، تمرین‌های مفیدی جهت تقویت نیروی خلاقه هستند، چنانچه طراحی کاردستی را نیز خودمان انجام دهیم سودمندتر خواهد بود.

د) هنرهای زیبا

د) هنرهای زیبا

خلق اثری هنری، عین خلاقیت است: نقاشی‌کردن، آهنگ سازی، مجسمه سازی و نمایش، به صورت حرفه ای هم که نباشد برای تقویت نیروی خلاقه بسیار مفید است.

ه) مطالعه

ه) مطالعه

مطالعه قدرت تصور را تغذیه می کند. برای آنکه از مطالعه حداکثر استفاده را ببریم، ضمن انتخاب مطلب مناسب باید بکوشیم بـا آن به صورت فعالانه برخورد کنیم و نه فقط به عنوان تماشاچی. داستان هایی که مقداری از مطالب را به تصور خواننده واگذار می‌کنند، برای چنین منظوری بسیار مناسب اند. همچنین خواندن بیوگرافی ها می تواند بسیار پربار باشد. مطالعه باید با تعمق همراه باشد. در این صورت، ایده ها ــ بیشتر به وسیله عبارت‌هایی که کاملاً با فکر خلاق حاصله نامربوط است ــ به خاطرمان سرازیر می شوند. نیز یادداشت برداری در ضمن مطالعه، به فرآیند ایده جویی کمک می کند.

و) نویسندگی

و) نویسندگی

بر اساس آزمایش های علمی «روان بودن در نویسندگی»، شاخصی اساسی در سنجش استعداد خلاقیت ارزیابی شده است.

یک تمرین ساده و مؤثر در این زمینه این است که تصاویری را از روزنامه ها و مجله‌ها دربیاورید و سعی کنید بر اساس آنها متن خودتان را بنویسید. حتی زیرنویس نوشتن برای عکس‌های آلبوم های اینترنتی تان را می توانید به یک تمرین خلاقه تبدیل کنید.

از نتایج مثبت وبلاگ نویسی هم یکی همین تمرین خلاقیت از طریق نویسندگی است.

ز) حل خلاق مسائل روزمره

ز) حل خلاق مسائل روزمره

بکوشید مسائلی را که در طول روز با آنها روبه رو می شوید، از طریق روش های خلاقه حل کنید. حتی با امور عادی و پیش‌پاافتاده‌ای مثل تمیز کردن اتاق و چیدن وسایل هم می توانید برخوردی خلاقانه داشته باشید.

۴. نقش معلم در پرورش خلاقیت

۴. نقش معلم در پرورش خلاقیت

بررسی و مطالعه زندگی انسان‌های خلاق، حاکی از آن است که هنگامی خلاقیت به شکوفایی می‌رسد که شخص بتواند بین آنچه در درون دارد و آنچه از محیط می‌آموزد، ارتباط برقرار کند. بدین معنا که طبیعت یا فطرت، با تربیت هماهنگ باشد. بنابراین، برای رشد و گسترش خلاقیت، باید مربیان تربیتی به نکته‌های زیر توجه کافی داشته باشند؛ سؤالات بحث انگیز مطرح کنند؛ از وسایل کمک آموزشی بهره بگیرند؛ ارتباط مسائل درسی را با واقعیت های زندگی بیان کنند؛ از محرکات مختلف مثل تصاویر و نمودار استفاده کنند؛ به تخیلات دانش‌آموزان اهمیت دهند؛ اعتماد به نفس دانش‌آموزان را تقویت کنند؛ در دانش‌آموزان احساس آرامش ایجاد کنند، مطالب درسی را با مطلب قبلی و تجربه‌های دانش‌آموزان تنظیم کنند؛ به فعال بودن دانش‌آموزان در جریان درس توجه کنند؛ فرصت فکر کردن به دانش‌آموزان بدهند؛ تحقیق و جست‌وجو را تقویت کنند؛ به درک و فهمیدن بیش از حفظ کردن اهمیت دهند؛ به افکار و عقاید دانش‌آموزان احترام بگذارند؛ از پاسخ‌های عجیب و بی‌ربط دانش‌آموزان ناراحت نشوند و از استقبال کنند؛ به کیفیت یادگیری اهمیت بدهند؛ روش بحث و گفت‌وگو را انتخاب کنند؛ برخی مواقع از خود دانش‌آموزان بخواهند مسائلی را مطرح کنند؛ به راه‌ها و جواب‌های مختلف توجه کنند، نه اینکه فقط یک راه حل مشخص و معیّن را مدنظر داشته باشند و قدرت تجزیه و تحلیل و انتقادی بودن را در دانش‌آموزان رشد دهند.

روش تدریس معلم از نکته‌های مهم در امر پرورش خلاقیت است. بنابراین، روش تدریس او باید اکتشافی و فعال باشد، یعنی روش‌هایی را

به کار بندد که دانش‌آموزان را به فعالیت وادارد، جلسه‌های بحث و گفت‌وگو تشکیل دهد و آن را با مسائل روبه‌رو سازد. معلم باید دانش‌آموزان را به خطرپذیری معقول تشویق کند. منظور از خطرپذیری، به مخاطره انداختن زندگی نیست. دانشمندانی همچون شکسپیر (نمایش نامه نویس) داستایوسکی (داستان‌نویس) و پیکاسو (نقاش) با خطرپذیری، به چنین موفقیت‌هایی دست یافتند. بنابراین شکیبایی و صبر در برابر شکست را باید به دانش‌آموزان آموخت.

دانشمندان، دنیا را فقط سیاه و سفید نمی‌بینند و فعالیت‌هایشان را به صورت «قانون همه یا هیچ» تنظیم نمی‌کنند. آنها بارها عقیده و سبک خود را تغییر می‌دهند و بارها آثارشان را بازبینی می‌کنند تا نتیجه مطلوبی بگیرند و هیچ‌گاه آن را تکمیل شده نمی‌پندارند.

به دانش‌آموزان باید فرصت آزمایش و خطا داد و نباید به خاطر اشتباه در شیوه تفکر، آنها را تنبیه و جریمه کرد. برخی مواقع پاسخ دانش‌آموزان فقط به خاطر آنکه مورد انتظار معلم نیست و با اندیشه او هم‌خوانی ندارد، اشتباه تلقی می‌شود. در صورتی که خطا، زمینه‌ساز چالش فکری و ابزاری برای تکوین اندیشه است. ازاین‌رو، به دانش‌آموزان باید اجازه داد از خطا کردن نهراسند؛ زیرا همه افراد خطا می‌کنند و بهتر است آنها شهامت، شجاعت، تهور و جوشش فکری برای ابداع و خلاقیت داشته باشند و هنگام اشتباه به جای تنبیه و سرزنش، هدایت و ارشاد شوند.

۵. عوامل باز دارنده خلاقیت

۵. عوامل باز دارنده خلاقیت

۱. تلاش‌های قبل از بلوغ برای حذف خیال بافی؛

۲. محدودیت‌های بازدارنده قوه تدبیر و کنجکاوی کودکان؛

۳. تأکید زیاد بر پیش‌گیری (نحوه پاسخ‌گویی کودکان به مسائلی که مستلزم چاره اندیشی فرد هنگام قرار گرفتن در وضعیتی بن بست است، نشان می دهد که تأکید بر پیش گیری قوه تصور، بسیاری از کودکان را از رشد بازداشته است؛

۴. القای ترس و کم رویی؛

۵. تأکید بر مهارت‌های کلامی.

خطری که استعداد خلاق فرد را تهدید می کند، قضاوت یا ارزیابی تجربه فرد نیست، بلکه پیش داوری است که به تبع آن، تجربه‌های بسیاری را در حوزه دریافت را نمی یابند. خطری که آموزش‌های معمول چه در خانه و چه در مراکز آموزشی در بردارند، این است که نظرات نو و احتمال وقوع اعمال جدید، خیلی زود و بیش از اندازه انتقاد می‌شوند.

فصل سوم: ویژگی ها، عوامل و موانع پرورش خلاقیت و نوآوری

اشاره

فصل سوم: ویژگی ها، عوامل و موانع پرورش خلاقیت و نوآوری

زیر فصل ها

۱. ویژگی‌های خلاقیت

۱. ویژگی‌های خلاقیت

الف) خلاقیت می تواند خلق شکل‌ها یا صورت‌های جدیدی از ایده‌ها یا تولیدات پیشین باشد. دراین صورت، به طور عمده، فکرها و ایده های گذشته اساس خلاقیت های تازه است.

ب) خلاقیت، امری است انحصاری و بیش‌تر حاصل تلاش فرد. بدین معنا، فرد ممکن است چیزی را خلق کند که قبلاً هیچ

گونه سابقه ذهنی ازآن نداشته است، اگر چه آن چیز را به صورت‌های مشابه یا کاملاً- یکسان، شخص دیگری در موقعیت خاصی کرده باشد.

ج) خلاقیت امری است توسعه‌پذیر و به عبارت دیگر، همه افراد توانایی خلاقیت را دارند.

د) خلاقیت از طریق آزمایش، تجربه و کنکاش رشد می کند.

ه_) خلاقیت از طریق حساسیت در درک مسائل، قابل توسعه است.

و) اندیشه تخیلی و اندیشه عمیق، موجب برانگیختگی قدرت خلاقیت می شود.

ز) خلاقیت با استقلال فکر و اعتمادبه‌نفس همراه است. ازاین رو، برخورداری از اعتماد به نفس قوی برای رشد خلاقیت امری کاملاً ضروری است.

ح) خلاقیت کنجکاوی و تمایل برای دانستن و تجربه امور تازه یا ناشناخته است، ازاین رو، به کنجکاوی افراد، به خصوص کودکان باید بها داد.

ط) اندیشه ها و پیشنهادهای خلاق کودکان و دانش آموزان باید تشویق شود و زمینه ظهور آن فراهم آید.

ی) برای ظهور خلاقیت، شرایط محیطی باید به‌گونه ای باشد که اشتباه کردن، تجربه کردن و ریسک کردن در آن مجاز باشد.

۲. ویژگی‌های افراد خلاق

اشاره

۲. ویژگی‌های افراد خلاق

پیش از ذکر ویژگی‌های افراد خلاق و نوآور باید گفت کسی که زندگی خلاق دارد، احساس توان مندی را در خود پرورش می‌دهد. با مهر و محبت، ناکامی‌ها را می پذیرد و نیروهایش را در راه تحقق اهدافی که دارد بسیج می کند. ایام گران‌بهای عمر را به بطالت تباه نمی‌کند. خوب می‌داند که بی‌کاری و وقت گذرانی و به فراغت پرداختن بیش از اندازه، اسباب آزردگی خاطر می‌شود. انسان خلاق، دل‌بسته مادیات نیست. اتومبیل‌های گران قیمت و لباس‌های فاخر و خانه های مجلل ممکن است خوب باشند، اما برای او اصل نیستند. انسان خلاق، سعادت را در لقب‌ها و زندگی در محله‌های مشهور و خوش آب‌وهوا جست‌وجو نمی‌کند. انسان خلاق، از سرگرمی‌های انفعالی فاصله می‌گیرد. از انگاره‌های انفعالی حذر می‌کند و علاقه‌مند و بانشاط در جهت هدف‌هایش گام برمی دارد. به‌قدری محو زندگی است که فرصتی برای خودخواهی پیدا نمی کند و جان کلام آنکه، مشتاق و هدف گراست. احساس جوانی دائم دارد؛ احساسی که همه به آن نیاز دارند و متأسفانه بیشترشان از آن محروم هستند. اگر چنین است، زمان برنامه ریزی است، زمان ایجاد تصویر ذهنی سالمی است که اساس زندگی خلاق است، زمان شروع و شروع هرگز دیر نیست.

افراد خلاق یک سری ویژگی‌ها دارند که این ویژگی‌ها را می توان با درجه‌های متفاوت در همه افراد جامعه شاهد بود. خلاقیت به اثر سستی و کم‌کاری، راکد می‌ماند، ولی هیچ‌گاه از بین نمی‌رود. بنابراین، باید سعی شود این ویژگی‌ها پرورش داده شوند تا خلاقیت دچار رکود نشود.

الف) سلامت فکر و روان

الف) سلامت فکر و روان

افراد خلاق، افرادی هستند که از سلامت روانی برخوردارند. این افراد قادرند فکر، اندیشه و حرف های تازه را پشت سر هم مطرح کنند، بدون اینکه دچار رکود شوند.

بهره‌مندی از ذهنی سالم، باز و گشوده این امکان را برای قوه خلاقه فراهم می‌کند تا از آنچه می خواهد تصویر روشنی بیافریند. سرانجام، عملی منشأ موفقیت و پیروزی است که در ورای آن اندیشه ای سالم نهفته باشد، همان‌گونه که ورزش عضلات را قوی‌تر و سالم‌تر می‌کند، تفکر، مطالعه کتاب‌های خوب و مفید و نگارش تجربه‌ها، افکار و منش ها نیز سبب تقویت و سالم‌تر شدن روان و ذهن می‌شود و درنهایت، موجب باروری و شکوفایی خلاقیت می‌شوند.

ب) انعطاف پذیری

ب) انعطاف پذیری

یعنی توانایی کنار گذاشتن چارچوب های ذهنی گذشته و توانایی دیدن اندیشه های جدید و بررسی افکار نو و پذیرش مناسب ترین وکارآمدترین باورها.

ج) ابتکار

ج) ابتکار

یعنی به پشتوانه اندیشه سالم، ذهنی پویا و منعطف در هر زمان بتوان پیشنهاد تازه ای را یافت و ارائه داد. ارائه پیشنهاد جدید، خود، نوعی از خلاقیت و نوآوری است. انسان‌های خلاق، چشمه جوشانی از پیشنهادهای سازنده و مفید هستند.

د) ترجیح دادن پیچیدگی در برابر سادگی

د) ترجیح دادن پیچیدگی در برابر سادگی

افرادی که خلاقیت ندارند و تمایلی به بروز چنین امری را از خود نشان نمی‌دهند، هرگز سراغ سختی‌ها نمی‌روند و همواره در جست‌وجوی راه‌های بی دغدغه و آسان هستند، به‌گونه‌ای که معمولاً را ه های پیموده شده را انتخاب می کنند و علاقه‌ای به خطر کردن و پذیرش وظایف سنگین را ندارند. این افراد خواهان سایبان امنیتی ساخته شده به دست دیگران هستند، در حالی که افراد خلاق و مبتکر همواره در تلاش و تکاپو هستند و به هر کور سویی رضایت نمی‌دهند و در جست‌وجوی منشأ نور می‌باشند.

بنابراین، پیچیدگی‌ها را انتخاب می کنند و به دنبال یافتن راه حلی ساده برای آنها هستند، ولی افرادی که تمایل به خلاقیت ندارند، به جای پرداختن به ریشه، خود را با برگ‌ها و شاخه‌ها سرگرم می کنند و با رفتن به سراغ مسائل ساده خود را قانع و ارضا می کنند.

ه) استقلال رأی و داوری

ه) استقلال رأی و داوری

افراد خلاق بر خلاف افرادی که تمایلی به خلاقیت ندارند، انسان‌هایی پیرو و دنباله‌رو نیستند و به دنبال تکیه‌گاهی در عالم بیرون نیستند تا به او چنگ بزنند، بلکه این افراد، صاحب فکر، اندیشه، سبک و روشی خاص هستند. آنها همواره مطیع بی چون و چرای مسئول بالاتر و افراد بانفوذ نیستند از جمع پیروی نمی کنند، بلکه بر اساس باورها و الگوی ذهنی خود و بر اساس منطق حاکم بر امور، استقلال رأی و قضاوت دارند.

و) تمرکز نیروی ذهنی بر والاترین هدفی که دارند

و) تمرکز نیروی ذهنی بر والاترین هدفی که دارند

افراد خلاق همیشه و در هر شرایطی ذهن و نیروی خود را بر یک موضوع ویژه متمرکز می کنند و به دنبال دست‌یابی به هدفی والا و بلندمرتبه هستند و با این عمل، بر قله رستگاری و موفقیت تکیه می‌زنند. همانند متمرکز شدن نور توسط ذره بین در یک نقطه و یا تمرکز لیزر در

یک نقطه که حتی در فولاد هم نفوذ می‌کند. اما انسان‌هایی که از خلاقیت کمتر برخوردارند، اهداف و مسئولیت‌های متعددی را برمی‌گزینند و در هیچ زمینه‌ای به طور کامل توفیق حاصل نمی‌کنند.

شاید با اندک تفکر مثال‌هایی از مدیران و مسئولان در محیط اطراف خود بیابیم که با قبول چندین مسئولیت و توانایی نداشتن در تمرکز روی یک نقطه، مدیر موفقی نبوده اند و یا برعکس. باید بدانیم که دست‌یابی به اهداف همواره در فضای ذهنی روشن و متمرکز و با ایستادگی و پشتکار میسر می‌شود.

ز) کنجکاوی

ز) کنجکاوی

افراد خلاق حتی اگر به درجه‌های بالای علمی برسند، در درون خود آرام و قرار نداشته و در جست‌وجوی دانستنی های بیشتری هستند. اگر راهی را که انتخاب کرده‌اند به نتیجه نرسد یا پی‌آمد خوشایندی نداشته باشد، به جای آنکه دست از فعالیت بردارند و افسوس بخورند، بیشتر می‌کوشند تا آن را به نتیجه مطلوب برسانند. افراد خلاق بیشتر یادگیرنده هستند تا یاددهنده و در همه حال کنجکاو.

ح) اعتماد به نفس

ح) اعتماد به نفس

افراد خلاق انگیزه فراوانی برای رشد و پیشرفت و موفقیت دارند. از خودشان راضی هستند و به خود اعتماد لازم را دارند. آنها گرچه در زندگی با مسائل و مشکلات روبه رو هستند، به حل آنها ایمان دارند. افراد خلاق از خود تنفر ندارند و از هر لحظه زندگی لذت می برند.

ط) داشتن هدف در زندگی

ط) داشتن هدف در زندگی

افراد خلاق در زندگی خود احساس پوچی، بی هدفی و خلأ ندارند. آنها احساس می‌کنند که به دنیا آمده اند تا رسالتی بزرگ را به انجام برسانند، ازاین رو، وقت خود را تلف نمی کنند. افراد خلاق زندگی را دوست دارند.

ی) زندگی کردن با توجه به حال

ی) زندگی کردن با توجه به حال

افراد خلاق به جای آنکه زندگی را در گذشته و آینده جست‌وجو کنند، به حال توجه دارند و از آن لذت می‌برند. این افراد همیشه و در همه حال از زندگی لذت می برند; زیرا انتظار برای لذت‌بردن در آینده نابخردانه است.

ک) احتیاج نداشتن به تأیید دیگران

ک) احتیاج نداشتن به تأیید دیگران

این افراد به تأیید دیگران نیازی ندارند. بر عکس، بیشتر مردم که در پی کسب افتخارات هستند، آنها به این مسئله که عملکردشان به تأیید و پسند دیگران برسد یا اینکه همه اعمال آنها تحسین شود یا خیر، توجهی ندارند.

ل) انرژی فراوان

ل) انرژی فراوان

افراد خلاق انرژی و نیروی فراوانی دارند; زیرا نسبت به کار خود و به‌طور کلی زندگی هیجان خاصی دارند. البته توان و نیروی مافوق طبیعی ندارند، بلکه انرژی آنان حاصل عشق به زندگی است.

م) تنوع‌طلب بودن

م) تنوع‌طلب بودن

افراد خلاق از یکسان بودن و تغییرناپذیر بودن گریزانند. آنها دوست دارند در زندگی تغییر و تنوع ایجاد کنند و از یک رنگ بودن راضی نیستند.

ن) نگرشی مثبت داشتن

ن) نگرشی مثبت داشتن

افراد خلاق مثبت و سازنده هستند. تظاهر نمی کنند و دروغ گو نیستند. آنها واقع بین هستند و از مکر و ریا در زندگی بیزارند. همیشه نیمه پر لیوان را می بینند و کمتر به نقاط منفی می نگرند. آنان به آینده امید دارند.

س) برخورد صحیح با مشکلات

س) برخورد صحیح با مشکلات

افراد خلاق با مسائل و مشکلات به درستی برخورد می کنند. آنها قهرمان پرست نیستند. آن قدر مشغول فعالیت و سازندگی در زندگی خود هستند که وقت خود را بیهوده صرف سرزنش و ملامت دیگران

نمی کنند. در مقابل مشکلات ناله و شکوه سر نمی‌دهند، بلکه برمی‌خیزند و به زندگی می‌پردازند. لحظات زندگی را صرف سازندگی و شکوفایی می کنند و مشکلات را از طریق عقل و منطق حل می کنند.

۳. فرآیند خلاقیت و نوآوری

۳. فرآیند خلاقیت و نوآوری

مراحل خلاقیت ممکن است به فعالیت قوه درک و خرد انسان یا مراحل مجزا ولی به هم پیوسته تعریف شود که انسان را به ره‌یافت‌هایی هدایت کند. نویسندگان و صاحب نظران، این مراحل را به گونه‌های مختلف مطرح کرده اند. فرآیند خلاقیت، به ترتیب در برگیرنده مراحل روبه‌رو شدن با ایده یا مشکل، شدت روبه‌روشدن و رابطه روبه‌روشدن با محیط است که فرد خلاق را دربرگرفته است. یکی از صاحب نظران مدیریت، فرآیند خلاقیت را از اندیشه تا عمل به سه مرحله: به وجود آوردن اندیشه، پرورش اندیشه و به کارگیری اندیشه تقسیم کرده است. وی مراحل خلاقیت عملی و اجراشدنی‌تری را که از پنج مرحله تشکیل شده است، پیشنهاد می کند. این مراحل به ترتیب عبارتند از: جذب اطلاعات؛ الهام؛ آزمون؛ پالایش و عرضه.

آلبرشت معتقد است که شخص خلاق، اطلاعات پیرامون خود را جذب می کند و برای بررسی مسائل، ره یافت‌های مختلفی را بررسی می‌کند. زمانی که ذهن فرد خلاق از اطلاعات خام انباشته شد، به طور محسوس ناشدنی شروع به کار می‌کند و پس از تجزیه و تحلیل و ترکیب اطلاعات، ره‌یافتی برای مسئله ارائه می کند.

۴. شرایط ایجاد خلاقیت و نوآوری

اشاره

۴. شرایط ایجاد خلاقیت و نوآوری

نویسندگان مختلف، شرایط و زمینه های متفاوتی را برای بروز خلاقیت در نظر دارند. به هرحال، راه‌های عمده‌ای که می تواند محرک خلاقیت باشد، عبارتند از:

الف) فضای خلاق

الف) فضای خلاق

یکی از راه‌های مهم ظهور نوآوری، به وجود آوردن فضای محرک خلاقیت است. بـدین معنی که مـدیریت باید همیشه آماده شنیـدن ایـده های جدیـد از هر کس در سازمان باشـد. در واقع، سازمان باید در جست‌وجوی این گون‌ـــه فکرها باشد و تنها منتظ‌ــر ارائه انـدیشه جدیـد نمانـد. به کارگیری سیسـتم مدیریت اسـتعداد ابزار مؤثری در سازمان به شـمار می رود. مدیران با ب‌ــه کارگیری این ابزار می‌توانند، مهارت‌های کارکنان مسـتعد را به گونه‌ای درست گسترش دهند. ممکن است شما با افراد مسـتعد زیادی برخورد کنیـد که در سازمانی مشـغول به کارنـد، ولی نمی تواننـد نتایـج قابل توجهی تولیـد کننـد. این به خاطر فقـدان سیسـتم مـدیریت اسـتعداد مناسب روی می دهد. سیسـتم مدیریت اسـتعداد، چهار عنصـر دارد: جذب اسـتعدادها؛ حفظ استعدادها؛ اداره و مدیریت استعدادها و کشف کردن استعدادها.

ب) دادن وقت برای خلاقیت

ب) دادن وقت برای خلاقیت

مؤسسه‌ها برای این منظور می توانند دفتر مخصوصی را به هر یک از کارکنانی که شایستگی لازم را دارند، اختصاص دهند.

ج) برقراری سیستم پیشنهادات

ج) برقراری سیستم پیشنهادات

یکی از روش‌هـای ترغیب خلاقیت، برقراری سیسـتم دریافت پیشـنهادهاست. بـدین ترتیب، روشـی برای ارائه پیشـنهادها فراهم می‌شود.

د) ایجاد واحد مخصوص خلاقیت

د) ایجاد واحد مخصوص خلاقیت

گاهی گروه خاصی از کارکنان برای نوآوری و خلاقیت استخدام می شوند و در بعضی از سازمان‌ها این گروه را واحد تحقیق و توسعه می‌نامند. این گونه واحدها وقت‌شان را صرف یافتن ایده های جدید برای ارائه خدمات یا ساختن محصول و فن‌آوری می کننـد و گاهی فقط تحقیق انجام می‌دهنـد. این گونه پژوهش‌ها برای پیشـرفت دانش، بدون تلاش برای یافتن کاربرد فوری آن

صورت می گیرد. البته بعدها این اندیشه های محض می تواند جنبه کاربردی داشته باشد. ولی امروزه پژوهش‌های کاربردی بیشتر معمول و مورد توجه است.

۵. عوامل تشدیدکننده خلاقیت و نوآوری

اشاره

۵. عوامل تشدیدکننده خلاقیت و نوآوری

حس درونی تفکر، انسان را قادر می سازد شرایطی را که وجود خارجی ندارند، در درون ذهن شبیه سازی کند و به وی این امکان را می دهد تا در امکانات یکسان با دیگران، برای خود فرصت‌های بهتری بیافرینند. درواقع، امور خلاقیت شاید بیشتر اکتسابی باشد تا فطری و می توان با آموزش‌هایی این توانایی را در خود افزایش داد. مجموعه عواملی که سبب تشدید و ترغیب فرد به نوآوری می شوند به عوامل تشدیدکننده تعبیر می‌شوند که خود، به دو بخش کلی انگیزه ها و ابزارها تقسیم می شوند که در اینجا توضیح داده می شوند.

الف) انگیزه ها

اشاره

الف) انگیزه ها

انگیزه های ترغیب کننده به نوآوری، می توانند به ویژگی‌ها و زندگی خصوصی افراد مربوط باشد یا اینکه به اجتماع محل سکونت فرد بستگی داشته باشد که ما در اینجا دلایل بروز هر یک را بررسی می کنیم.

یک _ انگیزه های بیرونی

اشاره

یک _ انگیزه های بیرونی

به همه انگیزه هایی که از جامعه به فرد القا می‌شوند گفته می شود که خود بر اثر موارد زیر ناشی می‌شوند:

اول _ بحران های جامعه

اول ــ بحران های جامعه

می دانیم سرچشمه خلاقیت، نیاز است. بیشتر مواقع اگر نیازی در زندگی بشر مشاهده نشود، الزامی به خلاقیت وجود نخواهد داشت. نیازهای بشر معمولاً به طور یک‌نواخت بروز می یابند، مگر در شرایطی استثنایی، مانند بحران های مختلف از جمله بحران‌های طبیعی چون سیل و زلزله و آتشفشان و توفان و همچنین بلایایی که خود انسان مسبب آنهاست که بارزترین آنها جنگ است. نوع و دلیل بروز یک بحران در اینجا مدنظر

نیست و آنچه حائز اهمیت است، هجوم سیل عظیمی از نیازها پس از وقوع بحران است که می تواند در جامعه سبب یک انقلاب فکری در نزد افراد گوناگون شود و به شکل نوآوری و خلاقیت بروز کند.

دوم ــ سطح توقعات جامعه

دوم ــ سطح توقعات جامعه

جامعه ای که در آن سیر صعودی پیشرفت حاکم باشد، هر روز از طرف تک تک اعضای خود شاهد خلاقیت و نوآوری است. در این جامعه، نوآوری به قشر اندیشمند محدود نمی‌شود و همه مردم را در برمی گیرد، به گونه‌ای که حتی تبه‌کاران نیز در این جامعه هر روز به فکر خلق روشی نو در روند کاری خود هستند.

دو ــ انگیزه های درونی

اشاره

دو ــ انگیزه های درونی

انگیزه هایی را که از درون شخص منشا می گیرند، انگیزه های درونی می نامند که شامل موارد زیر است:

اول ــ استعداد ذاتی فرد

اول ــ استعداد ذاتی فرد

این امر حتی بدون وجود هرگونه محرک خارجی ممکن است آگاهانه یا ناآگاهانه صورت گیرد و با داشتن هوشی متوسط و آموختن راه های افزایش تفکر خلاق، در همه نیازهای زندگی به دست آید.

دوم ــ نیازهای درونی

دوم ــ نیازهای درونی

گاهی اوقات افراد در خود نیرویی احساس می کنند که همواره آنان را وا می دارد که در جهت کمک به دیگران و ارتقای سطح زندگی در جامعه، دست به نوآوری بزنند. این افراد از هر جنس و سن و شغلی می توانند باشند. به عنوان مثال، خانمی در امریکا که از آگهی های تجاری تلویزیون ناراضی بود، آنها را مطابق با ذوق خود دوباره می نوشت.

سوم ــ بحران های شخصی

سوم ــ بحران های شخصی

بحران های شخصی نیز مانند بحران های جامعه، می توانند محرک بسیار قوی در امر نوآوری برای شخص باشند.

ب) ابزار ها

ب) ابزار ها

برخی فاکتورهـای تعیین کننـده برای دست‌یابی به تفکر خلاق وجود دارنـد که می توان از آنها به عنوان ابزارهای نوآوری یاد کرد. این ابزارها عبارتند از:

اراده؛ اعتماد به نفس؛ شبیه‌سازی؛ تغییر؛ مجاورت؛ تشابه؛ تباین؛ استمداد از دیگران و کمیت.

۶. چگونگی بیدارسازی خلاقیت‌های خفته

اشاره

۶. چگونگی بیدارسازی خلاقیت‌های خفته

بـا علم و اعتقـاد به آنچه که در پی می آیـد، بـا عمـل به آنهـا و بـا مـداومت در انجـام آنهـا، هر انسانی حتی با کم‌ترین درجه خلاقیت قادر است جرقه مقدس را شعله ور سازد وخلاقیت خفته را بیدار کند.

الف) قبول وجود ذخیره بی‌کران خلاقیت در درون انسان

الف) قبول وجود ذخیره بی‌کران خلاقیت در درون انسان

بایـد پـذیرفت و بـاور داشت که این گوهر نفیس و گران بهـا در وجود همه ما از ابتـدای خلقت تعبیه شـده؛ زیرا خداونـد ما را نمایندگان خود در روی زمین نامیده است. این فلسفه و این ایمان، منشأ بیداری اندیشه، فکر و پیدایش خلاقیت است.

ب) شکستن مرزبندی کلیشه ای

ب) شکستن مرزبندی کلیشه ای

برای جلا دادن و غبارروبی گنجینه بی‌کران هوش، حکمت و خلاقیت، بایـد از دایره‌ای که ما را در برگرفته است؛ خارج شـد. بایـد مرزبنـدی هـای کلیشه ای و تجویز شـده را شـکست و پـا به دنیـای بیرون نهاد و از بیرون به خزانه عظیمی که خداونـد در وجود خلیفه خود نهاده است، نگریست و از آن نهایت بهره را جست.

ج) انجام کارهای جدید و مداومت در آنها

ج) انجام کارهای جدید و مداومت در آنها

بایـد همواره در فکر خلق ایـده های جدید و تراوش اندیشه های نو بود. نباید با قانع شدن به آنچه هست، در جا زد و موجبات رکود و افسردگی

را فراهم ساخت. باید همواره در انجام کارهای نو ظهور و جدید پیش قدم بوده و مداومت کرد.

د) تلاش در جهت ارتقای دانش و مهارت

د) تلاش در جهت ارتقای دانش و مهارت

بروز و ظهور خلاقیت، نیازمند آمادگی است و این آمادگی، در سایه تمرین و افزایش آگاهی و مهارت میسر می‌شود. هر چه دامنه دانش و مهارت گسترده تر باشد، احتمال بروز خلاقیت، ابتکار و نوآوری نیز افزایش پیدا می کند. بنابراین، هر روز با مطالعه، تحقیق، کار و تلاش باید موقعیتی را فراهم آورد تا بیشترین بهره از قوه خلاقه برده شود.

ه_) آرامش فکر و مثبت اندیشی

ه_) آرامش فکر و مثبت اندیشی

مثبت اندیشی و آرامش، زمینه‌ساز رشد و شکوفایی خلاقیت انسان‌هاست. به‌گونه‌ای که آرامش و مثبت‌نگری، زمینه فعالیت نیم کره چپ مغز که مسئول کارکرد منطقی، آگاهانه و تجزیه و تحلیل است فراهم‌تر می کند. در حالی‌که استرس، منفی اندیشی و منفی نگری، ترس، دودلی و اضطراب، نیم کره چپ را از کار می‌اندازد و زمینه فعالیت نیم کره راست مغز را که مسئول احساسات و هیجانات است، مهیا می کند.

۷. موانع خلاقیت

اشاره

۷. موانع خلاقیت

عوامل و موانع را می‌توان به دو دسته کلی «فردی» (درونی) و «محیطی» (بیرونی) تقسیم کرد. منظور از موانع درونی، عواملی است که به ویژگی‌های شخصی فرد مربوط می‌شود و موانع محیطی، به موقعیت‌هایی اطلاق می‌شود که فرد در رابطه با دیگران دارد.

الف) موانع فردی

الف) موانع فردی

یک _ عادت: اگر فرد در حل مسائل روشی را انتخاب کند که فقط در یک چارچوب خاصی قرار گیرد و همیشه بخواهد طبق آن الگو مشکلات را حل کند، به آن عادت می کند و بدون تفکر و تعمق به حل

مسائل می پردازد. بنابراین، فکر را محدود می کند و به خلاقیت، که لازمه‌اش تفکر و تعقل است، نخواهد رسید.

دو _ ترس از موفق نشدن: با توجه به این واقعیت که چنانچه نتایج به دست آمده از اعمال انسان‌ها موفقیت‌آمیز باشد، انسان تشویق می‌شود و در غیر این صورت، با تنبیه و توبیخ روبه‌رو می‌شود، انسان‌ها به دنبال اموری می روند که موفقیت به همراه داشته باشد. ازاین رو، از ریسک کردن که لازمه خلاقیت است، دوری می کنند که این، مانع خلاقیت و آزمایش راه های گوناگون است.

سه _ انعطاف ناپذیری: یکی دیگر از موانع خلاقیت این است که افراد در چارچوب و قالب مشخصی فکر و عمل می کنند و به جنبه‌های مختلف توجه ندارند که این مسئله، سبب محدودیت فکری می شود. همچنین برخی مواقع، تعصب و پیش داوری، مانع ارزیابی صحیح می شود.

چهار _ نداشتن اعتماد به نفس: در برخی مواقع، افراد از توانایی و استعداد بالایی برخوردارند، اما جرئت، شهامت و اعتماد به خود را ندارند و فکر می کنند نظر آنها اشتباه است و حتی از بیان آن خودداری می کنند. این نگرش سبب می شود خود را باور نکنند و احساس خود کم بینی، حقارت، کم رویی و به طور کلی، ویژگی های شخصیتی منفی پیدا کنند. نداشتن اعتماد به خویشتن، مانعی برای بروز خلاقیت است.

پنج _ دوری از موقعیت های مبهم: در بسیاری موارد انسان ها از امور و موقعیت‌هایی که پیچیده و مبهم هستند، دوری می‌کنند و به دنبال روش ها و راه حل های مطمئن و بدون دردسر می گردند. ابهام و اشکال در امور را نمی پسندند و نمی خواهند ذهن خود را مغشوش سازند. حال آنکه توجه کردن به موقعیت های مبهم و پیچیده، از ویژگی های انسان های خلاق است.

ب) موانع بیرونی

ب) موانع بیرونی

یک ــ آداب و رسوم: در بسیاری از موارد، آداب و رسوم و سنن اجتماعی افراد را مجبور می سازد که طبق الگوها و خواسته‌های فکری و رفتاری جامعه خود عمل کنند و به غیر از آن فکر نکنند. این جبر اجتماعی و ایجاد محدودیت و سنت پرستی که برخی مواقع حتی با انحراف‌ها همراه است، تعصب خاصی را ایجاد می کند که مانع خلاقیت است و جلوی ایجاد الگوی تازه را می گیرد.

دو ــ هم رنگی: در برخی موارد افراد از اینکه با دیگران متفاوت باشند، هراس دارند. ازاین‌رو، رأی و عقیده خود را با دیگران هماهنگ می کنند و راهی را برمی گزینند که دیگران در آن مسیر باشند. این عامل سبب می‌شود آنان در چارچوبی عمل کنند که دیگران عمل کرده‌اند. بنابراین، جلوی ابتکار و خلاقیت که لازمه آن، پاسخ‌های غیرمعمول است، گرفته می شود.

سه ــ قوانین و مقررات: گرچه رعایت قوانین و مقررات برای هر فرد واجب است تا نظم در جامعه حکم فرما باشد، برخی مواقع نداشتن انعطاف در قوانین، مانع رشد تفکر خلاق است. برای مثال، قوانین آموزشی در تعلیم و تربیت بدون توجه به تفاوت های فردی خود، مانعی برای بروز خلاقیت دانش آموز است.

چهار ــ شغل: برخی مواقع فعالیت های یک‌نواخت در شغل و حرفه سبب می شود که فرد به آن فکر نکند و از روی عادت به صورت مکانیکی بدون تعمق و تفکر، به امور زندگانی بپردازد. افزون بر آن، خستگی و کمبود وقت اجازه فکر کردن را به فرد نمی دهد. بنابراین، خلاقیت که از ویژگی های آن یکنواخت نبودن زندگی است، رعایت نشده و مسئولیت های اداری و شغلی جلوی خلاقیت فرد را می گیرد.

پنـج ــ نگرانی و ترس از اسـتقبال نشـدن در اجتمـاع: امـور خلاـق که جنبه نـوآوری دارد و تـازه و جدیـد است، ممکن اسـت نخست مـورد توجه اجتمـاع قرار نگیرد و افراد از تحقیر و سـرزنش ترس داشـته باشـند و دست از تفکر خلاـق بردارنـد. تـاریخ جهان بشـر، چه بسـیار دانشـمندانی را به خود دیـده است که بر تمسـخر، تحقیر و توهین درآمـده‌انـد. بنابراین، ترس و نگرانی، مانعی برای خلاقیت است. این مسئله را در تعلیم و تربیت نیز می توان مشاهده کرد. تورنس می گوید:

در بیشتر کلاس ها دانش آموزی که یک ایـده یا محصولی غیرعادی ارائه می‌دهـد، در معرض یک خطر قرار می گیرد. بـدین ترتیب، دانش آموز بایـد خیلی شـجاع باشـد تا بر ایده اش پافشاری کند؛ زیرا این چنین ایده‌هایی را اغلب مسـخره و احمقانه و عجیب قلمداد می کنند.

۸. روش‌هایی برای ایجاد خلاقیت و ایده‌های بزرگ در ذهن

اشاره

۸. روش‌هایی برای ایجاد خلاقیت و ایده‌های بزرگ در ذهن

خلاقیت،سبب بروز افکار بزرگ در انسان می‌شود. اما معمولاً سخت‌ترین مرحله، نقطه شروع است. افکار بزرگ ما را به سمت پیشـرفت راهنمـایی می کننـد و فردایی روشن را برایمـان به ارمغـان می‌آورنـد. بـا به‌کـارگیری اصول زیر می‌توان یک تجارت بزرگ و بی‌نقص راه انداخت. ما متأسـفانه ذهن خود را به انجام این امور عادت نداده‌ایم. این امر سبب می‌شود تا توانایی خود را برای دامن دادن به تصـورات و تخیلاـت از دست بـدهیم و در نـتیجه، قـدرت تخیـل خود را به کـار نگیریم. به همین دلیـل، فرصت‌های بی‌شـماری را به آسانی از دست می‌دهیم. ایده‌های بزرگ، از محلی فرای باورهای شخصـی نشئت می گیرند. باید به دوردست‌ها بنگرید و افکار متفاوت را آزمایش کنید تا به نتیجه مطلوب دست پیدا کنید.

عـده‌ای با به کار نگرفتن ذهن خود، آن را به طرز وحشـتناکی بی‌حس و کرخت می کننـد. چنین رفتاری سـبب می‌شود درخت افکار شما هیچ گاه به بار ننشیند.

الف) زیاد مطالعه کنید

الف) زیاد مطالعه کنید

ذهن شـما هماننـد بـدنتان برای اینکه رشـد پیـدا کنـد و پرورش یابد، نیازمند تمرین و تحرک است و چه تمرینی بهتر از کتاب خواندن. بکوشید با افکار و عقاید انسان‌های موفق در طول تاریخ، آشنا شوید. شرح حال و تاریخچه زندگی هر یک از آنها را مرور کنیـد و از آن درس بگیریـد. بـا مطـالعه این کتـاب‌هـا می‌تـوان حـدس زد که چگـونه این افراد بزرگ ذهن خود را برای رسـیدن به بهترین‌ها پرورش داده بودنـد. همچنین می‌توانیـد مجله‌هایی ماننـد «تجارت» و یا «اقتصاد روز» را نیز مطالعه کنیـد. با آگاهی از پیشـنهادهای دیگران پیرامون مسائل مختلف، شما سطحی‌نگری را کنار می گذارید و با دیدی عمیق، به موضوع‌های مختلف می‌نگرید.

ب) فرصت‌هایی را که در آن ذهن شما خلاق است، از دست ندهید

ب) فرصت‌هایی را که در آن ذهن شما خلاق است، از دست ندهید

شایـد بروز بسیاری از مسائـل را به شانس واگـذار می کنیـد. تصور شـما نادرست است. شایـد بعضـی مواقع حس می کنیـد که مغزتان اصلاً کار نمی کند و هیچ واکنشی از خود نشان نمی‌دهد. اما مواقعی هم وجود دارد که ذهنتان به قدری فعال است که می‌خواهید انیشـتن را به رقابت دعوت کنید. تنها مشـکل موجود این است که این زمان‌های طلایی، مواقعی که شـما به آن نیاز داریـد، ظـاهر نمی‌شود. زمـانی که ذهن در حـال فوران است، تـا آنجـا که می‌توانیـد، به افکار خود پر و بال دهیـد. اجازه دهید افکارتان مثل آب آتش نشانی به بالاترین نقطه صعود کنند. هنگامی که برای پرواز کردن به ذهن خود فضا می‌دهید، او شـما را به دوردست‌ها خواهد برد و نتایج شگفت‌انگیزی را به دست خواهد داد.

ج) یک دفترچه یادداشت به همراه داشته باشید

ج) یک دفترچه یادداشت به همراه داشته باشید

هنگامی که افکار بی‌نظیر به ذهن شما خطور می‌کنند، از ذخیره کردن آنها اطمینان خاطر حاصل کنید. در این امر، به یادداشت‌های ذهنی اکتفا نکنید؛ زیرا ممکن است به دست فراموشی سپرده شوند. بکوشید همیشه یک دفترچه یادداشت و یا یک ضبط صوت به همراه داشته باشید. هنگامی که افکارتان در جایی ثبت شوند، شما به راحتی می‌توانید به آنها دست رسی پیدا کنید و آنها را به سرعت بکار ببندید. افکار بزرگ نیز مانند میوه‌ها فقط تا زمانی که تازه و شاداب باشند، قابل استفاده هستند.

د) از افکار دیگران بهره بجویید

د) از افکار دیگران بهره بجویید

بهره جستن از افکار و عقاید دیگران نیز به نوبه خود، روشی مناسب برای گسترش ایده‌های شخصی شماست. افراد مختلف دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهای متفاوتی دارند. توانایی‌های آنها مختلف است و پیشینه‌های متفاوتی دارند. کارکرد ذهن افراد منحصر به فرد است. با مطرح شدن یک بحث در میان جمع، آن قدر پیشنهادهای مختلف شنیده می‌شود که نیمی از آنها هرگز به ذهن شما نمی‌رسیدند. از این راه، شما می‌توانید با کوله‌باری سرشار از افکار متفاوت در جاده تصمیم‌گیری گام بردارید.

نسبت به نظر هیچ‌کس بی‌توجهی نکنید. شاید در نگاه اول احمقانه به نظر برسند، ولی شاید مانند صدف‌هایی باشند که در خود گوهرهای گران‌قیمتی را جای داده‌اند. درست نیست که درباره نظر دیگران به قضاوت بنشینیم، بکوشید به جای قضاوت‌های بیهوده، آنها را سبک سنگین کنید و در امور روزمره خود به کار ببندید.

ه) تغییراتی در محیط اطراف خود ایجاد کنید

ه) تغییراتی در محیط اطراف خود ایجاد کنید

گاهی اوقات تنها چیزی که سبب می‌شود ذهن خسته شما را دوباره به کار اندازد، تغییر وضع ظاهری محیط اطرافتان است. اگر چشم‌انداز

پیرامون شما تغییر کند، ذهن شما نیز به صورت ناخودآگاه به سمت یک دیدگاه جدید تغییر جهت می‌دهد. اگر تمام مدت در پشت میز خود بنشینید، ذهن خود را در آن شرایط محدود می‌کنید و هیچ فضایی برای برانگیختگی او باقی نمی‌گذارید.

بنابراین، می‌توانید پیاده‌روی کنید، به باشگاه ورزشی بروید، کنار آب رود بنشینید و در کل به یک مکان جدید گام بگذارید تا ذهن شما نیز بتواند آزادانه به تمرین و تکاپو بپردازد.

و) بر روی شکاف میان دو نسل خط بطلان بکشید

و) بر روی شکاف میان دو نسل خط بطلان بکشید

ذهن کودکان، تروتازه و شاداب است. آنها جسور هستند و احساساتشان از راه فشارهای اجتماعی سرکوب نشده است. به جهان، با شگفتی می‌نگرند و مانند بزرگ‌ترها پاکی و معصومیت خود را از دست نداده‌اند. با کودکان، پیرامون مسائل مختلف صحبت کنید تا با نقطه نظر ساده و بی‌آلایش آنها آشنا شوید. اگر می‌خواهید مشکلی را حل کنید، نظر آنها را نیز جویا شوید. عقاید آنها شما را به تعجب وا می‌دارند. آنها قصد اثرگذاری بر دیگران را ندارند و همه چیز را تنها با اتکا بر پاکی و صداقت بیان می‌کنند.

از سوی دیگر، با افراد سال‌خورده و مسن نیز مشورت کنید. آنها مدت‌ها پیش، با تمام این مشکلات روبه‌رو شده‌اند و با آن دست وپنجه نرم کرده‌اند. تجربه‌هایشان آن‌قدر سودمند و باارزش است که هیچ قیمتی را نمی‌توان بر روی آن گذاشت. پس آنها را دست کم نگیرید، با دیدگاه‌هایشان نسبت به زندگی آشنا شوید و از آنها درس بگیرید. به طور یقین، شما را به سوی جهت مناسب هدایت می‌کنند و از مشکلات در امان خواهید بود.

ز) به رفیق خود مراجعه کنید

ز) به رفیق خود مراجعه کنید

همه ما دوستی داریم که به نظر می‌رسد توانایی پاسخ به تمام مسائل و مشکلات ما را دارد. پس چرا تنها درباره مشکلات شخصی از او کمک می خواهید؟ بد نیست گاهی درباره مسائل مهم‌تر نیز از او یاری بجویید.

ح) به توانایی‌هایی خود اتکا کنید و در حیطه کاری خود به فعالیت بپردازید

ح) به توانایی‌هایی خود اتکا کنید و در حیطه کاری خود به فعالیت بپردازید

خیلی خوب است که به ذهن خود اجازه دهید آزادانه به گردش بپردازد. اما این گردش باید در حیطه دانش شما انجام پذیرد. اگر یک طراح هستید، لازم نیست راه حلی برای مشکلات اقتصادی پیدا کنید. افکار شما تنها در رشته‌ای که مهارت دارید، خوب کار می‌کنند و در دیگر رشته‌ها نتیجه‌ای مصیبت‌بار را به دنبال خواهند داشت. اگر به ورود به قلمرو دیگری نیاز دارید، بهتر است قبل از هر کار با یک متخصص مشورت کنید و اجازه انجام کلیه امور را به دست او بسپارید تا با استفاده از دانش و تخصص خود عمل کند.

ط) به ذهن خود آزادی عمل دهید

ط) به ذهن خود آزادی عمل دهید

آیا با تمرین‌های رایج نویسندگان آشنایی دارید؟ آنها برای مبارزه با محدودیت‌ها یک روش بسیار جالب را برگزیده‌اند. فقط کافی است قلم را بر روی کاغذ بگذارید و هر آنچه را در ذهنتان است، بر روی کاغذ بیاورید. می‌توانید از مشکلات شروع کنید و به دنبال هیچ‌گونه ارتباطی در دست‌نوشته‌های خود نباشید. مهم نیست که تا چه حد عبث و نامعقول به نظر می‌رسند. بعدها می‌توانید مثل یک جدول تناوبی آنها را سازمان دهی کنید. در آخر نیز امکان دارد به چیزی دست پیدا کنید که بیهوده و بی‌ربط باشد. اما چیزی که در این مبحث حائز اهمیت است، این است که شما به ذهن خود اجازه غرق شدن در مسائل مختلف را داده‌اید و این خود، یک امتیاز محسوب می‌شود. هیچ‌کس نمی‌داند، شاید به نتیجه‌ای برسید که سال‌ها منتظر آن بوده‌اید.

ی) ایده‌های گذشته را از نو بسازید

ی) ایده‌های گذشته را از نو بسازید

افکار شما مثل کامپیوتر هستند. هر چند وقت یک بار نیاز است که سخت‌افزار آن را ارتقا دهید. ایده‌های بزرگ گذشته را پیش روی خود بگذارید و بر روی آنها عملیات نوسازی انجام دهید. آنها را اصلاح کنید و برای بهبودی آنها تلاش کنید. ضمیمه‌های لازم را نیز برای تقویت

هرچه بیشتر به آنها بیفزایید. این کارها را می‌توان با نوشتن عقاید اولیه خود بر روی کاغذ و نظم دادن به آشفتگی ذهنتان انجام دهید. عالی به نظر می‌رسد، پس منتظر چه هستید؟ بهتر است در انجام آن بشتابید.

ک) از قدرت نهفته در درونتان یاری بخواهید

ک) از قدرت نهفته در درونتان یاری بخواهید

آیا یک شیء، آهنگ، مکان یا یک شخص خاص وجود دارد که حضور یا تجسم او برای شما خوشایند باشد و به ذهنتان نیرویی برتر دهد. از هیچ تلاشی برای رسیدن به آن دریغ نکنید. تنها یک چنین چیزهایی هستند که شما را به سوی ابتکارهای نو رهنمون می‌سازند. از وجود آن بهره بجویید و اجازه دهید تا انوار طلایی آن به درونتان نفوذ کند و ذهن شما را در بر گیرد.

۹. ویژگی های سازمان خلاق

اشاره

۹. ویژگی های سازمان خلاق

زیر فصل ها

الف) رعایت کرامت انسانی و احترام به افراد

ب) فرهنگ ارتقای بهره‌وری

ج) مدیران همیشه در صحنه

د) رقابت کامل و فشرده

هـ) توجه به تمام و کمال به مشتری‌ها

و) امکان گردش شغلی

ز) فرهنگ کار تیمی

ح) امنیت شغلی

ط) ارزش تلقی شدن عامل تغییر

ی) فرهنگ خودارزیابی و خودکنترلی

ک) کار گروهی

ل) استقبال مدیران از عامل تغییر

الف) رعایت کرامت انسانی و احترام به افراد

الف) رعایت کرامت انسانی و احترام به افراد

در این سازمان‌ها حفظ حرمت و شخصیت انسان‌ها از اصول اساسی شمرده می‌شود. در سازمان‌های خلاق، به کارکنان در مقام سرمایه‌های واقعی سازمان اعتماد و اطمینان می‌شود. اختیار لازم به آنها تفویض می‌شود و از نظرها و ایده‌های آنها در تصمیم گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، اجرا و ارزش‌یابی استفاده کامل می‌شود.

ب) فرهنگ ارتقای بهره‌وری

ب) فرهنگ ارتقای بهره‌وری

سازمان خلاق، سازمانی است که در آن بستر لازم برای بهبود مداوم فعالیت‌ها مهیّا است. کارکنان به درجه‌ای از رشد و تکامل رسیده‌اند که هر نقص و مشکلی را به عنوان فرصتی برای ارتقا می‌دانند و پیوسته در اندیشه و در عمل در حال بهبود مستمر فرآیندها هستند.

ج) مدیران همیشه در صحنه

ج) مدیران همیشه در صحنه

در سازمان‌های خلاق، حصارهای ما میان مدیران و کارکنان شکسته شده و فاصله به حداقل رسیده است، به گونه‌ای که حضور و اثر مدیران را در جای جای سازمان می‌توان حس کرد. در این سازمان‌ها ارتباط افقی به

حداکثر رسیده و نزدیکی بی‌پیرایه و صمیمانه مدیران و کارکنان یک ارزش سازمانی است.

د) رقابت کامل و فشرده

د) رقابت کامل و فشرده

در سازمان‌های خلاق کارکنان و مدیران بخش‌های مختلفی در قالب تیم‌های کاری و ارتقا، به فعالیت مشغول هستند. برای بهبود امور سازمان‌ها همواره در حال رقابتی سالم، فشرده و کامل در جهت رسیدن به نقص صفر و دست‌یابی به مأموریت و رسالت سازمانی می‌کوشند.

هـ) توجه به تمام و کمال به مشتری‌ها

هـ) توجه به تمام و کمال به مشتری‌ها

در سازمان‌های خلاق، همه بر این اعتقاد هستند که وجود سازمان به خاطر مشتری‌هاست. بنابراین، در همه عرصه‌های مدیریت و اجرا حداکثر بهره از مشتری‌ها برده می‌شود. در این سازمان‌ها، سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی دقیقی به منظور رساندن صدای مشتری به درون سازمان انجام می‌پذیرد و همه ارکان سازمان با شناسایی نیازها و انتظارهای مشتری‌ها در صدد جلب رضایت آنهاست.

و) امکان گردش شغلی

و) امکان گردش شغلی

در این سازمان‌ها کارکنان، صاحب تخصص ویژه نیستند و با توجه به توانایی‌هایشان در جایگاه‌های مناسب (بر اساس اهداف سازمانی و بر اساس شرایط زمانی و مکانی) قرار گرفته‌اند و در خدمت سازمان هستند. در این سازمان‌ها همه در همه حال در خدمت سیستم همیشه در حال ارتقا هستند و گردش شغلی به عنوان ارزش تلقی می‌شود.

ز) فرهنگ کار تیمی

ز) فرهنگ کار تیمی

در سازمان‌های خلاق، مشارکت جمعی، بهره‌گیری از پیشنهادهای کارکنان و هم‌فکری در چارچوب تیم‌های ارتقا به طور گسترده‌ای رایج است و جزو فرهنگ سازمانی به شمار می‌رود. در این سازمان‌ها خودگرایی و گروه‌گرایی جای خود را به نگرش نظام‌مند و فعالیت در قالب تیم‌های ارتقا برای بهبود فرآیندها داده است.

ح) امنیت شغلی

ح) امنیت شغلی

در سازمان‌های خلاق، تعلق خاطر عمیقی میان اجزای سازمان وجود دارد. کارکنان تعهد خاصی به سازمان دارند و در مقابل، سازمان نیز چنین تعهدی را نشان می‌دهد. روابط دوسویه بسیار عمیق، ترسِ از دست دادن شغل را از میان برده است و مدیران و کارکنان به منظور بهبود مداوم کارها، لازم و ملزوم یکدیگر محسوب می‌شوند.

ط) ارزش تلقی شدن عامل تغییر

ط) ارزش تلقی شدن عامل تغییر

سازمان‌های خلاق، سازمان‌هایی هستند که در آن مدیران و کارکنان نه تنها در مقابل تغییر مقاومت نشان نمی‌دهند و بی‌تفاوت نیستند، بلکه با آغوش باز به استقبال آن می‌روند، زیرا عامل تغییر را فرصتی برای ارتقا می‌پندارند و بر این باورند که تغییر عاملی در جهت بهبود سیستم و تعالی سازمان است.

ی) فرهنگ خودارزیابی و خودکنترلی

ی) فرهنگ خودارزیابی و خودکنترلی

همزمان با رشد و توسعه کارکنان و مدیران و گسترش فرهنگ ارتقا و کار تیمی در سازمان، کنترل از درون یا خودکنترلی جای‌گزین کنترل از بیرون می‌شود. نظام بازرسی و کنترل سفت و سخت مدیریت، بسیار کم‌رنگ شده است و افراد آزادی عمل بیشتری دارند. با این حال، این امر به معنی هرج و مرج و بی‌بند و باری نیست. مسئولیت همراه با اختیار کارکنان، فضا را برای بروز خلاقیت بیشتر آنها آماده می‌کند، بدون اینکه بازرسی بر سیستم حاکم باشد.

ک) کار گروهی

ک) کار گروهی

روابط همیشگی و بلند مدت کارکنان با این نوع سازمان‌ها و در نتیجه، بهره‌مندی آنها از امنیت شغلی، از دیگر ویژگی‌های این سازمان‌هاست.

ل) استقبال مدیران از عامل تغییر

ل) استقبال مدیران از عامل تغییر

در این سازمان‌ها همه مدیران، مسئله تغییر را به عنوان تنها عامل ثابت و گریزناپذیر می‌دانند و با خشنودی آن را می‌پذیرند و در برابر آن مقاومت نمی‌کنند. طبیعی است در چنین سازمانی ضرورت ندارد که مدیر بخش

زیادی از وقت خود را برای جلوگیری برخورد با تغییرات اختصاص دهد؛ زیرا همه به این باور رسیده‌اند که تغییر، یک ارزش مثبت است.

۱۰. سازمان و تکنیک‌های توسعه خلاقیت گروهی

اشاره

۱۰. سازمان و تکنیک‌های توسعه خلاقیت گروهی

سازمان‌ها می توانند از انواع تکنیک های توسعه خلاقیت گروهی به شکل جدی و مستمر استفاده کنند. این تکنیک ها از این قرارند.

الف) تکنیک تحرک مغزی (توفان فکری)

الف) تکنیک تحرک مغزی (توفان فکری)

یکی از تکنیک های رایج در ایجاد خلاقیت و فعال ساختن اندیشه ها به صورت گروهی، تکنیک تحرک مغزی است. در این تکنیک، مسئله ای به یک گروه کوچک ارائه و از آنان خواسته می شود، به سرعت به آن واکنش نشان دهند و برای آن پاسخی بیابند. پاسخ ها بر روی تابلویی نوشته می شوند، به گونه‌ای که همه اعضای جلسه می توانند آنها را ببینند. این امر سبب می شود تا ذهن اعضا به فعالیت بیشتری بپردازد و جرقه ای از یک ذهن، سبب روشنی ذهن دیگری شود. نخستین دلیل اثربخشی تحرک مغزی، افزایش قدرت خلاقیت در گروه است. افراد در حالت گروهی، بیش از حالت انفرادی قدرت تصور خلاق بروز می دهند. رقابت نیز عامل دیگری است که در جلسات تحرک مغزی، سبب افزایش اثربخشی می شود. همچنین نبودن زمینه انتقاد یا ارزیابی های سریع موجب می شود تا اعضای جلسه با فراغت خاطر به اظهارنظر بپردازند و محیطی مساعد برای خلاقیت ایجاد شود. نکته دیگر که در مؤثر بودن تحرک مغزی وجود دارد، بداهه بودن پیشنهادهاست.

ب) تکنیک خلاقیت شش کلاه تفکر

ب) تکنیک خلاقیت شش کلاه تفکر

ادوارد دوبونو پدر تفکر خلاق، در کتاب شش کلاه تفکر یک روش خلاقانه ارائه می کند و از آن راه می کوشد نشست افراد به دور یکدیگر را به اقدامی ثمربخش و کارا تبدیل کند.

دوبونو می کوشد به کسانی که به دور هم جمع می شوند، بیاموزد که به تفکر خود نظم دهند و آن گاه در این میان، به راه‌های خلاقانه بیندیشند و با یک هماهنگی مدبرانه، نتایج را طبقه بندی و اولویت بندی کنند و در تصمیم گیری‌ها از آن استفاده کنند. فرآیند تکنیک شش کلاه تفکر به این شرح است:

تصور کنید به یک جلسه قدم گذاشته‌اید و شما مسئول نظم‌دهی، هدایت و نتیجه‌گیری از آن جلسه هستید. در اینجا کلاه آبی را بر سر شما خواهند گذاشت، زیرا هنگامی که کسی کلاه آبی را بر سر می گذارد باید به موارد زیر دقت کند:

رنگ آبی نماد آسمان آبی رنگ است که چتر آن بر همه جا گسترده شده است و کسی که کلاه آبی بر سر خود می گذارد باید بتواند افکار جاری در محیط جلسه را در ذهن خود به جریان درآورد و نظم و تمرکز دهد.

کلاه آبی همچون یک نرم‌افزار است که تلاش می کند به تفکر کردن جمع، جهت دهد و با برنامه‌ای مشخص آن را به سرانجام برساند و گویی همچون یک کارگردان تفکر ما را هدایت می کند.

با کلاه آبی اولویت‌ها و محدودیت‌ها تعیین می‌شود. اکنون بر روی صندلی خود بنشینید و موضوع و یا مشکل مورد بحث را بر روی تخته سیاه بنویسید. در نخستین اقدام و با هدایت شما همه اعضا باید کلاه سفید را بر سر بگذارند و در موضوع بیان شده بیاندیشند.

هنگامی که کلاه سفید را بر سر می گذارید، نباید به چیزهایی که شامل الهامات، قضاوت‌های متکی به تجارب گذشته، عواطف، احساسات و عقاید است توجه کنید و تنها باید همچون یک رایانه، فقط اطلاعات ارائه کنید. حال شما باید اطلاعات به دست آمده از حاضرین در جلسه که به واسطه تفکر با کلاه سفید ارائه شده است را جمع‌بندی کنید و اعضای جلسه را وارد مرحله بعد کنید تا با گذاشتن کلاه قرمز بر سر، شروع به تفکر کنند.

هنگامی که حاضرین می‌خواهند با کلاه قرمز در مورد موضوع مورد نظر تفکر کنند باید به نکات زیر توجه کنند:

اجازه دهید احساسات و عواطف بر وجود شما حاکم شده و به زبان درآیند و هر کسی می‌تواند از الهامات و دریافت‌های ناگهانی خویش سخن گوید و دیگر نیازی به استدلال نیست. اگر به احساسات اجازه بروز ندهیم، بدون شک ناخواسته و بدون دقت نظر، در تصمیم‌گیری‌ها وارد شده و چه بسا سبب بروز مشکلاتی برای ما شوند.

پس از اینکه تمام نظرات اعضای جلسه ارائه شد، شما اقدام به جمع‌بندی تراوشات فکری حاضران کرده و آن‌گاه به مرحله بعد قدم بگذارید و اجازه دهید حاضران کلاه سیاه را بر سر بگذارند. با گذاشتن این کلاه بر سر نباید احساسات منفی بدون منطق بیان شوند، بلکه فرد باید دیدگاه‌های منفی خود را در خصوص مشکل یا موضوع مورد بحث به صورت منطقی بیان کند. بدون شک اگر از این کلاه به خوبی استفاده شود، می‌تواند ما را از مخاطراتی که در آینده از چشمان ما دور می‌ماند آگاه کند. تفکر منفی به گفته «دوبونو» جذاب است، زیرا دستاوردهای آن را می‌توان به فوریت مشاهده کرد. اثبات خطای دیگران برای ما رضایت در پی دارد و حمله کردن به یک دیدگاه در ما احساس برتری می‌بخشد و برعکس ستودن یک نظر سبب می‌شود در خود احساس کنیم با فرد برتری روبه‌رو شده‌ایم. نتایج بحث‌های ارائه شده توسط شما جمع‌بندی شده و در نهایت ثبت شود و آنگاه بار دیگر اجازه دهید حاضران کلاه زرد را بر سر خود بگذارند و شروع به تفکر کنند.

زرد نماد آفتاب است و آفتاب شروعی برای سازندگی، شادابی و خوش‌بینی است. گویی هر جا سراغ از خورشید گرفته می‌شود، گرمی زندگی و زایشی دیگر در میان است و تفکر مثبت باید به همراه کنجکاوی و شادمانی و سرور

و تلاش برای درست شدن کارها باشد. فرد با گذاشتن کلاه زرد تلاش می کند به نکات ارزشمند و مثبت موضوع بنگرد. اصولاً افکار سازنده به سوی مثبت گرایی تمایل دارند. یکی از تمریناتی که فرد با کلاه زرد می تواند انجام دهد، بهره گیری از تجربیات ارزشمند گذشته است. کلاه زرد در ابتدا در صدد کشف فواید موجود در موضوع مورد بحث است و هر آنچه می کاود، بیان می‌دارد.

اکنون بار دیگر به جمع‌بندی نظرات به دست آمده بر اثر کلاه زرد بپردازید. اکنون حاضران باید کلاه سبز را بر سر بگذارند، باید به راه‌های نو بیاندیشند که می‌توانند در آن موضوع مورد نظر اثرگذار بوده و به تصمیم گیری‌های خلاقانه منجر شود. هنگامی که حاضران کلاه سبز را بر سر می گذارند، فرصتی می‌یابند که به جست‌وجوی چیزهای کشف نشده هدایت کنند. حال فرصتی به حاضران دهید تا ایده‌های نو ارائه کنند و آنگاه به ثبت این ایده‌ها پرداخته و به جمع‌بندی نظرات بپردازید. بدون شک برای خلاقانه اندیشیدن باید فرهنگ خلاقیت را بر فضای جلسه حاکم کنید. اکنون شما باید تلاش کنید که با کلاه آبی که بر سر گذاشته‌اید به ارزیابی نتایج پرداخته و به یک جمع‌بندی مناسب برسید و در نهایت در جهت حل مشکل یا پی گیری مورد نظر تصمیم نهایی را بگیرید. بدون شک هر یک از اعضا می‌توانند کلاه آبی را به امانت گرفته و با آن به تفکر بپردازند و در اتخاذ تصمیمات به شما کمک کنند. در پایان شما درمی‌یابید هنگامی که جلسه را این گونه مدیریت می کنید، دیگر تنها شاهد آن نخواهید بود که یک فرد تنها با کلاه سیاه به جلسه قدم بگذارد و یا فرد دیگری تنها با کلاه قرمز تفکر کند؛ بلکه همه مجبورند با شش کلاه مذکور تفکر کنند و اندیشه‌های ذهن خود را ارائه کنند.

ج) گردش تخیلی

ج) گردش تخیلی

در سال ۱۶۹۱م. روان‌شناسی به نام گوردون نتایج پژوهش های ۱۰ ساله خود را درباره افراد خلاق منتشر کرد و ضمن آن اعلام داشت که ذهن

آدمی به هنگـام ابراز خلاـقیت و ابتکـار، در یـک حـالت خـاص روانی است که اگر بتوانیم آن حالت را ایجاد کنیم، خلاقیت، امکان وجود می یابد. او در گروه های ایجاد خلاقیت، اعضای گروه را از راه به کارگیری یک جریان تمثیلی و اسـتعاره ای به گردشـی تخیلی ترغیب می کرد و در این حالت، ایـده ها و نظرات بدیعی را کشف می کرد. ذهن افراد در این گردش خیالی، با دستاویز استعاره ها به نکاتی نو که هدف جلسه خلاقیت بود، می رسید و روابط تازه ای را میان پدیده ها پیدا می کرد. آنان پدیده هایی را که چندان تجانسی با هم نداشتند، ترکیب می‌کردند و به ایده های نوینی دست می یافتند. در جلسات خلاقیت، به کمک اسـتعاره و تخیل کار ترکیب در ذهن افراد انجام می گرفت. ازاین رو، روش گوردون را شیوه تلفیق نامتجانس ها نیز نامیده‌اند.

د) تهییج ذهنی یا تکنیک گوردون

د) تهییج ذهنی یا تکنیک گوردون

روشـی است بسـیار مناسب جهت یافتن راه حل‌های جدیـد برای مسـئله و نیز برای اکتشافات علمی و فنی. این روش، فرآینـدی خـاص و منحصـر به فرد و در عین حـال مؤثر دارد. فراینـد به کـارگیری این رویکرد، عبارت است از: الف) شـناسایی و تجزیه وتحلیـل مشـکل به منظور رسـیدن به ماهیت و جوهره آن; ب) کشف راه حل‌هایی برای آن جوهره از راه دیـدگاه غیرمرتبط با موضوع ; ج) تلاش برای تبـدیل راه حل‌های به دست آمـده به راه حل نهایی. در جلسه‌هایی که از این روش اسـتفاده می‌شود، فقـط رهـبر گروه از اصـل موضـوع آگـاهی دارد و موضـوعی که مطرح می‌شـود، دقیقاً اصـل موضـوع نیست، بلکه موضـوعی نزدیک به آن است.

ه) تفکر موازی

ه) تفکر موازی

واضع این شـیوه ادوارد دوبونو، روش معمول تفکر را هماننـد حفر گودالی توصـیف می‌کند که با افزایش اطلاعات فرد، همان گودال را عمیق‌تر

می سازد و از دیـدن جاهای دیگر برای حفر کردن باز می مانـد. درحالی که تفکر موازی، نگاه فرد را به نقاط جدیـد معطوف می سازد و اطلاعات و تجربه های جدیـد تنها به اندیشه های قبلی افزوده نمی شود، بلکه آنها را تغییر می‌دهد و الگو و ساختار جدیـدی را ایجـاد می کنـد. یکی از راه‌هـای تحقق تفکر موازی، ایجاد یک انـدیشه واسـطه غیرممکن است. این انـدیشه سـبب گسترده شـدن فکر و ذهن می‌شود و با تعـدیل آن می توان، به اندیشه نو و عملی دست یافت. راه دیگر در تفکر موازی، پیوند تصادفی است. فرض کنید کتاب فرهنگ لغت را می گشایید و لغاتی را می خوانید و می کوشـید تا آن را با موضوع مورد نظر پیوند دهید و به نتیجه ای برسید. در این کار، شما از روش پیوند تصادفی استفاده کرده اید.

و) ارتباط اجباری

و) ارتباط اجباری

یکی دیگر از شـیوه هـای آشـکارساختن خلاـقیت‌ها و ظاهر ساختن توانایی آفریننـدگی موجود در افراد، شـیوه ارتباط اجباری است. در این شیوه همان گونه که از نام آن استفاده می شود، باید میان دو گروه از پدیده ها ارتباطی اجباری ایجاد کرد.

۱۱. نقش مدیر در پرورش خلاقیت

۱۱. نقش مدیر در پرورش خلاقیت

نقش مـدیریت در مجموعه‌هـایی که خلاـقیت و نوآوری از ضـروریت‌ها و عامل اصـلی است، بسـیار مهم و حساس است؛ زیرا مدیریت می‌تواند توانایی و اسـتعداد خلاقیت و نوآوری را در افراد ایجاد، ترویج و تشویق کند یا رفتار و عملکرد آنها می‌تواند از ایـن امر حیـاتی مـانع شـود. هنر مـدیر خلاـق، عبـارت اسـت از اسـتفاده از خلاـقیت دیگران و پیـداکردن ذهـن‌هـای خلاـق. مـدیرخلاق باید فضایی بیافریند که خود بتواند خلاق باشد و افراد سازمان را نیز برای خلاقیت تحریک کند و این فضا، فضایی است که از کار روزمره به دور است و به نوعی تفویض اختیار می کند تا

هر کسی خود، مشکل خود را حل کند. برای اینکه افراد در سازمان به تفکر بپردازند، باید محیطی ایجاد شود که در آن به پیشنهادها و اندیشه‌ها امکان بروز داده شود. یکی از شیوه‌های بسیار مهم و پرجاذبه، پرورش شخصیت انسان‌ها و نیز خلاقیت و نوآوری و حتی رشد اجتماعی، مشورت است و بدون تردید، افرادی که اهل مشورت هستند، از عقل و فکر بیشتری بهره‌مندند و آنان که اهل آن نیستند، از این امتیاز بهره‌ای ندارند.

مدیر خلاق، کسی است که کارها را به دست همه کارکنان به انجام می‌رساند. مدیران خلاق، ویژگی‌های متعددی دارند که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. ایجاد هم‌سویی بین اهداف فردی و اهداف سازمانی؛

۲. رایج کردن نظام آموزشی مستمر و همگانی؛

۳. ترویج کار تیمی و برقراری ارتباطات همه‌جانبه؛

۴. تمرکز روی فرآیندها و ترویج تفکر نظام‌مند به جای تمرکز روی افراد و گروه‌ها؛

۵. ریسک‌پذیری و فرصت تلقی کردن اشتباه‌ها و از بین بردن ترس از پی‌آمدهای اشتباه‌ها؛

۶. به حداقل رساندن کنترل از بیرون و ترویج خودارزیابی؛

۷. محدود نکردن کارکنان با کاهش تقسیم کار و دادن حداکثر آزادی عمل به آنها؛

۸. تمرکز روی مشتری و ترویج فرهنگ مشتری‌مداری در سازمان؛

۹. تحمل راه‌ها و پیشنهادهای غیرعملی و حتی دور از ذهن؛

۱۰. تحمل تضاد در آرا و عقاید کارکنان و فرصت تلقی کردن آنها (هماهنگی و توافق کامل بین کارکنان و واحدها، لزوماً به عملکرد موفق منجر نمی‌شود).

شب چنین با روز اندر اعتناق

مختلف در صورت اما اتفاق

روز و شب این هر دو ضد و دشمن‌اند

لیک هر یک بر حقیقت می‌تنند

هر یکی خواهان دیگر همچو خویش

از پی تکمیل فعل و کار خویش

مولوی

بخش دوم: نوآوری در بستر تولید علم و توسعه علمی (عوامل، موانع و راه کارها)

اشاره

بخش دوم: نوآوری در بستر تولید علم و توسعه علمی (عوامل، موانع و راه کارها)

زیر فصل ها

درآمد

درآمد

جنبش نرم‌افزاری که خواست حضرت امام رحمه الله و رهبر فرزانه انقلاب است، افق جدیدی را برای حوزه و دانشگاه گشود. بعد از پایان جنگ تحمیلی، حضرت امام خطاب به نیروهای بسیجی فرمود که من فرزندان بسیجی‌ام را به یک جهاد علمی دعوت می‌کنم و در سال ۱۳۷۵ نیز مقام معظم رهبری در دانشگاه «امیرکبیر» برای نخستین بار بحث جنبش نرم‌افزاری را مطرح کرد. در سال ۱۳۸۱ نیز ایشان در پاسخ جمعی از فضلای حوزه علمیه درباره جنبش نرم‌افزاری، پاسخی ارائه داد که از آن، به عنوان منشور فرزانگی یاد می‌شود. امروز این دعوت‌ها آثار خود را تا حدودی نمایانده است. در سالیان اخیر کشورمان توسعه علم و شاخص‌های مربوط به وضع دانش را شاهد است که رشد فزاینده‌ای یافته‌اند. آمار کتاب‌های منتشر شده، آمار مقاله‌های نمایه زده شده در آی.اس.آی و دیگر مجامع بین‌المللی، آمار دانشجویان، رتبه‌های علمی اعضای هیئت علمی در دانشگاه‌ها و نیز افزایش دانشیاران و استادان و پژوهشگران، همه نشان‌دهنده رشد و بالندگی علمی کشور است. در سال ۱۳۵۷ به ازای هر یک میلیون نفر، ۴۶ پژوهش گر وجود داشت و امروز این آمار به هفتصد پژوهشگر در هر میلیون نفر افزایش یافته است. در حوزه علمیه دگرگونی‌های بسیار خوبی رخ داده و با پیدایش نسل جدید در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها و همچنین آشنایی آنان با آموزه‌های دینی و با علوم روز؛

وجود نهادهـای تلفیقی در حوزه و دانشـگاه، نشانگر تحول علمی در کشور است. در این مراکز تولیـد علم و ابتکار و خلاقیت، به ارزش عمومی تبـدیل شده و موفقیت جوانان دانشـجو و دانش‌آموز در المپیادهای بین‌المللی و نیز توجه به نظم و نسق دادن، به نظـام آموزشـی در کشور، به گونه‌ای که وابسـته به پژوهش باشـد، افزایش یافته است. با این حال، تا دست‌یابی به کمال راه درازی در پیش است. برای مثـال درصـد پژوهش گران در کشور مـا در مقـایسه بـا ژاپن که در هر یـک میلیون نفر، ۴۹۰۰ نفر است، بسـیار کمتر است. بنابراین، شایسـته است درباره موانع و فرصت‌های این جنبش تحقیق شود تا با دیـدی روشن و اراده‌ای استوار گام‌های ناپیموده برداشته شود.

فصل اول: تولید علم و توسعه علمی

اشاره

فصل اول: تولید علم و توسعه علمی

زیر فصل ها

۱. تولید علم

۱. تولید علم

اصطلاح تولید علم، گفتمان جدید و متناسب با دگرگونی‌های اخیر در صحنه جامعه بشری است؛ زیرا در گذشته روند تدریجی افزایش و گسترش دامنه علوم به اندازه‌ای کند بود که مقوله تولید علم چندان مفهوم و اعتباری نداشت. حال آنکه در سه قرن گذشته، علم بیش از پیش در شکل‌گیری قدرت، ثروت، رفاه و دگرگونی‌های گوناگون فرهنگی و اجتماعی ایفای

نقش کرده است. به گونه‌ای که به علم به صورت مستقل به عنوان عاملی تأثیرگذار در سطح بین‌المللی، توجه شده و به یکی از بحث‌های محوری در اقتدار ملی و استقلال، تولید، رفاه، امنیت و دفاع تبدیل شده است. بدین ترتیب، از جمله شاخص‌ها و معیارهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و موقعیت و جایگاه بین المللی هر کشور؛ میزان تولید علم، نوآوری و نظریه پردازی و مطرح بود در صحنه های علمی، پژوهشی و اختراع‌ها و میزان سرمایه‌گذاری ملی در این زمینه است.

در چنین دنیایی با شعار تنها و بدون پشتوانه فن‌آورانه و پژوهش‌ها نمی‌توان وارد میدان شد. حرکت و تغییر که زیربنای آن، تولید علم به شمار می‌آید، موضوع دنیای امروز است. زمانی کشوری که بیشترین منابع زیرزمینی را

داشت، کشور ثروتمند قلمداد می‌شد، ولی امروزه ثروت در دنیا عبارت از علم و فن‌آوری است.

هر کشوری که بخواهد اقتصاد پرتوان و موفقی داشته باشد، چاره‌ای جز حرکت به سوی علم و تولید آن و گسترش فن‌آوری ندارد. لازمه تولید علم نیز داشتن انگیزه و هدف از یک سو و بهره‌مندی از ارتباط، دانش فنی و ابتکار و نوآوری از سوی دیگر است. تولید علم، در حقیقت حاصل خردورزی عالم برای گستراندن افق شناخت و کشف ناشناخته‌ها است. به عبارتی در فرآیند تولید علم، محور، نیروی انسانی متعهد و کارآمد است که تربیت آن بیشتر بر عهده]مراکز علمی[است. باید توجه داشت که توان مندی، توسعه و انتقال واقعی کشورها نسبت مستقیم با توانایی آنها در تولید علم، توسعه علمی و پژوهشی دارد.

متأسفانه در حال حاضر بسیاری از مسلمانان، مصرف‌کننده و تماشاگر تولیدات علمی، نظریه‌پردازی‌ها و نوآوری‌های دیگران، نه تنها در علوم مادی و طبیعی، بلکه در علوم انسانی و اجتماعی است. حال آنکه خودشان روزی تغذیه‌کنندگان علمی جهان و غلبه کنندگان بر تمامی نظام‌های فرهنگی، حکومتی و دینی بوده‌اند. نتیجه چنین وضعی، وابستگی شدید اقتصادی ــ صنعتی، سلطه‌پذیری سیاسی ــ فرهنگی، انزوای علمی و پدیدآمدن مشکلات اداری ــ اجتماعی در دو قرن اخیر بوده است، در حقیقت تا زمانی که زمینه‌های ظهور و بروز خلاقیت‌های فکری و تولید علم و پژوهش به وجود نیاید، هر چه وارد شود، مصرفی و موقتی و تحمیلی خواهد بود و به رشد و افزایش کمی و کیفی سطح زندگی مادی و معنوی آنان کمکی نخواهد کرد. آخرین و پیچیده‌ترین تکنیک که در اختیار کشوری قرار می‌گیرد، با گذشت زمان ارزش خود را از دست می‌دهد و

غیراقتصادی و در مواردی توجیه‌ناپذیر و زیان‌آور می‌شود. در نتیجه، فن و ابزار جدیدتری مورد نیاز است و این جریان و وابستگی ناشی از آن، همچنان ادامه دارد! مگر آنکه مدیریت و برنامه‌ریزی قوی و علمی‌ای بتواند، به رشد و گسترش همان فن‌آوری در زمینه‌های مختلف همت نماید و بهره‌گیری از آن را برای ابزارهای پیشرفته‌تر و کارآمدتر پی‌گیری کند.

در زمینه علوم انسانی و اجتماعی نیز مشابه چنین وضعی دیده می‌شود. زمانی نظریه‌ای را ارائه و تمامی رویکردها و جهت‌گیری را شکل می‌دهند و مدتی بعد نظریه‌ای جدید و باطل‌کننده نظریه پیش را عرضه و به کشورهای دیگر صادر می‌کنند! آنچه در طول دو قرن گذشته شاهد بوده‌ایم، ظهور نظریه‌های گوناگون همراه با مدهای رنگارنگ در هر زمینه مانند انواع خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها از اروپا و امریکا صادر می‌شد و صدور آنها به عنوان بهترین و مناسب‌ترین ایده و کالا به شمار می‌رفته و مصرف آنها بیشتر در کشورهای زیر سلطه بوده است.

امام علی بن ابی‌طالب(ع) در حدیثی فرمود:

لَیْسَ الْخَیرُ اَنْ یَکثُر مالُک وَ وَلَدُکَ وَ لکنَّ الْخیرَ اَنْ یکثُرَ عِلمُک وَ اَنْ یعظُمَ حِلْمُکَ.(۱)

خیر و خوشایند بودن، این نیست که ثروت و فرزند را زیاد کنی، بلکه خوشایندتر این است که بر دانشت بیفزایی و حلمت را زیاد کنی.

در این کلام، خیر در علم و بردباری خلاصه شده و نظیر چنین بیانی در آیه‌های متعددی از قرآن کریم از جمله «رَبِّ زِدْنی علماً» نیز آمده است؛ زیرا نادانی و ضعف، مقدمه اسارت است.

ملتی که مصرف‌کننده اندیشه‌ها، پژوهش‌ها و دست آوردهای علمی و فکری دیگران باشد و از خود، آفرینش، خودجوشی، تولید و خلاقیت

۱- شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۲۵۰.

نداشته باشد و منتظر است تا دیگران چه می‌گویند و چه می‌خواهند، چنین ملتی هیچ آینده‌ای جز اسارت و عقب‌ماندگی و خواری ندارد.

هنگامی که عقل و علم حاکم نباشد و اداره امور و برنامه‌ریزی‌ها با احساس کور، تعصب و بدون محاسبه همراه شود، رشد و پیشرفت روی نخواهد داد. بر پایه چنین برداشتی، اندیشیدن، خردورزی و پژوهش باید آن‌چنان گسترده و حاکم باشد که همه امور بر مبنای استدلال، محاسبه، برنامه و علت‌یابی و آینده‌نگری شکل گیرد و به اجرا درآید و از لوازم و ضرورت‌های نخستین و بنیادیِ حرکت فردی و جمعی به سوی هدف‌ها تعیین شده باشد.

یکی از شیوه‌های تمایز میان جهان صنعتی و جهان سوم این است که اولی، محاسبه و بهره‌برداری علمی از آن را در تمامی شئون زندگی اعمال کرده و دیگری در آن به درجه‌های مختلف ضعیف است. جهان صنعتی از راه «نهادینه کردن محاسبه»، بر جهان سوم مسلط شده است. هنگامی که محاسبه اصالت یافت، به طور منطقی روش اصالت می‌یابد. بنابراین، ذهن محاسبه‌گر، یک ذهن روش‌شناس است. محاسبه روش، کاربرد، افزایش تولید و در نتیجه قدرت و تسلط سیاسی، همه با تسلسل منطقی به دنبال هم و تشدیدکننده یکدیگر قرار گرفتند.

۲. فرهنگ و تولید علم

۲. فرهنگ و تولید علم

فرهنگ، عصاره زندگی اجتماعی است و در تمامی افکار، هدف‌ها، معیارها و ارزش‌گذاری‌ها، فعالیت‌های فردی و اجتماعی انسان منعکس می‌شود. بر اساس این تعریف، انسان با اتکای به فرهنگ، با جهان و جامعه برخورد می‌کند.

بنابراین، چگونگی تفسیر قضایای جهان و راه‌های تغییر شرایط در جهت هدف‌ها، بستگی به دیدگاه‌های فرهنگی دارد. انسان و فرهنگ بر روی یکدیگر تأثیر متقابل دارند. اوضاع و شرایط تا حدود زیادی معلول

عوامل فرهنگی است و از سوی دیگر، دگرگونی‌های فکری و فرهنگی، تابعی از شرایط اجتماعی و مادی است.

جنبه‌های مادی فرهنگ، سریع‌تر منتقل می‌شوند و جوامع را تحت تأثیر سخت‌افزاری قرار می‌دهد. اما این انتقال برای تأثیر، بر همه جنبه‌های فرهنگی، کافی نیست. افکار، عقاید، معیارها و خواسته‌ها در کوتاه مدت دگرگون نمی‌شوند. این فاصله زمانی میان دگرگونی‌های سخت‌افزاری و دگرگونی‌های فرهنگی و نرم‌افزاری را «عقب‌ماندگی فرهنگی» می‌گویند.

بسیاری از کشورها (از جمله شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج فارس) در کنار ابتدایی‌ترین شکل زندگی فرهنگی، از آخرین وسایل پیشرفته الکترونیکی و ساختمان‌های بسیار مجهز و گران استفاده می‌کنند. آنها در حالی مصرف‌کننده آخرین دست آوردهای مادی و صنعتی دیگران هستند که فرهنگی کاملاً متفاوت با جامعه و فرهنگ تولیدکنندگان کالاهای مزبور دارند.

با گسترش و شتاب یافتن ارتباطات و افزایش مبادله‌ها، نقش و قلمرو فرهنگ و جنبه‌های مختلف آن گسترش می‌یابد و تأثیرگذاری آن سریع‌تر می‌شود. در این میان، عده‌ای نیز می‌خواهند این امر به تدریج پدیده‌ای جهانی شود. وضع حال و آینده به گونه‌ای است که در بسیاری از دگرگونی‌های فرهنگ، تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز شده است.

اگر در گذشته دیدگاه‌ها و رویکردهایی مبنی بر روبنا بودن فرهنگ و تأثیرپذیری از دیگر جنبه های اجتماعی وجود داشت، رویکرد امروز، توجه ویژه به نقش، اهمیت و قلمرو فرهنگ و قدرت تولید علم و چگونگی تأثیرگذاری و نفوذ در ساختار حکومت‌ها و تأثیرپذیری و نیازهای آن است.

فرهنگ و قدرت تولید علم، در دگرگونی‌های مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند و در کشورهای صنعتی، به عنوان

یکی از بزرگ‌ترین زمینه‌های رشد و توسعه و عامل تداوم و گسترش سلطه به شمار می‌رود.

فرهنگ عمومی در عرصه‌های علوم و فن‌آوری، ارتباطات و سیاست، مطرح می‌شود و نفوذ خود را نشان می‌دهد. سرمایه‌گذاری شرکت‌های نفتی در زمینه فرهنگ و تلویزیون‌های جهانی، مراکز علمی و پژوهشی، دانشگاه‌ها و مطبوعات، تولید وسایل و ابزارهای علمی و پژوهشی و به کارگیری آنها در بسیاری از زمینه‌های آموزشی، فرهنگی و تربیتی، به منظور تقویت و گسترش فرهنگی علمی؛ نشانه‌ای از نقش فرهنگ عمومی در رسیدن به هدف‌های سیاسی و اقتصادی است.

۳. ویژگی‌های فرهنگ علمی

اشاره

۳. ویژگی‌های فرهنگ علمی

تولید علم و فرهنگ علمی، ارتباط مستقیم با فرهنگ عمومی، دیدگاه‌ها و سیاست‌های حاکمیت دارد. فرهنگ علمی زمانی به صورت یک جریان عمومی و ملی در می‌آید که برای مردم و یا دست‌کم بیشتر آنان فهمیدنی و پذیرفتنی باشد. مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگ علمی، عبارتند از:

الف) ارزش بودن اندیشه علمی

الف) ارزش بودن اندیشه علمی

اندیشه علمی، داشتن توان درک پدیده‌های پیچیده، کشف روابط، قانون‌مندی‌ها و فرآیندهاست. شخصی که توان کافی در اندیشیدن برای شناخت پدیده‌ها، فرآیندها و سلسله علت‌ها و معلول‌ها را نداشته باشد، نمی‌تواند نظم علمی یا نظری را کشف و تولید علم یا نظریه‌پردازی کند. وجود افراد زیادی که چنین توانایی و همتی دارند، جامعه را قادر می‌سازد که به تدریج با اختراع‌ها، نوآوری و ابتکار، پیشرفت و توسعه را شتاب دهند.

امام صادق(ع) فرمود:

اِنّما یَهلِکُ النَّاسُ لِاَنَّهم لا یَسألُون.(۱)

مردم از این جهت، رو به تباهی و سقوط می‌روند که پژوهش، کنجکاوی و پرسش گری ندارند.

امام علی(ع) فرمود:

تَفَکُّرُکَ یُفیدکَ الْاِستبصارَ وَ یَکسِبُکَ الْاِعْتبارَ.(۲)

اندیشه تو، تولیدکننده شناخت و بینش و اعتباردهنده به تو است.

ب) قدرت علمی

ب) قدرت علمی

تقویت توان علمی و نوآوری، نیازمند قدرت فکری و کشف پدیده‌ها و موضوع‌های جدید است. پژوهشگری که می‌خواهد افق‌های جدید و نظریه‌های دقیق ارائه کند، باید کار نظری بکند و عالمی که صاحب بینش باشد، می‌تواند در مسیر ایجاد قالب‌ها و چارچوب‌های نظری گام بگذارد و از درون آنها به طرف شناخت‌هایی پیچیده حرکت کند؛ زیرا تولید علم، نظریه‌پردازی و نوآوری، به عنوان مخرج مشترک همه علوم به ویژه علوم انسانی است. کسانی که در علوم انسانی توانسته‌اند تحول و دگرگونی به وجود آورند، پشتوانه نظری و فکری قوی و عمیق داشته‌اند.

امام خمینی رحمه الله توجه ویژه‌ای به پژوهش، کاوش و نوآوری داشت و با وجود موقعیت و شرایط ویژه کشور، در وصیت‌نامه خود، با درک و اهمیت موضوع و با هشیاری ستودنی نوشت:

لازم است علما و مدرسان محترم نگذارند در درس‌هایی که مربوط به فقاهت است و حوزه‌های فقهی و اصولی، از طریقه مشایخ معظم _ که تنها راه برای حفظ فقه اسلامی است _ منحرف شوند.(۳) و کوشش نمایند که هر روز دقت‌ها و بحث و نظرها و ابتکار و تحقیق‌ها افزوده شود و فقه سنتی که ارث سلف صالح است و انحراف از آن سست شدن ارکان تحقیق و تدقیق

۱- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰ .

۲- ابن تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ص ۵۸، ح ۵۷۶.

۳- امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، ج ۲۱،ص ۱۸۹.

است، محفوظ بماند و تحقیقات بر تحقیقات اضافه شود و البته در رشته‌های دیگر علوم، به مناسبت احتیاجات کشور و اسلام برنامه‌هایی تهیه خواهد شد و رجالی در آن رشته تربیت باید بشود.

ج) توان تولید فکر و نظریه

ج) توان تولید فکر و نظریه

پژوهش گر و دانش‌پژوهش توانا و موفق، کسی است که بتواند دانسته‌ها و تجربه‌های خود را جمع‌بندی کند و با استدلال، به نتیجه‌گیری جدید برسد. چنین فرهنگ و روحیه‌ای که از دریافت ها و اندیشه‌های خود، ترکیب و تحلیل جدیدی ارائه می کند، توان قیاس و استقرا دارد و تربیت چنین افرادی، نیازمند تلاش ویژه و نظام آموزشی خلاق است.

د) شخصیت علمی

د) شخصیت علمی

پژوهش گر و عالم موفق، کسی است که اعتمادبه نفس و پشتوانه شخصی و علمی، او را نیرومند و مقاوم کرده است، به گونه‌ای که به فرهنگ مخالفت و فرهنگ موافقت رسیده است و از چگونگی برخورد با اندیشه و آزادی اندیشه، نگرانی ندارد و به این جریان، آگاه و معتقد است.

شخصیت علمی، جدای از کار علمی و تحقیقی نیست و پژوهش گری که اعتماد به نفس بیشتری دارد، معمولاً اندیشه و توان و قدرت تولید علمی بیشتری دارد.

چنین شخصیتی، فروتنی اخلاقی و علمی را جزئی از شخصیت خود می‌داند و خود را و دیدگاه‌هایش را مطلق نمی‌داند و به آنها فخر نمی‌فروشد. همراهی علم و اخلاق، فقط جنبه تزیینی، نمایشی، فردی و جزئی ندارد، بلکه ضرورت و شایستگی ایجاب می کند که برای افزایش علم، نقدپذیری، جامعه گرایی، جمع آوری دیدگاه‌ها، دوری گزیدن از ویژگی‌های تکبر، فردگرایی و استبداد رأی؛ اخلاق و فرهنگ عمومی و گفتمان، چیره بشود.

آن روز که سهم «آزادی»، سهم «اخلاق» و سهم «منطق» همه یکجا و در کنار یکدیگر ادا شود، آغاز روند خلاقیت علمی و فرهنگی و اندیشه

بالنـده دینی در این جامعه است و کلیـد جنبش تولید نرم‌افزار علمی و دینی، در کلیه علوم و معارف دانشگاهی و حوزوی زده شده است».

۴. تولید و نوآوری بر اساس دو بال علم و ایمان

۴. تولید و نوآوری بر اساس دو بال علم و ایمان

انسان، تنها موجودی است که به علت بهره‌مندی از عقل، قدرت اندیشـیدن، اسـتنتاج، کشف و نوآوری می‌تواند برای شـناخت خود، جهـان، جـامعه و برقراری روابـط بـا آنها بکوشـد و موفقیت‌هایی به دست آورد. از سوی دیگر، لازمه چیرگی بر دشـمن آراستگی به نیروی علم، تفکر، تدبر و محاسبه است.

جامعه‌ای که به فرهنگ علمی و پشتیبانی حاکمیت از علم و پژوهش مجهز باشـد، زمینه‌های رشـد و بهبود و پیشـرفت در وضـع موجود را دارد و در صورتی که با ایمان به خـدا و ارزش‌های الهی پیونـد داشـته باشـد، می‌تواند در جهت انسانی و ارزش‌های متعالی و افزایش روند کیفی زندگی حرکت کند.

لازمه هر گونه توسـعه و پیشـرفتی، دگرگونی در باورها، فرهنگ عمومی و معیارهای مبتنی بر تولیـد علم و نظریه‌پردازی است. جنبش نرم‌افزاری در واقع حاصل رواج تفکر علم‌مـداری، شایسته‌سالاری و حاکمیت قانون و ارزش‌هاست. ازاین‌رو، عقلانیت، برنامه‌ریزی و نظم و امنیت، از لوازم تحقق چنین حرکتی به شمار می‌روند.

نظـام آموزشـی و محتوای درس‌هـا، جهت‌گیری‌هـا و سیاست‌هـای اداری و فرهنگ عمومی، بالاترین و مهم‌ترین اثرگـذاری و اثرپـذیری را بر جریان تولیـد علم، جایگاه عالم و پژوهشـگر و در نتیجه، دگرگونی‌های مثبت یا منفی جامعه و حکومت دارند. ازاین‌رو، شناخت جنبه‌های مثبت و منفی و چگونگی برخورد و اصلاح نظام آموزشی امری ناگزیر است.

در جهـان آفرینش، انسـان موجودی منحصـر به فرد است که از جمله ویژگی‌های او کمال‌جویی، برتری‌طلبی و رشـد و پویایی است.

بنابراین، برای حرکت در مسـیر خواسته ذاتی، طبیعی و فطری خود، بهره‌گیری از عقل، اندیشه، خردورزی و تدبر را ضروری و بهره‌گیری از علم، آگـاهی و پژوهش لازمه این حرکت و نـوآوری، کشـف و اختراع را نـتیجه می‌دانـد. ضـمن آنکه رشـد و پیشرفت در وضع کنونی خود را هدف قرار داده است.

از ویژگی‌هـای جهـان‌بینی اسـلام، واقع‌بینی و درک قوانین حـاکم بر جهـان و جوامع است. ازاین‌رو، «علم‌مـدار»، «عقـل‌گرا» و دوست‌دار «تفکر بنیاد» و دشمن «تحجر»، «تبعیت کورکورانه» و «تصلب در شکل و قالب‌ها» است.

با مطالعه تاریـخ تمـدن‌ها، ظهور و افول آنها، مشـخص می‌شود که دو عامل، بیش از دیگر عوامل تعیین‌کننـده و سـرنوشت‌ساز بوده است. نخست موقعیت و ارزش علم، عالم، تعلیم و پژوهش و در نتیجه، نوآوری، ابداع و سرانجام قدرت ناشی از آن است و عامـل دوم کـه بی‌ارتبـاط بـا آن نیسـت، ایمـان، اخلاـق و جهـان‌بینی حـاکم اسـت. پس دو بـال علم و ایمـان، در درازمـدت تعیین‌کننـده وضع و چگونگی حرکت صـعودی یـا نزولی تمـدن‌هـا، دولت‌هـا، انقلاب‌ها، و نظام‌های سیاسـی _ اجتماعی بوده است.

هیچ تحول مثبت، سازنده و بنیادی در جهت رشد و کمال انسان (تأکید بر رشد و کمال نه توسعه به معنای متعارف که نیازمند پژوهش مسـتقل اسـت) شـکل نمی‌گیرد و ریشـه‌دار نمی‌شـود، مگر اینکه جریـان عمـومی و ارزش‌گـذاری فردی و اجتمـاعی، برنامه‌ریزی‌ها، قانون‌گـذاری‌ها و سـیاست گـذاری بر مبنای علم و تحقیق و با تکیه بر نوآوری‌ها، تولیـد علم و یافته‌های جـدید باشد.

امام خمینی رحمه الله در وصیت‌نامه سیاسی _ الهی خود در این زمینه چنین می‌گوید:

... بدانیـد مـادام که در احتیاجـات صـنایع پیشـرفته، دست خـود را پیش دیگران دراز کنیـد و به در یـوز گی عمر را بگذرانیـد، قـدرت ابتکار و پیشـرفت در اختراعات در شـما شـکوفا نخواهـد شـد و به خوبی و عینیت دیدید که در این مدت کوتاه پس از تحریم اقتصادی،همان‌ها که از ساختن هر چیز خود را عاجز می‌دیدنـد و از راه انـداختن کارخانه‌ها آنان را مأیوس می‌نمودنـد، افکـار خود را به کـار بستند و بسـیاری از احتیاجـات ارتش و کارخانه‌ها را خود رفع نمودنـد و این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشـناسان خـارجی، تحفه‌ای الهی بود که مـا از آن غافـل بودیم. اکنون اگر دولت و ارتش کالاهـای جهـان‌خواران را خود تحریم کنند و به کوشـش و سـعی در راه ابتکار بیفزایند، امید است که کشور خودکفا شود و از دریوزگی دشـمن نجات یابد. (۱)

۵. ارتباط تولید علم و توسعه علمی

۵. ارتباط تولید علم و توسعه علمی

پویایی شـگرف علمی، در شـناخت جهان هـدف‌دار و قانونمنـد، با اتکا به خلاقیت‌های نهفته الهی و قوه فعال انـدیشه و ارزش بخشـیدن بـه مرتبـه تفکر، تعلیم و تعلم، به نـوآفرینی و پیشرفت فضـای عمـومی زنـدگی و تمـدن بشـری منجر شـده است. این پیشـرفت تمـدن، حاصـل برخورد و تلفیق فرهنگ‌ها و تمـدن‌های گوناگون و نتیجه فرآینـد رشدیابنـده‌ای در جنبه‌های مختلف است که توان منـدی، توسـعه و اسـتقلال واقعی کشورهـا را که نسبت مسـتقیم بـا توانـایی آنها در تولیـد علم، توسـعه علمی و پژوهشی دارد، در بر می گیرد.

جـامعه ما در حال گـذر از حساس‌ترین تحول تاریخی خود است، یعنی گـذر از توسـعه نیافتگی به توسـعه. توسـعه در جوامعی نظیر ما، از توسعه علمی آغاز می‌شود. اگر علم توسـعه پیدا کند، سیاست و اقتصاد نیز توسعه می‌یابند. باید توجه داشت صرف توجه به فضایل علم و حتی پذیرش الزامی آن، توسعه علمی به دست نمی‌آید. توسعه علمی، به

۱- امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۹۴.

معنای اتکای جامعه به روش و دانش عقلانی و علمی برای حل مسائل زندگی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که با وجود وابسته بودن به مسائل اجرایی، زمینه‌های نظری و پایداری نیز دارد؟

برای بالا بردن شناخت و معرفت جامعه در همه زمینه‌ها، باید بیش از پیش نیازمند توسعه علمی بود و برای تحقق توسعه علمی، باید زمینه تولید علمی را فراهم کرد و توجه داشت که تولید علم، یکی از نشانه‌های مهم آفرینش فرهنگی و حیات امروز است که تنها در یک مجموعه و منظومه خلاق و مبتکر انجام می‌پذیرد.

مسئله تولید و توسعه علمی را بدون توجه به مسائل فرهنگی و جایگاه اجتماعی آن نمی‌توان حل و بیان کرد و باید دانست که پیشرفت هر کشوری در گرو تحول فکری و فرهنگی و نهادینه کردن خردورزی است. منظور از دگرگونی فرهنگی و علمی، منطقی کردن نظام باورها و ارتباطات اجتماعی و در نهایت، تولید علم برای حل مسائل جامعه است.

توسعه در جوامعی نظیر کشورهای در حال رشد، از توسعه علمی آغاز می‌شود. اگر علم توسعه پیدا کند، سیاست، اقتصاد و مدیریت نیز توسعه می‌یابد و لازمه توسعه علمی، تولید علم است؛ علمی که امروزه مبنای پیشرفت کشورها به شمار می‌آید.

۶. ضرورت پرچمداری تولید علم در جهان اسلام

۶. ضرورت پرچمداری تولید علم در جهان اسلام

کسانی که با متون دینی مسلمانان آشنا باشند، بدون شک به توجه اسلام به تحصیل دانش، تعلیم دانش و گسترش علم پی می‌برند و آنان که با تاریخ علم در جهان آشنا هستند، می‌دانند که نقش دانشمندان مسلمان در تولید علم کنونی تا چه اندازه برجسته بوده است.

در اینکه مسلمانان در روزگاران گذشته در پیدایش، گسترش و تولید علم نقش داشته‌اند شکی نیست، ولی این پرسش مطرح است که آیا

امروز نیز ضرورت دارد مسلمانان در این میدان فعال شوند یا نه؟ و آیا نمی‌توان تنها به استفاده از دست آورد دیگران در این زمینه‌ها بسنده کرد؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت: در جهان کنونی به دلیل بیداری مسلمانان در قرن اخیر به واسطه انقلاب اسلامی ایران، نمی‌توانیم نظاره‌گر صرف پیشرفت علم باشیم و از دست آوردهای علمی دیگران استفاده کنیم، بلکه باید خودمان با جدیت فراوان وارد این میدان شویم و همان گونه که پرچمداری حدیث بیداری مسلمانان را در اختیار داریم، پرچمداری تولید علم را دست کم در دنیای اسلام در اختیار داشته باشیم. با کمترین توجه به جهان امروز و درک روابط بین‌المللی می‌توان به این ضرورت پی برد، ولی برای روشن‌تر شدن بحث، به بعضی از مواردی که این ضرورت را ایجاب می‌کند، اشاره می‌کنیم. جاودانی و جهانی بودن اسلام، جامع بودن و گسترش یافتن دین و رشد علوم از آن جمله‌اند.

درباره رشد علوم باید گفت: نیاز بشر به اختراع و اکتشاف، به قدمت تاریخ بشر می‌رسد. بر این اساس، رشد علم هرگز متوقف نشده است، بلکه هر چه زمان جلوتر آمده، بر سرعت آن افزوده شده است. با این تفاوت که محیط رشد و عوامل رشددهنده او متفاوت بوده‌اند. رشد علوم، گرچه با انگیزه رفع مشکلات بشر و ایجاد آسایش برای او ادامه یافته است، برای دین، هم آثار مثبت و هم آثار منفی داشته است. در کنار آثار مثبت فراوان آن، دست کم دو محور آثار منفی برای دین‌داران، نه برای دین، به دنبال داشته است که این دو عبارتند از:

۱. رشد علوم، در مواردی با متون دینی تعارض پیدا کرده است، به خصوص در قرون وسطا و دین مسیحیت که این امر، از خرافی بودن آن متون حکایت دارد، همانند عمر دنیا، آفرینش جهان رشد علوم تجربی در دوره رنسانس، نه تنها قداست کتاب مقدس را به تردید جدی دچار کرد

بلکه بسیاری از باورهای آنان را نیز مورد شک و تردید قرار داد و کلیسا را در مقابل دانشمندان و علم نهاد. برخورد کلیساییان، آثار بسیار منفی برای همه دین‌ها و دین‌داران در پی داشت که خود، قصه‌ای غم‌انگیز دارد.

۲. رشد علوم در مواردی احکام و عقاید دینی را به چالش کشیده است.

الف) درگیری کفر جهانی و محروم ماندن از امکانات جهانی: تقابل اندیشه توحیدی و کفر، تقابلی فکری و تاریخی است، ولی امروز این تقابل به درگیری فیزیکی کشیده شده است. با این تفاوت که جبهه کفر در کفرشان متحد، ولی جبهه مسلمانان در اسلام‌شان پراکنده هستند. درنتیجه، جبهه کفر نه تنها از تمام توانمندی‌های جهانی برای مبارزه با اسلام استفاده می‌کند، بلکه از امکانات کشورهای اسلامی نیز سود می‌جوید. با این تفاوت که در جبهه کفر، همه، مبارزه با اندیشه توحیدی را به عنوان یک اصل مسلّم و استراتژی پذیرفته‌اند و تنها چهره‌های تبلیغاتی آن عوض می‌شود، مانند مبارزه با تروریسم و مبارزه برای حقوق بشر. در حالی که در جبهه مسلمانان، بسیاری از کسانی که جزو حاکمان کشورهای اسلامی هستند و باید در این میدان حضور فعال داشته باشند و ملت‌های اسلامی را آماده درگیری و رهبری کنند، خود یا از عوامل کفر جهانی هستند یا مرعوب کفر جهانی یا بی‌انگیزه نسبت به این رویارویی شده‌اند.

ب) ایجاد حکومت جهانی: گرچه مبارزه کفر با توحید، تاریخی است و در مقاطعی نیز پیروزی کفر را نشان داده است، این مبارزه یک روز باید به پایان برسد و در اندیشه توحیدی شیعی نیز روزی این درگیری (مبارزه کفر با توحید) به اوج خود خواهد رسید.

۷. عوامل بازدارنده پیشرفت و تعالی همه جانبه در ایران

اشاره

۷. عوامل بازدارنده پیشرفت و تعالی همه جانبه در ایران

در صد سال اخیر کسانی که درباره موانع پیشرفت جامعه سخن گفته‌اند، معمولاً عواملی را که مانع پیشرفت جامعه شده‌اند، به دو بخش تقسیم کرده‌اند:

۱. مداخله کشورهای خارجی، استعمار و انواع سلطه طلبی‌ها؛

۲. رژیم‌های سیاسی حاکم.

وجود این دو عامل انکارناشدنی است، ولی مسئله مهم‌تر از این دو عامل، وضع فرهنگی مردم است. به تعبیر دیگر، آسیب‌شناسی فرهنگی مردم ایران و اینکه به لحاظ فرهنگی، چه امور ناپسندی در ذهن و ضمیرشان رسوخ یافته است.

گاه وقتی گفته می‌شود که ما باید عوض شویم؛ یعنی تا ما رفتار اخلاقی سالمی نداشته باشیم، وضع‌مان بهبود پیدا نمی‌کند و این نکته گفته می‌شود که سود «سرانجام همه» در اخلاقی زیستن است. حال وضع فرهنگی و این اخلاقی زیستن، به یک سری نگرش‌های ذهنی نیز بستگی دارد که باید به آنها توجه کرد.

نگرش‌های ذهنی، اموری هستند که آگاهانه یا ناآگاهانه در ما راسخ شده‌اند و ما در همه کنش‌ها و واکنش‌ها تحت تأثیر این نگرش‌ها هستیم که لزوماً جنبه اخلاقی هم ندارد و برای تغییر آنها نباید رفتار اخلاقی ما تغییر کند. در مقابل، این نگرش‌ها هستند که اخلاق ما را به جهت ناسالمی می‌کشانند. آن بخش از مسائل فرهنگی که به نگرش ایرانیان مربوط می‌شود و با مسئله خلاقیت و تولید علم بی ارتباط نیست، به شرح زیر است:

الف) پیش‌داوری

الف) پیش‌داوری

نخستین ویژگی که در ما وجود دارد، پیش‌داوری‌های فراوان درباره بسیاری از امور است. اگر هر کدام از ما به درون خودمان رجوع کنیم، پیش‌داوری‌های فراوان می‌بینیم. این پیش‌داوری‌ها در کنش و واکنش‌های اجتماعی ما تأثیرهای منفی زیادی دارد. منظور از پیش‌داوری، بیشتر پیش‌داوری منفی است. با این حال، ولی آثار ویرانگر آن به پیش‌داوری منفی منحصر نیست،

بلکه پیش‌داوری‌های مثبت نیز آثار مخرب خود را دارد از جمله، خوش‌بینی‌های نابجا که درباره برخی افراد و گروه‌ها و لایه‌های اجتماعی داریم.

ب) جزمیت و جمود

ب) جزمیت و جمود

نوعی جزمیت و جمود در ما ریشه کرده است. آنچه در ما وجود دارد و از آن به جزم و جمود تعبیر می‌شود، این مسئله است که باور ما یک زمینه دارد. برای مثال اگر ما معتقد باشیم که فلان گزاره درست است، این مشکل‌ساز نیست. حال اگر معتقد باشیم که فلان گزاره محال است که درست نباشد، این محال است و انسان را به انسان دیگری تبدیل می‌کند و کمتر پیش می‌آید که ما به چیزی معتقد باشیم و یک «محال است» به این اعتقادمان ضمیمه نشود.

به تعبیر دیگر وقتی ما یک عقیده داریم که فلان گزاره درست است، یک عقیده دوم داریم که گریزناپذیر است که فلان گزاره درست نباشد.

ج) هم رنگی با جماعت

ج) هم رنگی با جماعت

به این معنا که ما هیچ‌گاه در برابر جمهوری‌ای که با آن سروکار داریم، نتوانستیم سخنی بگوییم که در مقابله با آن است و همیشه هم رنگ شدن با جماعت، برای ما مهم است.

د) تلقین پذیری

د) تلقین پذیری

تلقین یعنی رأیی را بیان کردن و آرای مخالف را بیان نکردن و مخاطب را در معرض همین رأی قرار دادن. هر وقت شما در برابر هر عقیده‌ای نظر مخالفان آن را هم خواستید، نشان می‌دهد که تلقین‌پذیر نیستید. تلقین‌پذیری یعنی پذیرش تک آوایی.

هـ) تقلید

هـ) تقلید

تقلید یعنی اینکه من آگاهانه یا ناآگاهانه از الگوی شخصی خاص پیروی کنم. به عبارت دیگر، من خودم را مانند تو می‌کنم و به تو شباهت می‌جویم و تقلید یعنی من تو را الگو گرفته‌ام.

و) شخصیت‌پرستی

و) شخصیت‌پرستی

شخصیت‌پرستی به این معناست که خودمان را شکست‌خورده دیگران بدانیم و رفتار و باورهای آنان را مثبت و مطلق ارزیابی می‌کنیم. در نتیجه، اراده‌ای در جهت نقد و ارزیابی عقاید و افکارشان نداشته باشیم.

ز) تعصب

ز) تعصب

تعصب هم‌افق با شخصیت‌پرستی است. تعصب به معنای چسبیدن به آنچه داریم و نگاه نکردن به چیزهای فراوانی که نداریم، به کار می رود. اگر من شیفته آنچه دارم شدم و فکر کردم که جای نداشته‌ها را هم برایم می‌گیرد، من به آن تعصب پیدا کرده‌ام و اینجاست که من در قبال کسانی که به آن مسئله وفاداری ندارند، دو دیدگاه پیدا می‌کنم. گروهی خودی می‌شوند و گروهی غیرخودی.

ح) جدی نگرفتن زندگی

ح) جدی نگرفتن زندگی

انسان‌هایی که زندگی را جدی نمی‌گیرند، چیزهای مهم‌تر را برای چیزهای مهم رها می‌کنند. انسان‌هایی که در طول زندگی خطای تاکتیکی نمی‌کنند، اما خطای استراتژیک عظیم دارند، فراوانند. یعنی کل زندگی را می‌بازند، ولی در ریزه‌کاری‌ها وسواس دارند.

ط) داشتن دیدگاه پست به کار

ط) داشتن دیدگاه پست به کار

ما کار را فقط برای درآمد می‌خواهیم. بنابراین، اگر درآمد را بتوانیم از راه بی‌کاری هم به دست آوریم، از کار استقبال نمی‌کنیم. در واقع ما کار کردن را ناگزیر می‌دانیم در حالی‌که باید دیدگاه مولوی را درباره کار داشته باشیم که معتقد بود «کار جوهر انسان است». پس دیدگاه ما به کار نباید پست و بی‌ارزش باشد.

ی) مصرف‌زدگی

ی) مصرف‌زدگی

وقتی دیدگاهمان به کار چنین است، درباره مصرف نیز دیدگاهمان همان‌گونه می‌شود و به مصرف‌زدگی دچار می‌شویم.
وقتی ما بحث مصرف‌زدگی را

مطرح می کنیم، چنین می گوینـد که شـما از اوضاع جامعه و فقر خبر ندارید. حال آنکه مصرف‌زدگی، یک دیدگاه است، نه یـک امکـان. یعنی فرد فقیر هـم آرزو می کنـد کـه ای کـاش بیشـتر داشـتم و بیشـتر مصـرف می کردم. کـدام‌یک از مـا برای آرمان‌های خود حاضـر است به قدر ضرورت بسنده کند. این مصرف‌زدگی ما را به پستی می کشاند. اگر فقط ما بودیم و امور ضروری زندگی، دیگر مجبور به کرنش کردن نبودیم.

ک) از دست رفتن قوه تمییز میان خوشایند و مصلحت

ک) از دست رفتن قوه تمییز میان خوشایند و مصلحت

مردمی که منافع کوتاه‌مدت را ببینند و قدرت دیدن منافع درازمدت را نداشته باشند، در معرض فریب‌خوردگی هستند. دلیل موفقیت سیاست‌های «پوپولیستی» یـا همان عوام‌فریبی، ندیـدن منافع درازمـدت است. وقتی منافع بلندمـدت دیـده نشود، منافع کوتاه‌مدت تأمین می‌شود؛ به قیمت نکبت و ادبار درازمدت.

۸. نگاه هدف مند و مولد به علم

۸. نگاه هدف مند و مولد به علم

با توجه به ناکارآمدی حاکمان پیش از انقلاب، فاصله ما با کاروان علمی دنیا بسیار طولانی شده است. ازاین‌رو، عزم پولادین و استوار برای پیدا کردن و پیمودن راه های میان بُر لازم است. با این حال، در این مسیر باید به کیفیت علم و دانش توجه و از بسنده کردن به ترجمه صرف پرهیز کرد. نگاه بایـد مولـدانه باشـد و تولیـد علم به سوی فرهنگ و نیازهای اجتماعی جامعه و بومی کردن علم و دانش گرایش داشته باشد. هدف، یک هدف کوتاه مثل نیاز به اعزام دانشجو به خارج از کشور و برآورده کردن بی نیـازی علمی جامعه کنونی نیست. بایـد به افق های دور نگریست و آن، بازسازی تمـدن اسـلامی در پرتو تولیـد علم است. امروزه نسبت بین تمدن و علم تا حدودی جابه‌جا شده است. در گذشـته تمدنی پدید می آمد و در سایه آن علم شکوفا می شد. ولی امروزه شرط اساسی و نخستین پیدایش تمدن، تولید علم و

دانش و پاسخ گویی به چالش‌های فراروی علمی و فرهنگی است. ازاین‌رو، باید به گونه ای جدی گوهرهای درخشان علوم اسلام شناسایی و فراروی جامعه انسانی نهاده شود. تولید علم و نوآوری، نیازمند زمینه مناسب است. باید شرایط و زمینه تولید علم را پدید آوریم. با دستور دادن نمی توان کسی را به تولید علم و نوآوری موظف کرد، بلکه علم با رشد بسترش توسعه می یابد و در این بستر است که نشاط و اقتدار جوانی می تواند شکوفا شود. اگر این زمینه آماده شود، آن می شود که معدل سنی جوانان ما که در مسئله چرخه سوخت هسته ای مشغول فعالیت اند، ۲۵ سال می شود و طرح های پیچیده جوانان رزمنده ما در صنایع دفاعی و عملیات نظامی، امروزه به عنوان مباحث کلاسیک دانشگاه های جنگ و دفاع تدریس می شود. مجامع علمی ما باید فضای آزاد را برای پرسش گری و نواندیشی فراهم آورند تا جوانان دیدگاه های خود را ابراز کنند و در بیان عقاید خود، به چیزهای ناشایست متهم نشوند. در کنار این فضای آزاداندیشی، مدیران موظف اند که معیشت اندیش وران را در حد لازم تأمین کنند و در کنار این فضا و شرایط، محقق باید آزادی معنوی داشته باشد، چنان‌که در روایتی معروف از حضرت علی(ع) آمده که: «لایَحْسَنُوا العِلْمَ اِلّا بِخَمْسٍ؛ علم حاصل نمی شود مگر با پنج شرط:

بکثره الطلب: باید زیاد به دنبال علم برویم و در پرتو تلاش و مطالعه زیاد و تحقیق کنیم.

بکثره السؤال: کسی که سؤال نمی کند، رشد کافی نخواهد داشت.

بمعرفه الرجال: با انسان های اندیشمند باید رابطه داشته باشیم تا از دریای بی کران علم آنها بهره مند شویم.

بتطهیر الاعمال: عملمان را پاک و پاکیزه کنیم. وقتی دل پاک شد، قابلیت بهره مندی از الطاف الهی را می یابد.

بتوفیق ذی‌الجلال: در کنار همه شـرایط، خدا هم باید بخواهد. تولید علم در پرتو تزکیه و خواست الهی محقق خواهد شد. پس هیچ گاه نباید قدرت قاهره الهی و توکل و توسل به آن ذات لایزال را از یاد برد».

تکیه بر تقوا و دانش بر طریقت کافر است

رهرو ار صد هنر دارد توکل بایدش

۹. پایگاه توسعه علمی

۹. پایگاه توسعه علمی

امروزه توسـعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، پیوند تنگاتنگی با فعالیت‌ها و عملکرد مراکز علمی و دانشـگاهی دارد. ازاین‌رو، در برنـامه سوم توسـعه برای نخستین بـار مقوله توسعه علمی در کنـار توسـعه اجتمـاعی، فرهنگی و اقتصـادی قرار گرفت؛ زیرا توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بدون توسعه علمی ممکن نیست.

نیروی انسانی و نهادهای علمی، به عنوان اصـلی‌ترین تولیدکننـدگان دانش، چرخ پیشـرفت را به جلو می‌رانند. رسالت اصـلی و اساسی مراکز فرهنگی و نظام دانشگاهی، تولید و ترویج علم است و بار سنگین آن را بر دوش می کشند.

دانشـگاه‌ها و مؤسـسه‌های آموزش عالی و پژوهشی، به عنوان نهادهای علمی، پایگاه و خاستگاه توسعه علمی به شمار می‌روند. فرآیندهای تولید، انتقال، توزیع و ترویج دانش، بیشتر در دانشـگاه‌ها و مؤسسه‌ها شکل می گیرند. از این نظر، دانشگاه به مفهوم اردوگاه علم جدید و کانون اصـلی توسـعه علمی باید شامل توجه دولت و حکومت قرار گیرد و زمینه‌های لازم برای اسـتقلال این نهاد علمی فراهم شود.

اعضای هیئت علمی و دانشـجویان، از عناصـر اصلی نظام توسعه علمی کشور در بعد نیروی انسانی و به عنوان مهم‌ترین عاملان رشد کیفیت علمی و پژوهشی و محور همه فعالیت‌های دانشجویی، پژوهشی و

آموزشـی هسـتند که باید با فراهم آوردن امکانات آزادانه تحقیق، کاوش، نشر و مبادله دست آوردهای علمی و پژوهشی برای آنها، امکان تحقق توسعه علمی را امکان‌پذیر ساخت.

ازاین‌رو، آیت الله خـامنه‌ای در جمع رؤسـای دانشـگاه‌هـا، اعضای هیئت علمی و اسـتادان دانشـگاه‌های اسـتان خراسان رضوی، نقش و رسالت دانشـگاه‌ها را در مسـیر پیشـرفت علمی کشور، تعیین کننـده می‌دانند. امروز یکی از مهم‌ترین مسائل برای حفظ هـویت، اسـتقلال، عزت و آینـده ملت ایران، جـدی گرفتن تحقیـق علمی و حرکت پی گیر و برنـامه‌ریزی شـده در جهت رشـد علمی کشور، بدون اتلاف وقت است.

ایشان با اشاره به نقش عمده، حساس و حیاتی دانشگاه‌ها در حرکت شایسته علمی کشور می‌فرماید:

«در دنیای امروز مبنای مناسـبت‌ها و تحرکات بین‌المللی قدرت است و قدرت هر کشور نیز ناشـی از علم و توانمندی علمی آن کشور است».(۱)

مقام معظم رهبری با بیان اینکه علم درون‌زا اقتداربخش خواهد بود، خاطرنشان می‌سازد:

علت اینکه در سـال‌های اخیر بر مسـئله تولیـد علم و لزوم شکسـتن مرزهای علمی تأکیـد شـده، زمینه‌سازی برای علم درون‌زا و تولیـد بومی علم است. بنابراین، بایـد نگاه به دانشـگاه، اسـتاد و دانشـجو بر مبنای چنین دیـدگاهی باشـد و تولید علم در سـطح دانشجویان و دانشگاه‌ها جدی گرفته شود.(۲)

ایشان اسـتفاده از اسـتادان باتجربه در کنار زمینه‌سازی جدی برای رشد علمی دانشـجویان جوان و مسـتعد دوره‌های تحصیلات تکمیلی را به منظور تربیت استادان آینده، ضروری می‌داند و می‌فرماید: «دانشگاه‌ها

۱- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با استادان دانشگاه فردوسی مشهد.

۲- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با استادان دانشگاه فردوسی مشهد.

باید از لحاظ تدریس، به میدان پرتحرک علمی و مباحثه دائم و پژوهش تبدیل شوند».(۱)

رهبر معظم انقلاب، تقویت روحیه پرسشگری و پژوهشگری پیوسته را میان دانشجویان، ازوظایف مهم مسئولان دانشگاه‌ها و استادان می‌داند و تأکید می کند:

پیشرفت علمی کشور نیازمند نقشه جامع حرکت علمی کشور و تعیین اولویت‌های علمی و ارتباط آنها با نیازهای جامعه است و این مهم، باید به مطالبه‌ای عمومی میان استادان و محققان دانشگاه‌ها تبدیل شود.

مقام معظم رهبری توجه بیش از پیش مدیران دانشگاه‌ها و استادان را به زمینه‌های رشد علمی دانشجویان، همچون کارگاه‌های آموزشی، اردوهای علمی و تشویق نوآوری‌های علمی، ضروری می‌داند و می‌افزاید:

ارتباط صنعت و دانشگاه‌ها نیز یکی از زمینه‌های مهم برای رشد علمی محققان جوان است که این نیاز جدی، خوش بختانه در دولت نهم برآورده شد و تأسیس معاونت علمی از برکات این دولت است که می‌تواند کارهای مهم و مفیدی انجام دهد.

ایشان با تأکید بر لزوم توجه بیش از پیش مسئولان به بودجه بخش پژوهش می گوید:

مسئولان به ویژه وزیر محترم علوم، تحقیقات و فن‌آوری باید پی‌گیر این مسئله در دولت باشند؛ زیرا امروز تحقیقات، موضوعی تجملاتی نیست، بلکه امری حیاتی است.

۱۰. موانع توسعه علمی

۱۰. موانع توسعه علمی

موانع رشد علمی در کشور، از مدت‌ها پیش دغدغه خاطر دانشمندان فرهیخته و دل‌سوز ایرانی بوده است. آنها همواره این پرسش را در سر و

۱- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با استادان دانشگاه فردوسی مشهد.

این غـم را در دل داشـته انـد کـه چرا کشورشـان کـه در گذشـته، سالیـان دراز مهـد علم و تمـدن بـوده، امروزه در مقـایسه با پیشـرفت‌های علمی غرب، این‌چنین با رکود و پسـرفت روبه‌رو شـده است. آنها را سوزی بود در دل که نه در داخل اجازه بیان آن را داشتند و نه درخارج مایل به بیان آن بودند.(۱)

موانع رشد و توسعه علمی در ایران، بسیارند. گاه این موانع از سوی شخصیت‌های با نفوذ اجتماع که خود از علم بهره ای نبرده انـد یـا قوانین دست و پا گیر تصویب شـده که افراد مغرض بر جامعه اداری و دانشـگاهی تحمیل می‌کننـد، به وجود می آینـد. مواردی چون: کاربرد روش‌های دیوان‌سالارانه اداری، تمرکز قدرت تصمیم گیری، ساختارهای انعطاف ناپذیر، مدیریت اقتدار گرا و غیرمشـارکتی در مؤسـسه‌هـای آموزشـی، از جمله عوامـل بازدارنـده توسـعه علمی و کاهش نقش دانشگاه‌ها در پویایی علمی برای پاسخ‌گویی به نیازهای توسعه علمی و فن آوری کشور به شمار می آیند.

با این بیان، مهم‌ترین موانع توسعه علمی عبارتند از:

۱. حاکمیت فرهنگ طرد و مقابله با هرگونه خلاقیت، ابتکار و نوآوری؛

۲. ضـعف ساختاری نظام آموزش عالی در پاسخ گویی به نیازهای واقعی کشور و نداشتن آمادگی مناسب و کافی هم زمان با دگرگونی‌های فن آوری؛

۳. درگیر بودن نخبگان و صاحبان اندیشه با مشکلات معیشتی و بهره‌مند نبودن از امکانات و تسهیلات رفاهی؛

۴. اهتمـام به عالم پروری(تـدریس محوری) و غفلت از توجه به روحیه علمی و جست‌وجو گری (پژوهش محوری،) در جهت گیری اصلی دانشگاه‌ها؛

۱- رفیع‌پور، موانع رشد علمی ایران و راه حل‌های آن، تهران، انتشار، ۱۳۸۱، ص ۱۳.

۵. کم توجهی به استقرار مدیریت علمی در بخش های مختلف اداره کشور؛

۶. سرمایه گذاری اندک در زمینه های پژوهشی و تبدیل پژوهش به ابزاری برای کسب منزلت اجتماعی و ارتقای شغلی؛

۷. نبودن سازوکار و ابزارهای حقوقی و ملی کارآمد در کشور برای تأمین و حفظ حقوق معنوی و مادی دانشمندان، محققان، مکتشفان و مخترعان؛

۸. اندک بودن سهم تحقیقات از تولید ناخالص ملی؛

۹. ناچیز بودن نقش بخش خصوصی در فعالیت های تحقیقاتی و تأمین هزینه های آن؛

۱۰. نبودن نیروی فنی و پشتیبانی امر تحقیقات از جایگاه شغلی لازم؛

۱۱. پایین بودن سهم کشور در تولید جهانی علم و نبود سازوکار لازم برای اطلاع رسانی در زمینه علم و فن‌آوری در کشور.

اینها دردها و دغدغه های مشترک همه کسانی است که با تعهد دینی و اجتماعی و با درک و تجربه کارشناسی به امروز و فردای اسلام، ایران و انقلاب اسلامی می اندیشند و در حقیقت، پیشبرد اصلاحات، دگرگونی‌های ساختاری و حفظ سرمایه های اجتماعی را فرصتی برای جبران عقب ماندگی های تاریخی می دانند. امیدواریم همه دست اندرکاران امور فرهنگی کشور به سهم خود با اهتمام به این دغدغه ها و دردها و تلاش برای پاسخ‌گویی به این چالش ها، فرصتی ارزنده برای توسعه علمی کشور فراهم سازند.

۱۱. راه‌کارهای توسعه علمی

۱۱. راه‌کارهای توسعه علمی

حل مسائل بسیار پیچیده در زمینه تولید و توسعه علم و ارائه راه‌کارهای مناسب آن، کار یک شخص بسیار اندیشمند و باتجربه نیست. این امر به همکاری تعداد زیادی از اندیشمندان نیاز دارد که بتوانند با یکدیگر به‌طور گروهی و هماهنگ ـ به دور از تضادها و حسادت‌ها ـ مخلصانه مسائل را بررسی و راه حل های مناسب و راه‌کارهای عملی برای توسعه علمی را ارائه کنند.

«نخست بایـد به فکر فراهم آوردن شـرایط (یـک نظـام تفکرسـاز) و سـاختن افراد متفکر خـداجوی، یعنی به فکر سازمان دهی کشور بود تا افراد متفکر، وطن دوست و متقی بتواند چاره جوی مسائل باشند».(۱)

بایـد تـوجه داشت راه برون رفت از بحران‌هـای علمی و رسـیدن به توسـعه علمی، فراهم آوردن عوامـل تحقـق، آزاداندیشـی و تحرک اجرایی به منظور دست‌یـابی به خواسـته هـاست. توسـعه همه جانبه، متوازن و پایـدار کشور، تنها با توسـعه علمی امکان پذیر است.(۲) و این امر ارائه راه کارهایی را می طلبد که با آن بتوان به توسعه علمی همه جانبه رسید.

بدین ترتیب، مهم‌ترین راه‌کارهای توسعه علمی را می توان چنین برشمرد:

۱. تحول فرهنگی و اخلاقی که سازنـدگی اجتمـاعی را به دنبـال دارد، به عنوان یکی از عوامل مهم و بسترساز نهضت توسـعه علمی؛

۲. تقـویت و توسـعه علـوم انسـانی و رفع انزوا و مهجور مانـدن آن و تبـدیل آن به علوم زاینـده و پاسـخ گو به نیازهـای دینی و اجتماعی، با توجه به محور بودن این گونه دانش ها در توسعه علمی؛

۳. توسعه مراکز تحقیقاتی و تقویت انجمن های علمی؛

۴. توجه به حاکمیت مدیریت علمی و فرهنگ آموزش در همه عرصه ها؛

۵. در امان ماندن نخبگان و پژوهش گران در خلال تغییر و دگرگونی‌های سیاسی؛

۶. بازبینی و تجدیدنظر در تشـکیلات، روش‌ها، فرآیندها و ساختارهای درونی دانشگاه ها، برای تأمین بالاترین پویایی لازم در توسعه فعالیت های علمی دانشگاه‌ها؛

۷. مشارکت فعالانه دانشگاه‌ها در روشن کردن سیاست‌های علمی و فن‌آوری کشور.

۱- رفیع‌پور، توسعه و تضاد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۵۷.

۲- علی اشـرف عیوضی، مقاله «نقش مجمع صنفی در تبیین حقوق مادی و معنوی دانشگاهیان»، خبرنامه تحقیقات و فن‌آوری، ش ۲۵، مرداد ۱۳۸۳، ص ۱۲.

فصل دوم: انگیزه‌های تولید علم

اشاره

فصل دوم: انگیزه‌های تولید علم

مقصود از تولید علم، مطلق علم در همه زمینه‌هایی است که به آسایش و سعادت مردم کمک کند که البته به علوم رایج در حوزه‌ها اختصاص ندارد و آنچه الهی بودن یا نبودن علم را مشخص می کند، انگیزه است. یعنی اگر علم توحید و معارف دینی هم با انگیزه غیرخدایی دنبال شود، این علم خدایی نیست و اگر علوم طبیعی با انگیزه خدایی دنبال شود، علمی الهی خواهد بود.

بنابراین، در اندیشه دینی، انگیزه تولید علم می‌تواند این امور باشد:

۱. حفظ عزت مسلمانان و نفی سلطه بیگانه؛ ۲. کشف حقیقت؛

۱. حفظ عزت مسلمانان و نفی سلطه بیگانه؛

۲. کشف حقیقت؛

۳. دفاع از اندیشه دینی.

۳. دفاع از اندیشه دینی.

همان گونه که پیش تر بیان شد، دشمنان دین برای نابودی اندیشه دینی همه تلاش خود را به کار می گیرند. از جمله این تلاش ها، ایجاد شبهه های فراروی اندیشه دینی است که در این میدان، عالمان دینی وظیفه ای خطیر دارند.

تلاش در این زمینه، جز با دانش و تولید علم ممکن نیست. بنا بر یک نمونه تاریخی، شیخ طوسی در مقدمه تهذیب الاحکام می گوید:

یکی از دوستان با من راجع به احادیث شیعه و اختلاف آنها مذاکره کرده است و می گفت احادیث به‌گونه ای است که هیچ حدیثی پیدا نمی کنی، مگر اینکه ضد آن حدیث هم پیدا می شود و مخالفان شیعه این اختلاف احادیث شیعه را دلیل بر بطلان مذهب شیعه دانسته اند و مدعی شده اند که بر اساس عقاید شیعی، نصب امام از طرف خداوند برای جلوگیری از اختلاف ملت می باشد و بر این اساس، شیعه نباید هیچ اختلافی داشته باشد. در حالی‌که اختلاف شیعه بیش از اختلاف اهل سنت است و این مسئله، حکایت از آن دارد که اندیشه شیعه باطل است. این شبهه را به گونه ای پخش کرده اند که عده ای به خاطر همین از تشیع برگشته اند... . مشغول شدن به شرح کتابی که دربرگیرنده توجیه اخبار مختلف و متضاد باشد، از مهم ترین وظایف دینی و از بهترین وسایل برای تقرب به خداست.

بدین ترتیب، آنچه شیخ را به این اقدام وادار کرده است، پاسخ گویی به شبهه های مخالفان است، ولی محصول آن،۱۰ جلد کتاب تهذیب الاحکام است و در سراسر این کتاب، شیخ به تولید نظریه در جمع روایت ها می پردازد.

۴. انجام دادن تکلیف

۴. انجام دادن تکلیف

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إذا ظَهَرَتِ البِدَعُ فی أمَّتی فَلیُظهِرِ العالِمُ عِلمَه فَمَنْ لَم یَفعلْ فَعَلَیهِ لَعنةُ اللهِ.

هنگامی که بین امت من بدعت ها آشکار شد، وظیفه عالم است که علمش را اظهار و بدعت را افشا کند، پس عالمی که چنین نکند، لعنت خدا بر او باد.

البته پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنی دیگر می فرماید: «در هر برهه ای از زمان انسان های وظیفه شناس و دردمند پیدا خواهند شد که بار حفظ و نگهبانی از دین خدا را بر دوش خواهند کشید».

یَنْفُونَ عَنْهُ تَأویلَ المُبطِلِینَ وَ تَحْریفَ الغالِینَ وَ انتِحال الجاهِلین.(۱)

تفسیرهای باطل اندیشان و تحریف های افراط گران را از ساحت احکام الهی دور می کنند.

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۵۴.

پیش از بیان نمونه تاریخی این عامل تذکر چند نکته لازم است:

الف) تولید علم و نظریه باجمود فکری امکان ندارد. آنان که اندیشه تولید علم دارند، باید جسارت داشته و آزاداندیش باشند و از هیاهوی متحجران نترسند؛ زیرا آزاداندیشی در اندیشه دینی چنین بیان شده است.

راوی می گوید به امام صادق(ع) عرض کردم، من در مسجد می نشینم، مردم از من مسئله می پرسند، اگر بشناسم که او از اهل سنت است، نظر اهل سنت را برایش می گویم و اگر نشناسم که او پیرو چه مذهبی است، هم نظر شما را بیان می کنم و هم نظر اهل سنت را تا خودش یکی را انتخاب کند و اگر بشناسم که شیعه است، نظر شما را برایش بیان می کنم. امام صادق(ع) فرمود: «خداوند تو را رحمت کند، به همین شیوه عمل کن».

ب) باید توجه داشت که هر اظهارنظر جدیدی را نمی توان بدعت دانست، بلکه می توان گفت بدعت از دو گروه سر می زند:

اول ــ اظهارنظر غیرمتخصص: کسی که صلاحیت اظهارنظر در مسائل شرعی و اندیشه های دینی را ندارد، وقتی اظهارنظر می کند و به بدعت کشیده می شود، برای اظهارنظر در هر مسئله ای باید تخصص داشته باشد.

کسی که قدم در راه تولید فکر می گذارد، باید درباره موضوع موردنظر اطلاعات و آگاهی های لازم را داشته باشد تا کالای فکری او جامع و مطلوب باشد در غیر این صورت، خسارت کالای غیر استاندارد، به‌مراتب بیش از استفاده آن خواهد بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَن أَفتی الناسَ بِغَیرِ عِلمٍ کانَ ما یُفسِدُهُ أَکثرَ مِما یُصلِحُهُ.(۱)

کسی که بدون داشتن دانش لازم و تخصصی برای مردم فتوا می دهد، فسادی که در دین به وجود می آورد، به مراتب بیشتر از اصلاحی است که به آن می پردازد.

۱- بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۲۱.

در آموزه های اسلامی، نخست انسان ها به دانش اندوزی و تکمیل دانسته ها می پردازند، پس نظر خویش را ارائه می کنند.

از نگاه اسلام، نظریه پردازی هایی که پشتوانه علمی ندارد و اسباب گمراهی دیگران را فراهم می آورد، گناهی بس سنگین دارد. برای نمونه رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَن قالَ فِی القُرآنِ بِغَیرِ ما عَلِمَ جاءَ یَومَ القیامَهِ مُلجَماً بِلِجامٍ مِن نارٍ.(۱)

هرکس درباره معانی و مفاهیم قرآن، بدون اینکه دانش آن را آموخته باشد اظهارنظر کند، روز قیامت در حالی‌که دهانه ای آتشین بر دهان او زده اند، به صحنه محشر وارد خواهد شد.

دوم ـ اظهارنظر متخصص بی توجه

گرچه انسان متخصص حق دارد در حوزه تخصص خود اظهارنظر کند، ولی باید همیشه این دغدغه را داشته باشد که آیا روشی که او را به این نظریه رسانده درست بوده است یا نه؟ آیا ضابطه ها و قواعد را در استنباط حکم درست اعمال کرده است یا نه؟ زیرا اظهارنظر چنین متخصصی هم به بدعت کشیده می شود.

۵. تأمین نیازهای جامعه اسلامی

۵. تأمین نیازهای جامعه اسلامی

با توجه به اندیشه جامعیت دین، هیچ مسلمانی نمی تواند در برابر مشکلات و کاستی های جامعه اسلامی بی تفاوت باشد، تا چه رسد به محققان مسلمان.

بنابراین، در تولید علم اگر هیچ انگیزه ای جز رهایی از استعمار و فشارهای آنان وجود نداشته باشد، ارزش قدم‌گذاردن در این میدان را دارد؛ زیرا چپاول گران برای غارت منابع اقتصادی ملت ها، از هر وسیله ای استفاده می کنند. آنان برای رسیدن به هدف های خود به فشارهای مستقیم و غیرمستقیم متوسل می شوند و قوی ترین اهرم فشار آنان نیاز ملت ها به علم و فن آوری برای اداره جامعه و رفع مشکلات آن است. بنابراین، برای رهایی از این فشارها راهی جز تولید علم نداریم.

۱- بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۱۲.

فصل سوم: تولید علم، موانع و راه کارها

اشاره

فصل سوم: تولید علم، موانع و راه کارها

درباره ارزش و جایگاه والایی که اسلام برای علم قائل شده است، تردیدی نیست. خداوند می فرماید:

هَلْ یَسْتَوِی الّذینَ یَعْلَمُونَ وَ الَّذینَ لا یَعْلَمُونَ إِنّما یَتَذَکَّرُ أُولُوا اْلأَلْبابِ. (زمر: ۹)

علم، موهبتی است الهی و منشأ و منبعی ربانی دارد. بنابراین، تولید علم به معنای واقعی جز در پرتو ارتباط معنوی با منبع علم و دست یابی به حقیقت علم، جز به توفیق خاص فراهم نمی آید.

تولید علم، فرآیندی است که پیوسته در حال رخ دادن است. نه می توان جلوی تولید علم را گرفت و نه می توان تولید علم را در برخی زمینه ها متوقف کرد. آهنگ تولید علم تابع شرایط است. گاهی این تولید سرعت می گیرد و گاه از سرعتش کاسته می شود. سرعت گرفتن یا کند شدن آهنگ تولید علم، بسته به وضعی است که در مجموع بر فضای علمی و فکری جامعه حاکم است. برخی عواملی که می تواند علم را تولید کند عبارتند از:

۱. موانع تولید علم

اشاره

۱. موانع تولید علم

زیر فصل ها

الف) عظمت اندیشه بعضی از متفکران

ب) افراط و تفریط در حوزه تعقل

ج) تکریم نکردن عالمان و نخبگان

د) نداشتن مدیریت هوش و استعداد ملی

هـ) عدم بومی سازی علوم غربی

و) تولید نکردن علم متناسب با نیازها

ز) دیگر موانع تولید علم

الف) عظمت اندیشه بعضی از متفکران

الف) عظمت اندیشه بعضی از متفکران

یکی از بزرگ ترین موانع تولیـد علم، عظمت عالمان است. وقتی با یک اندیشه یا اندیش ورز بزرگی روبه رو می شویم و آن فکر یـا متفکر در نظرمـان بزرگ می نمایـد، جای تردیـد در هیـچ‌یک از کلمات و انـدیشه هایش نمی یابیم. و در واقع، امکان تولید علم از ما گرفته می شود. در گذشته این

عظمت به حدی بود که کمتر کسـی جرئت و فرصت انتقاد می یافت، ولی امروزه تا حدود زیادی این سنت شکسته شده است. البته نه اینکه نقد به معنای حرمت‌شکنی باشد، بلکه در عین حراست از حرمت ها، اندیشه ها نقد می شود.

بـه ایـن منظـور، بایـد نخست حرمت انـدیشه و اندیشـمند را پـاس بـداریم و این حرمت و احـترام اقتضـا می کنـد که نخست به درستی، انـدیشه او را فهم کنیم و آن‌گـاه بـا رعـایت انصـاف، به نقـد عالمانه آن بپردازیم. قضاوت ها بایـد دقیق و پس از فهم نظریه ها باشد و نقدی هم که انجام می شود، از سر فهم و درک عمیق است.

ب) افراط و تفریط در حوزه تعقل

ب) افراط و تفریط در حوزه تعقل

مـانع دیگری که مـا در تولیـد علم به ویژه در تولیـد علم دینی با آن روبه رو هستیم، کوتاهی و زیاده روی در حوزه خردورزی است. بشـر به طبیعت خود، همواره در جست وجوی این بوده که هر چیزی را بـا عقـل و فهم خودش بفهمـد و تحلیل کنـد. در این راه به دو گرایش برمی خوریم:

الف) گرایش افراطی عقـل گرا که می خواهـد همه مفـاهیم دینی را بـا تعقـل بررسـی کنـد و هر چه را از دایره تعقل او خارج باشد، انکار می کند.

ب) دیدگاه متحجّر نقل گرا که کاملاً عقل را کنار می زند و گمان می کند که می توان بدون عقل بر سـر سفره نقل نشست و به فهم درستِ نقـل پرداخت. در جـایی که، ویژگی مکتب فکری ائمه اصـرار بر تعقـل در حوزه وحی و بـاور دینی است، آنان خِرَدی را می پذیرنـد که با نور خـدا منوّر باشـد، نه عقل گرایی افراطی که در پی آن باشـیم همه چیز را با دانش بسـیار اندک خود محک بزنیم و راه قیاس را بپیماییم و یا در اصل، خرد بشـری را وانهیم و بدون تعقل و تفکر به سوی متن و نقل برویم که این نیز اشتباه است و در واقع همان می‌شود که اخباری های شیعی و ظاهری های سنی گرفتار آن هستند.

ج) تکریم نکردن عالمان و نخبگان

اشاره

ج) تکریم نکردن عالمان و نخبگان

بزرگ ترین عامل تولید علم، مولدان علوم اند. ازاین رو وضع تولید علم در جامعه ارتباط مستقیم با وضع عالم و جایگاه او در جامعه دارد. اگر عالم ارزش و قیمت واقعی خود را داشت، می توان توقع داشت که علم رشد کند و اگر خدای ناکرده عالمان در جامعه بی توجه و منزوی بمانند، باید تولید علم را در بوته فراموشی یافت. تکریم عالم، به این است که هر عالمی را در آن جایی که هست بپذیریم؛ نه فراتر و نه فروتر. اگر خواهان رشد علم در جامعه هستیم، باید زمینه را برای رشد و شکوفایی استعدادهای برجسته فراهم کنیم و امکانات بیشتری در اختیارشان قرار دهیم. تولید علم امر مادی و کمّی نیست که بتوان با ازدحام جمعیت و افزودن تعداد، به آن دست یافت، بلکه پاسداری از مقام علم و عالمان ودانستن قدر استعدادهای نخبگان، دربستر حوزه و دانشگاه است. باید زمینه و امکان ارائه استعداد آنان را در ظرفی سالم فراهم آورد تا رونمای آنان در محک داوری منصفانه و عالمانه قرار گیرد. متأسفانه آن گونه که شایسته است به نخبگان بها داده نمی شود. بر این اساس، در کشور دانشجویانی تربیت، گزیده هایشان انتخاب و بعد در زمان بهره برداری جذب خارج از کشور می شوند.

یک _ نظریه هایی درباره نخبگان و فرار مغزها

یک _ نظریه هایی درباره نخبگان و فرار مغزها

امروزه ارتباط و تعامل انسان در گستره زمان، در حال تحول و گسترش است، به گونه ای که با گذر از ارتباط چهره به چهره و دست یافتن به ارتباط کتبی و صنعت چاپ و نشر، اکنون گستره دیگری از ارتباط پیش روی انسان است که او را ساکن یک دهکده جهانی می کند. در این دهکده، هر کسی می تواند در آنِ واحد با تمام دنیا ارتباط دیداری و شنیداری برقرار کند و به تبادل و تعامل دانسته ها، اندیشه ها و دست آوردهای علمی و

فرهنگی بپردازد. امروزه می توان در گوشه ای امن و آرام روبه روی رایانه ای نشست و سفری دور و دراز به پُرهیاهوترین مراکز علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جهان را داشت. در حقیقت، هر چه ابزارهای ارتباطی پیشرفته تر و پیچیده تر شده، به همان نسبت جهان نیز و کوچک تر شده و هر چه جهان کوچک تر شده، ارتباطات نزدیک تر شده است. دانشمندان کشورهای گوناگون می توانند در یک سالن نمادین دور هم گرد بیایند و با استفاده از دستگاه تله کنفرانس در منزل خود درباره آخرین یافته های علمی به بحث و تبادل‌نظر بپردازند.

در این میان، ناگفته پیداست که صورت واقعی دنیا، شکل دیگری است. جهانی که ما در آن به سر می بریم، دو سویه است، یک سو غول های ارتباطی که الگوهای فرهنگی ـ اقتصادی و اجتماعی خود را برای مصرف‌کننده ای اتفاقی و مشتریان همیشگی خود مخابره می کنند و سوی دیگر، کشورهایی که با ابزارهای کوچک و ناچیز خود توان مبادله با این انحصارگران رسانه ای را ندارند. از آن جا که امکانات و ابزار پیشرفت و توسعه انسانی در یک کشور در سطحی پایین تر از برخی دیگر از کشورهاست، همیشه عده ای هستند که رفتن را به ماندن ترجیح می دهند و همین رفتن ها از پایین محله به بالا محله دهکده جهانی، نشان گر این حقیقت است که ارتباط و پیوند بی گسست و متوازنی میان کشورها حاکم نیست.

پرسش اصلی اینجاست که چرا بعضی از نخبگان در این دهکده جهانی جابه‌جا می شوند؟ آیا این مهاجرت آسیب زاست یا سودآور؟

دیدگاهی معتقد است که مهاجرت نخبگان نه تنها به ضرر کشور مبدأ نیست، بلکه سبب می شود اندوخته های ذهنی و توانمندی های علمی فرد در جهت شکوفایی علم و دانش بشری به کار گرفته شود؛ زیرا نیروی

پیش‌برنـده جـامعه علمی جهـانی از منـابع علمی سراسـر دنیا سود می برنـد. این دیـدگاه، دانشـمندان و نخبگان را سـرمایه های جهانی می داند که مرز در مورد آنان معنایی ندارد و باید دست آوردهای خود را در اختیار همه قرار دهد. از این منظر، دلیلی نـدارد که ما جلوی مهاجرت نخبگان را بگیریم و علتی نـداردکه دست آوردهای علمی آنان به سراسـر جهان صادر نشود. این دسـته معتقدنـد، در صورت فراهم بودن شـرایط، نخبگـان علمی و مهـاجر پس از پرورش اسـتعدادهای خود با باروری علمی و ذهنی و دستی پر به موطن خود باز می گردند.

نگرش گروهی دیگر تـا این حـد خوش‌بینـانه نیست. این گروه فرار مغزهـا را بر اثر فریب، توطئه و اغواگری کشورهای مقصـد می داننـد و بـدین جهت، این مهاجرت را نوعی اجبار به شـمار می آورنـد. فریفتن نخبگان و جذب سـرمایه های انسانی که از مهم ترین سـرمایه های اقتصادی به شمار می روند، شیوه جدید استعمار علمی ــ فرهنگی است. این، دیدگاهِ گروهی است که کشورهـای محروم را در معرض تهـاجم دست آوردهـای علمی و فرهنگی می داننـد. اسـتعمار نیز بـا قـدرت رسانه ای، تصویرِ غیرواقعی و مثبت از خود ترسـیم می کند و ناخودآگاه تحصیل‌کرده ها و مخاطبان را مجذوب و مفتون می سازد. بدین ترتیب، استعمارگر بدون کمترین هزینه صاحب اندیشمندانی می شود که پس از پرورش یافتن در کشور خود برای بهره وری رو سوی آنان می کنند.

دو ــ زمینه ها و عوامل گریز نخبگان

دو ــ زمینه ها و عوامل گریز نخبگان

عـده ای بـا نگـاه به درون، ضـعف برنـامه ریزی و مشـکل منابع انسانی را سـبب گریز مغزها از داخل کشور می داننـد و بر این باورنـد که اگر امکانات در پرتو برنامه ریزی و مدیریت درست به منظور پرورش و بهره وری و خلاقیت نخبگان موجود باشد، با پدیده ای به نام فرار مغزها

روبه‌رو می شویم. پس جوانان به آینده امیدوار می شوند و هیچ‌کس رغبت نمی‌کند که موطن خود را ترک کند. این عوامل که به نوعی مغزها و نخبگان علمی ـ فرهنگی کشور را می تارانند، در برگیرنده طیفی است شامل بی کاری و فقر اقتصادی و سرکوب خواسته ها و آرزوهای قانونی، تا وجود مانع در دست یابی به شخصیت و احترام لازم.

فرار مغزها در واقع فرار سرمایه های نیروی انسانی است که با صرف هزینه به دست می آید و قرار است از علم، دانش، تخصص، مهارت، تجربه، توان، سلامتی، قابلیت ها و در نهایت نظم و انضباط که به وسیله آموزش و بهداشت در نیروی کار جامعه ذخیره می شود و سبب افزایش بهره وری نیروی کار در امر تولید می شود، استفاده شود. بدین ترتیب، اگر فرار مغزها را مهاجرت نیروی انسانی آموزش دیده و پرورده از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته بدانیم، این مفهوم نزد مردم کشورهای مهاجر فرست، بر نیروی دافعه این جوامع دلالت و نزد کشورهای مهاجرپذیر بر نیروی جاذبه آنها دلالت دارد. در حالت دیگر، بعضی شکل های عمده فرار مغزها در شرایط کنونی جهان عبارت از حالت ویژه ای است که در کشورهای درحال توسعه، دانش‌آموختگان مقاطع عالی دانشگاهی آنها ارتباط چندانی ندارد.

یکی دیگر از عوامل این است که در کشورهای در حال توسعه، تربیت نیروی انسانی بر اساس اطلاع دقیق از تقاضای نیروی انسانی در کشور صورت نمی گیرد. این امر از سویی جواب گوی نیروی انسانی برای برخی رشته ها نیست و از سوی دیگر، ممکن است بازار کار را با دو جریان نیروهای متخصص و یا هماهنگ نبودن شغل با رشته تحصیلی آنان روبه رو کند. بدین روی، بخش عمده ای از توان تخصصی صرف فعالیت های غیرتخصصی می شود. این کشورها به رشته هایی از تعلیم و

تربیت اولویت می دهند که نیازهای فوری آنها را برآورده نمی سازد. برای نمونه، در نیجریه، ۶۳ درصد دانشجویان در علوم اجتماعی تحصیل می‌کنند، در حالی‌که شرایط و منابع اقتصادی این کشور، تنها در حدود ۴۰ درصد به این رشته ها نیازمند است. کشورهای در حال توسعه در حالی که برای ترقی و رشد خود به شدت به افراد تحصیل کرده در حد متوسط نیاز دارند، بیشتر به علت وجود کنترل تعداد افراد متخصص و مؤسسه آموزشی، با مازاد متخصص در بعضی رشته ها روبه رو هستند. برای نمونه در دهه ۱۹۶۰م. هندوستان ۷۵ هزار مهندس بی‌کار و فیلیپین نیز در دهه ۱۹۷۰م. ۳۵ هزار بیکار داشت.(۱) در این کشورها آموزش فنی و حرفه‌ای در عمل فراموش شده است. برای مثال در کشورهای عربی، آموزش آکادمیک بر آموزش فنی و حرفه‌ای ترجیح دارد و تنها ۱۱ درصد از مجموع کل دانشجویان عرب آموزش فنی و حرفه ای می بینند. در حالی‌که در آلمان فدرال دانشجویان فنی و حرفه ای ۴۵ درصد از مجموع دانشجویان آلمان را تشکیل می دهند. همین توجه نکردن به آموزش و تربیتِ کادرهای فنی لازم، سبب اختلال در عرضه و تقاضای بازار کار شده است.(۲)

هم سو با چنین اندیشه ای است که مؤسسه های آموزش عالی و برنامه ریزان می کوشند بدون توجه به واقعیت های اقتصادی و صنعتی و ساختار آن، تعداد دارندگان مدرک دانشگاهی را زیاد کنند، بدون اینکه پژوهش شود که امکان جذب متخصصان چه‌قدر است. همچنین در این کشورها در گزینش افراد برای مشاغل نه تنها شایستگی، هوش، مهارت و تجربه داوطلبان لحاظ نمی شود، بلکه بیشترین ارزش به مدرک داده می شود. در مجموع باید گفت که نقصان کیفی نظام آموزشی این

۱- روزنامه کیهان، ۵/۴/۱۳۶۴.

۲- روزنامه کیهان، ۲۰/۷/۱۳۶۱.

کشورهـا، یعنی هماهنگ نبودن محتوای آموزش با نیازهای جامعه یا کاربردی نبودن آن، شـناخت نداشـتن برنامه ریزان مسائل آموزشـی از واقعیت ها و نیازهای جامعه، وجود بعضـی از ارزش ها و معیارها که اهمیت بیشتری را برای مدرک تحصیلی قائل می شوند، زمینه را بیش از پیش برای فرار مغزها فراهم می سازد. بنابراین، کشورهای در حال توسعه باید سیاست آموزش خود را به سـمتی هـدایت کننـد که بیشترین شـمار دانش آموختگان شان جذب بازار کار شوند. گاهی یک کشور در حال توسـعه، بیش از آنچه بازار کار می تواند جذب کند، نیروی انسانی با تحصیلات بسیار بالا به وجود می آورد. نرخ پایین رشد اقتصادی در برخی از کشورها نشان می دهد که ظرفیت این کشورها برای جذب نیروی انسانی تحصیل کرده، کمتر از ظرفیت شان برای به وجود آوردن چنین افرادی در نظام آموزشی خود است که نتیجه چنین وضعی، بی شک مهاجرت است. همچنین در شرایط حاضـر نمی توان از رونـد شـتابان جهانی شـدن در حوزه های اقتصاد، سـیاست و فرهنگ غافل مانـد؛ زیرا از بین رفتن مرزهای پیشـین سیاسـی، فرهنگی و اقتصـادی و شـکل گیری فضـای جدیـدی که در آن ملیت کم رنگ شـده و وفاداری افراد به ملیت معطوف نیست، سبب مهاجرت شده است.

حال اگر چه مسائل مادی و اقتصادی نمی تواند علت اصـلی تمام مهاجرت ها باشد، باید اذعان کرد که به یقین، جاذبه شـرایط مادی کشورهای توسعه یافته نقش اساسی در بسیاری از مهاجران را دارد.

سه _ فرار مغزها از ایران

سه _ فرار مغزها از ایران

مهـاجرت نخبگـان در ایران تا پایان جنگ جهانی دوم، سـرنوشت و ماجرایی مشابه دیگر کشورهای جهان سوم دارد. ولی پس از جنـگ جهانی دوم فرار مغزها با تأخیر نه چنـدان زیاد در مقایسه با کشورهای کم‌توسـعه آغاز شـد. اوایل دهه ۵۰ میلادی را باید آغاز این دوره نامید که

پس از کودتـای ۱۹۵۳ م. (۱۳۳۲) و تحکیـم روابـط ایران و امریکـا وارد دور جدیــدی شـد. بـدین ترتیـب، اعزام محصـل به کشورهـای خـارجی و امریکـا به طـور منظم و جـدی آغـاز شـد و رشـد اقتصـادی یکی از هـدف هـای خـود را متـوجه تربیت متخصـصان کرد تـا دوام و رشـد برنامه های توسـعه تضـمین شود. در دهه ۶۰ میلادی نیز سـیاست جـذب متخصـصان از سوی ایالات متحـده ادامه یافت و این مسـیر تا حـدود ۱۵ مـاه قبـل از انقلاـب اسـلامی که روالی آرام داشت ادامه یافت. پس از این زمـان، جریان تازه ای از مهاجرت صاحبان سـرمایه و نخبگان سیاسـی، اقتصادی و علمی به خارج از کشور پدیـد آمـد، ولی با پیروزی انقلاـب اسـلامی که بـا درون مـایه هـای عمیـق فرهنگی صـورت گرفت، این رونـد تـا پس از جنـگ تحمیلی کـاهش محسوسـی یـافت. با این حال در سا ل‌های اخیر نیز دوباره شاهـد شـکل جدیـد و در عین حال وسـیعی از پدیـده های مهاجرت نخبگان هستیم. روند تاریخی این پدیده در کشور ما شامل سه دوره مشخص است.

دهه های ۴۰ و ۵۰ تا پیروزی انقلاب که مقارن باز شدن باب مراوده با غرب بود، این روند با شدت و ضعف ادامه داشت.

مقطع سال های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ و ابتدای جنگ تحمیلی که به طور عمده، طیف ناراضیان از انقلاب، مهاجرت را ترجیح دادند.

دوره جدید مهاجرت که از سال ۱۳۶۷ آغاز شده و در پاره‌ای اوقات شدت هم گرفته است.

بر اسـاس اطلاعـات بـه دست آمـده، تمـام ورودی هـای بـا رتبه دو رقمی (۹۹_۱) کنکور سراسـری دانشـگاه هـا در سال دوم تحصـیلی خود برای ادامه تحصـیل پس از دوره لیسانس، از بهترین دانشگاه های دنیا با بهترین امکانات نامه دریافت می‌کنند و تعداد فراوانی از دانش آموزانی هم که در سال‌های گذشته در المپیادهای مختلف علمی صاحب مقام شده اند، در

یکی از بهترین دانشگاه های خارج از ایران مثل کانادا مشغول شده اند و امید به بازگشت آنان تنها ۳ درصد است.(۱)

در سال های اخیر، مهاجرت سه دسته از متخصصان ایرانی توجه مسئولان و مطبوعات را به خود جلب کرده است. بنا بر آمارهای غیررسمی، وزارت علوم و تحقیقات از برنگشتن برخی از دانشجویان بورسیه شده اظهار نگرانی کرده است. همچنین آمار خروجی اداره کل گذرنامه طی سال ۱۳۷۸ هر روز به طور متوسط ۱۵ کارشناس ارشد و ۳/۲ نفر صاحب مدرک دکترا از کشور خارج شده و در مجموع، ۵۴۷۵ کارشناس در سال ۱۳۷۸ از کشور مهاجرت کرده اند.(۲)

در گزارش دیگر که از سوی یکی از مسئولان وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری در تیر ماه ۱۳۷۸ ارائه شده، از سال ۱۳۶۹ تاکنون ۱۵۱ نفر عضو هیئت علمی به راه های مختلف به خارج از کشور عزیمت کرده و تاکنون برنگشته اند و با تأخیر نگران‌کننده روبه‌رو بوده ایم.(۳)

این مهاجرت ها ممکن است دلایل مختلفی همچون هماهنگ نبودن آنان با هنجارها و رفتارها و ارزش های حاکم بر سیاست جمهوری اسلامی یا تنها به دلیل جست وجوی فضا و امکانات بهتر برای پیشرفت علمی و شغلی باشد.

چهار ـ بسترسازی برای فعالیت نخبگان

چهار ـ بسترسازی برای فعالیت نخبگان

استادان دانشگاه ها و پژوهش‌گران پرتجربه و باسابقه، سرمایه های خلاق و پر بازده، برای تولید دانش و فن آوری هستند. از آنجا که سن بیشتر این افراد بالاتر از ۳۵ سال است و عده زیادی از آنان تحصیلات خود را

۱- علی وقوفی، فرار مغزها، صص ۵۲ ـ ۵۴.

۲- سعید پورزند، مقاله «فرار مغزها»، روزنامه ایران، ۱۳۷۹، ش ۱۵۸۱.

۳- فرار مغزها، ص ۸۷.

خـارج از کشور گذرانـده انـد، آنچه بیشتر سـبب مهـاجرت آنـان از کشور می شود، عوامـل دافعه داخل کشور است نه عوامل جـاذبه خـارج کشـور. چه بسـا این افراد در دوران دانشـجویی خـود در خـارج از کشور فرصت و شـرایط منـاسبی برای اقـامت همیشـگی در کشور محل تحصیل خود را داشته اند، ولی خدمت به کشور را حتی با امکانات کم ترجیح داده اند. ولی پس از قرار گرفتن در محیط کار داخل کشور با شـرایطی روبه رو شدنـد که ناچار به تجدیـد نظر در تصـمیم خود و مهاجرت شدنـد. برای حفظ این سـرمایه‌ها در درجه اول باید مقام و منزلت اسـتادان دانشـگاه ها و دانشـمندان و پژوهش گران بدون تنگ نظری های گروهی و سیاسـی رعایت شود. در محیط های علمی و دانشـگاهی بایـد به تخصـص و تجربه علمی افراد بها داد و فارغ از سلیقه های شخصی و جناحی میدان را برای رشد آنان باز گذاشت.

بـدیهی است یکی از راه هـای مهم حفـظ مقـام و منزلت اسـتادان، وضـع قـوانین و مقررات اجرایی برای تـأمین امنیت شـغلی و اجتمـاعی متخصـصان است. تـا وقتی ذهن پژوهش گران و اسـتادان دانشـگاه ها با دغـدغه معاش و مسـکن و هزینه های جانبی درگیر باشد، هرگز نمی توانند در عرصه تدریس و تحقیق علمی به صورت فعال و خلاق ظاهر شوند. اگر می بینیم که نخبگان در بعضـی از کشورهـا خوش می درخشـند و بـا خلاـقیت های بـدیع و ره گشای خود، علم و دانش جهانی را گامی به جلو می برنـد، به این خاطر است که انرژی فکری، روانی و جسـمی آنان با اضـطراب و دغـدغه تأمین هزینه های روزمره زندگی خنثی نمی شود. از سویی آموزه های دینی ما نیز بر حفظ شأن و منزلت اهل علم تأکید می کنند.

تاریخ کشور ما نشان می دهد، هر زمانی که فضای مناسب و به دور از دغدغه برای ایرانی فراهم شده است، او توانسته با آموختن علم و کسب تخصص، برای حل مشکلات بی شمار جامعه اش قد علم کند. حال به راستی چرا حدیث شکوفایی استعدادها و اندیشه او به خارج از مرزها کشیده شده است؟ ایرانیان متخصص که در سراسر جهان در عرصه های مختلف علوم سرآمد دیگران شده اند، چرا به ایران باز نمی گردند. و به راستی چه واقعه ای در کشور عامل فرار اندیشمندان ما می شود.

مشکل اصلی این است که متأسفانه دشمنان و عوامل آنان با توجه به بعضی از مشکلات در ایران اسلامی، روحیه خودکم بینی و ناامیدی را در جامعه ترویج می کنند. در حالی‌که باید کوشید هوشمندانه بر کاستی ها چیره شد و این باور را در جامعه تزریق کرد که «ما می توانیم...».

برخی از راه کارهای اجرایی برای بهسازی و اصلاح محیط علمی و پژوهشی برای جذب یا ثبت نخبگان عبارتند از:

ــ حفظ حریم دانشگاه ها و حوزه های علمیه و جلوگیری از دخالت غیرمسئولانه عوامل بیرونی در فرآیند فعالیت های جاری علمی این نهادها؛

ــ تشکیل و توسعه بانک اطلاعات متخصصان ایران؛

ــ نوسازی و تجهیز امکانات آزمایشگاهی و کارگاهی؛

ــ ایجاد تسهیلات ویژه برای انجام فرصت مطالعاتی در داخل و شرکت در سمینارها؛

ــ کمک‌خواهی از نخبگان و متخصصان مقیم داخل و خارج برای شکل گیری قطب های فعال علمی؛

ــ سعی در تماس دائم با محصلان و دانشجویان خارج از کشور و اعمال نظارت در زمینه تحصیل آنان؛

ــ ایجاد تمهیدات و تسهیلات لازم برای ترجمه و انتشار آثار مفید علمی نخبگان ایرانی مقیم خارج از کشور که متناسب با فرهنگ ملی و مذهبی ماست؛

ــ ایجاد امکانات برای احداث فضای تحقیقی و پژوهشی؛

ــ تقویت و گسترش دوره های تحصیلات تکمیلی و تخصصی؛

ــ فراهم کردن شرایط مناسب و تهیه وسایل و امکانات لازم برای تحصیل در داخل کشور؛

ــ جهت گیری برنامه های فرهنگی به سوی تقویت خودباوری و اعتماد به نفس در دانشجویان و التزام به ارزش‌ها و هویت اسلامی ــ ایرانی؛

ــ اصلاح نظام آموزشی مدارس، مبتنی بر تقویت خودباوری و احساس تعلق به هویت ملی و اسلامی؛

ــ مرتبط کردن هر چه بیشتر رشته‌های دانشگاهی با نیازهای بازار کار و ایجاد مراکزی به منظور استخدام قطعی فارغ‌التحصیلان و متخصصان ویژه؛

ــ تقویت حس وطن‌دوستی، با همت رسانه های جمعی و معرفی مواریث فرهنگ ایرانی و اسلامی به مردم؛

ــ همکاری بیشتر بین سازمان های خصوصی و دولتی برای ایجاد ارتباط سالم و مبادله اطلاعات واقعی بین این سازمان ها و خارج از کشور؛

ــ ارتقای سطح تخصصی کادرهای آموزشی و پژوهشی در مراکز علمی؛

ــ رسیدگی به وضع خاص استعدادهای درخشان و سرمایه گذاری در این زمینه؛

ــ ایجاد بستر مناسب کاری، فراهم کردن امکانات فن آوری و ایجاد امنیت اقتصادی.

د) نداشتن مدیریت هوش و استعداد ملی

د) نداشتن مدیریت هوش و استعداد ملی

هوش ملی، یکی ازمشکلات اساسی ماست. همچنان که منابع فراوان طبیعی ما یکی از مشکلات اساسی توسعه اقتصادی ما شده است، ما به

دلیل دارایی های زیاد نمی‌دانیم چگونه از آن استفاده کنیم و اگر این‌قدر دارایی نداشتیم، از سرمایه های طبیعی و سرمایه های انسانی مان دقیق تر استفاده می کردیم. بحران ما در واقع بحران مدیریت است، ولی این بحران مدیریت تنها با علم مدیریت یا با مدیران قوی حل نمی شود. مشکل بسیار عمیق تر است. اندیشه و فرهنگ حاکم بر جامعه و ارزش ها و هنجارهای موجود در جامعه باید تغییر کند تا ما این امکان را پیدا کنیم که از استعدادهای فراوان انسانی و طبیعی خود به درستی استفاده کنیم. تا فرموده رهبر معظم انقلاب تحقق یابد که:

امسال باید فضای نوآوری، کشور را فرا گیرد و همه مسئولان خود را موظف بدانند با بهره گیری از امکانات مادی و معنوی، کارهای نو و ابتکاری و راه های میان بُر را در سایه مدیریت درست، دوراندیشی حکیمانه را در فعالیت کشور وارد کنند تا کام مردم از ثمره این تلاش ها، شیرین شود.

ه_) عدم بومی سازی علوم غربی

ه_) عدم بومی سازی علوم غربی

فن آوری و علم مبتنی بر نیاز است. اکنون ما فن آوری هایی داریم که وارداتی و کاملاً نامناسب است. این فن آوری ها شیوه زندگی ما را مختل ساخته است. باید بدانیم که تنها علم غربی برای ما کافی نیست، بلکه باید با اخلاق، فرهنگ و نیازها، بومی سازی شود. علم غربی باید در یک چارچوب وسیع تری قرار گیرد. امروزه گستره علم کاهش یافته و هم افق با فن‌آوری معنا شده است. در نظریه های علمی و حتی در تعریف علم نیز کاملاً ـ لایه های فرهنگی و تمدنی غرب رسوخ یافته است. در حالی‌که باید دید علم از نظر ما، با تعریف علمی آنان سنجیدنی است یا در کیفیت از هم جدایی دارند؟ باید بدانیم نگاه ساده انگارانه ما به علم مدرن سبب می شود که راه درمان را درست نشناسیم. آیا ما باید پابه‌پای علم مدرن به

همه ابعـاد دیگر فرهنگی و تمـدنی مـان سـاخت بـدهیم، همچنـان‌که ژاپن کرد. پس با این وضع، این کشور دیگر با فرهنگ و تمـدن قوی خود نیست، بلکه یک غرب مـدرن است که در آن ذوب شده است، ولی چگونه می توانیم ما از فرهنگ و تمدن، غافـل شویم، در حـالی‌که فرهنـگ و تمـدنی ریشه دارتر و عمیق تر داریم. بایـد به این نکته توجه داشـته باشـیم که تئوری ها و نظریه های علمی تجربی بر اساس دیدگاه مدرن، یعنی تقلیل حوزه معنای علم به علوم آزمون پذیر است که ریشه در لایه های دیگر و زیرسـاخت های نظری و فرهنگی غرب دارد. نه اصـطلاح و فرهنگ مترقی ما. ما اگر بخواهیم طبق اصـطلاح و فرهنگ خود سـخن بگوییم، علم تجربی ریشه در لا-یه های عمیق تری از علم دارد، یعنی ریشه در علم عقلی و دانش نظری و ریشه در مشـهود دارد. بنـابراین، مـا به شـدت نیاز داریم که فن آوری علم مـدرن را با نسب نامه و تبار نامه‌اش و با آن زیر ساخت های فرهنگی اش بشناسیم.

مسائل فرهنگی برخلاف مسائل فیزیکی جـدای از انسان نیست که انسان آن را بگیرد، ببینید و لمس کند. انسان با فرهنگ فکر می کند، استشمام می کند و فهم و درک آن را با دشواری انجام می دهد.

البته نقد ما به فرهنگ غربی، حتی به لحاظ نظری به معنای روی گرداندن از دست آوردهای دانش غربی نیست. ولی نکته این است که مـدیریت و برنـامه ریزی در این عرصه بسـیار مهم است. بایـد نظارت داشت که دانش غربی را به عنوان یک دانش و علم مطلق به ذهن نوآموزان، دانش‌آموزان و دانشـجویان منتقل نکنـد، بلکه یک خودآگاهی داده شود تا ذهن از ابتدا فرصـت فعالیت داشته باشد. متأسفانه ما در همه کتاب ها تعریف علم و معرفت دینی را از افق علم مدرن شروع و چنین

القا می کنیم که گزاره های علمی، گزاره های آزمون پذیر هستند و اگر گزاره ها این گونه نباشد، علمی نیستند. شاید در دهه های پیشین که بینش در «پوزیتوسیتی» بر محیط های علمی بیشتر مسلط بود، صحبت کردن از علوم فرهنگی یا علوم اسلامی به ویژه در غیر علوم انسانی ممکن نبود. مباحثی که در حوزه فلسفه علم مطرح شد و مسائلی که درباره هویت مستقل دانش پوزیتویستی مطرح شد، در غرب نخستین بار از سوی دانشمندانی بود که در حوزه علوم پایه کار می کردند و هیچ یک رشته اصلی شان علوم انسانی نبود. آنها ربط علم را با حوزه فرهنگی خود به اثر تأملات تئوریک یافتند، ولی در جامعه ما ربط علم و فرهنگ نخست در حوزه علوم انسانی خود را نشان می دهد و دلیل مسئله این است که علم در غرب، با فرهنگ خود سازگار است و از این جهت خود را نشان نمی دهد، ولی در کشورهای غیر غربی علم غربی ناسازگاری خود با فرهنگ بومی را پیش از همه در حوزه علوم انسانی نشان می دهد؛ زیرا تخریب فرهنگی در حوزه علوم انسانی بسیار جدی تر است؛ هم در حوزه مدیریت و هم در حوزه فرهنگ‌سازی.

متأسفانه با گرفتن علوم غربی در همان قدم اول، اثر تخریبی اش در حوزه فرهنگی ما نمایان می شود. علوم انسانی بسیاری از نیروهای انسانی ما را به خود مشغول می کند، ولی استفاده از علوم انسانی به تناسب حجمی که در مدارس و دانشگاه های ما تدریس می شود، کاربردی ندارد و تنها در حد اخذ مدرک است. این نوع واردکردن علم تزلزل فرهنگی ایجاد می کند، یا اگر ایجاد نکند، زمینه های تزلزل را به وجود می آورد. ورود علوم غربی مراکز آکادمیک و دانشگاهی ما باید کاملاً برنامه ریزی شده باشد. علومی را که کاربرد و ضرورت ندارد، نباید بی هدف وارد

کنیم و علومی هم که وارد می شود، نباید سطحی و بدون کارآیی باشند. از سوی دیگر، کسانی که در حوزه علوم انسانی وارد می شوند، باید به طور عمیق به لایه های معرفتی و فرهنگ بومی آشنا باشند تا با ورود در این عرصه ها منفعل نباشند و فعالانه گفت‌وگو کنند. اگر ما بر روی تعدادی اندک سرمایه گذاری جدی کنیم تا در حوزه های علوم انسانی عمق بگیرند و رشد کنند، کار سازتر است.

سوگمندانه باید گفت نیروهای انسانی ما در عرصه های علمی، هرگز با علوم بومی خود که هویت فرهنگی بیشتری دارد، آشنا نمی شوند. یکی از مشکلات موجود در دو سده اخیر این است که علوم فرهنگی و بومی ما به علوم غیررسمی تنزل یافته و سازمان های رسمی علم با الگو گرفتن متن از غرب در حاشیه علوم مدرن شکل گرفتند. به همین دلیل، هیچ تعاملی بین دو حوزه علوم بومی و علوم مدرن واقع نشد. علوم پزشکی ما نیز هیچ گفت‌وگویی با نسل بعد نداشته و در حد یک نسل بیشتر دوام نداشت. برخی از علوم مثل فلسفه و عرفان که بسیار حیاتی هم هستند به صورت محدود خارج از سازمان های رسمی علم باقی ماندند. باید بتوانیم با یک جهت گیری برنامه ریزی شده نسلی را به‌طور عمیق و ریشه دار در علوم فرهنگی خود پرورش دهیم و وارد عرصه های علوم مدرن کنیم.

البته ناگفته پیداست که نمی توان انتظار داشت در سال نوآوری و شکوفایی همه این هدف ها محقق شود، بلکه باید زمینه‌ها و راهبردهای لازم برای دست یابی به این مهم را جامه عمل پوشاند. باید جوانان نخست با فرهنگ خود آشنایی عمیق بیابند و عمق و علقه لازم را بگیرند و آن گاه به سوی علوم غربی سوق داده شوند. باید درس فلسفه علم و جامعه‌شناسی علم اجباری شود، به ویژه برای رشته های علوم پایه، تا

جوانـان مـاهیت علوم و فن آوری را خوب درک کننـد. مـا بایـد ویژگی های فرهنگی، تاریخی، هویت ایرانی و زیست جهانی خود را به درستی درک کنیم. دانشـجویان مـا به خـاطر فضای پوزیتویستی دانشـگاه ها و عقلانیت فردی حاکم بر دانشـگاه که پشـتوانه این نگـاه پوزیتیویستی است. کم کم از باورهـای عمیق و متـافیزیکی جـدا می شونـد. بنـابراین، بایـد با نگاه صـدرایی پیش‌فرض های متافیزیکی خوبی در اختیار دانشـجویان قرار داد ما باید با توجه به آموزه های دینی خود، فلسـفه تعلیم و تربیت خویش را دنبال کنیم. آموزه های دینی می تواننـد در مقام فلسـفه تعلیم و تربیت نقش آفرینی کننـد. در کنار این نگاه، باید به عوامل پیشـرفت و افول علمی و تمدنی خود توجه کنیم و شـرایط نرم‌افزاری آنجا را بشناسیم و ببینیم که معرفت شناسی عالمانه آن زمـان قطعاً معرفت شناسـی تجربه گرا و حس گرا و ماتریالیستی نبوده، بلکه با یک معرفت هماهنگ، جهان را به‌سان یک کـل می دیـد و برای جهان، مبـدأ و غایتی قائل بود و به ضـرورت ها و ملزومات این نوع نگاه نیز توجه داشت و تنها به فعالیت های عرفانی و فلسفی نمی پرداخت، بلکه تجربه و آزمایش می کرد البته به نتایجی هم می رسید.

نکتـه مهـم دیگر اینکـه برای رسـیدن بـه هـدف، نخسـت بایـد مـدرسان و اسـتادی تربیـت شونـد کـه خودشـان «پوپرسـیم» یا «پوزیتوسیم» را تبلیغ نکنند. همچنین درست است که تولید دانش و سرایت یافتن آن زمان و مکان نمی شناسد، ولی این دانش اشـاعه ای را نمی تـوان تنهـا دانش دانست و به عنوان عـام به آن نگـاه کرد. علومی که امروزه در مراکز علمی مـا تـدریس می شـود، عموماً مبنـای پوزیتوسـیتی و «سـانتیستی» دارد. این مبنـا به طـور دقیق از جنبه هـای تئولوژی، آنتولوژی، اپیسـتمولوژی و مانندآن، مخالف با مبانی فرهنگی، تمدنی و فلسفی ماست.

پس چگونه می توان از دل این دانشگاه ها، علم بومی تولید کرد. بنابراین، باید درباره معرفت‌شناسی اسلامی و آنتولوژی اسلامی و هستی‌شناسی اسلامی کار کنیم. مبنایی که این سیستم بر آن قرار گرفته، با ذات فرهنگی و دینی ما در تقابل است و این تقابل هم، ذاتی است نه عرضی. پس بهتر است نخست معرفت‌شناسی اسلامی رشد و گسترش یابد بعد از راه این معرفت‌شناسی به روش‌شناسی اسلامی دست یابیم، پس از راه روش شناسی اسلامی می توانیم به علم عمومی و فرهنگ ایرانی ــ اسلامی برسیم و این کار، اصولی تر و زیربنایی تر از کار خاصی روی فلسفه علم یا جامعه شناسی است. آثار آن ریشه ای خواهد بود، در آن صورت، درمی یابیم که دانش غربی، یگانه دانش نیست و شاخص های آن، تنها راهبرد دست یابی به دانش مطلق نیست، بلکه علوم اسلامی هم از جهت محتوایی و هم روشی، بسیار غنی تر و متعالی تر از دانش وارداتی است. البته این مهم باید تدریجی انجام شود. باید عزم جدی و ملی در این زمینه صورت گیرد. البته امروزه بعضی از فیلسوفان و ریاضی‌دان ها و فیزیک دان های غرب نیز به خطایی که درباره جزءنگری و فراموش کردن بعضی از جنبه های انسانی و فدا کردن هستی‌شناسی مرتکب شده اند رسیده اند.

و) تولید نکردن علم متناسب با نیازها

و) تولید نکردن علم متناسب با نیازها

در دانشگاه ها و مدارس ما، آنچه بیشتر بدان توجه می شود، حفظ کردن و افزودن اطلاعات است، نه خلاقیت و نوآوری، محور دانشگاه های ما بر جمع آوری اطلاعات است، نه تحلیل و فهم اطلاعات. ما موقتی و موضعی عمل می کنیم و برای دانش مان در همه رشته ها و فن‌آوری برنامه کلانی نداریم. متأسفانه هر روز در پی دانش های سطحی و وارداتی برمی‌آییم. یک روز نَنُوتکنولوژی، روزی اینفورمیشن تکنولوژی آی تی مد می شود و همه می خواهند در آن مشغول شوند، در حالی‌که همراه با

برنامه ریزی منظم و در جهت تأمین نیازهای ملی ما نیست. ما فن‌آوری مونتاژی زیادی وارد می‌کنیم.

آنچه از نظر علمی در این سال های اخیر در کشور ما مطرح است، تعداد مقاله هایی است که به چاپ رسیده، به خصوص در مجله های خارجی. بنا بر آمار، تعداد این مقاله ها در سال جاری در مقایسه با سال گذشته ۴۰ درصد افزایش داشته است. ولی آیا واقعاً علم ما هم ۴۰ درصد نسبت به سال گذشته پیشرفت داشته است؟ البته اگر ما در جریان علم روز باشیم و مقاله تولید کنیم خوب است، ولی توجه نداریم علمی که تولید می کنیم چه نیازهایی را برطرف می‌کند! باید توجه داشت برنامه ریزی ها و تولید علم ما باید با توجه به اولویت ها و نیازها باشد. همچنین باید به فکر خودکفایی علمی باشیم. برای مثال وقتی ما در تولید نیروهای هسته ای می توانیم میله های اورانیوم تولید کنیم، نباید متکی به واردات باشیم. باید با اصلاح مدیریت ها و برنامه ریزی ها افرادی را که استعداد عظیمی دارند و به کارهای حقیر مشغولند، بازیابی کنیم و به کار اصلی خود مشغول سازیم. حال آنکه در علوم انسانی صرف نظر از رشته‌های فقه، فلسفه، عرفان و چند رشته دیگر که بومی هستند، دیگر رشته ها وارداتی اند و در علوم انسانی به یک خانه‌تکانی اساسی نیاز داریم، یعنی چیزهایی را که از غرب به ما رسیده باید در بوته نقد و بررسی قراردهیم؛ اگر حق است آن را بپذیریم و با سخن حق جدل نکنیم و اگر نادرست است، با استدلال آن را رد نکنیم. باید بدانیم که بشر با زمین و بر زمین زندگی می‌کند، ولی بی آسمان نمی تواند در این زمینه به سر ببرد. زیر آسمان و در سایه آن بر روی زمین زیست می کند و شأن و ساحت هر دو را به دیده می گیرد، ما هر دو جهان را داریم، هم جهان معنا و هم ماده، هم دنیا و هم آخرت، هم شهادت و هم غیب را و نمی توان هیچ‌کدام

را نادیـده گرفت. برای داشـتن کشور علمی ـ تکنیکی باید همواره به یک نکته بسـیار توجه کنیم و آن اینکه بدانیم ما از کجا آمـده ایم و به کجا خواهیم رفت و اینك به چه کاری می پردازیم. اگر بنیه معرفتی پشت نهضت تولیـد علم باشـد، جهان را به گونه ای دیگر خواهیم دید و علم و تکنیك را هم.

ز) دیگر موانع تولید علم

ز) دیگر موانع تولید علم

ما با چشـمه های خشك معرفتی روبه رو نیستیم. به خلاف بعضـی از مکتب های فکری که چشـمه هایشان خشك است وحتی نوابغ هم نتوانسـتند از آن آب اسـتخراج کنند، ما با مشـکلات دیگری همچون مشـکل سازمان دهی و مدیریت تحقیق، مشـکل درك درست موقعیت روبه رو هستیم که در ظاهر مشـکلات جانبی‌انـد، ولی در واقع مهـم و اساسـی انـد. ما صدها هزار نیروی فکری در حوزه و دانشـگاه داریم، منتها مشـکل ما این است که سازمان‌دهی نمی شونـد، کانال‌کشـی نشده ایم و این دو حوزه مهم علمی به هم متصل نشـده‌انـد. همچنین بحث های تولید علم، نظریه پردازی، مناظره و حلقه‌های نقد شـکل نگرفته است. ما برای صــدور انقلاـب و تعمیـق انقلاـب علمی مـان، بـه فکر کردن نیـاز داریـم. اگر انــدیشه نـورزیم و اگر در عرصـه اقتصـاد، سیـاست،حقوق، هنر و فرهنـگ نظریه دینی تولیـد نکنیم، ناتمـام می مانیم. همیشه تغییرات از راه نظامی و سیاسـی صورت نمی گیرد، بلکه کودتاهای بی صدا نیز داریم که کسی متوجه تغییر رژیم فرهنگی نمی شود؛ یعنی رژیم سیاسی سر جایش می‌ماند، ولی رژیم فرهنگی و اقتصـادی کاملاًـ عـوض می شـود. ازاین‌رو، نهضت نرم‌افزاری بسـیار مهم است و این پروژه چنـدین سـال است که شـروع شده است. با این حال، امسال رهبر فرزانه انقلاب با عنوان نوآوری، خواسـتار سـرعت بخشیدن به روند اجرایی آن شده و از حوزه و دانشگاه خواسته است در

ساحت های اقتصاد، حقوق و سیاست و فرهنگ، نرم‌افزار دینی تولید کنند و این درخواست، قهرمانان خاص خود را در سنگر حوزه و دانشگاه می خواهد. آنان باید سامان دهی شوند و گره اصلی را که در علوم انسانی نهفته است باز کنیم. ما به تعدادی نابغه اصول گرا در رشته های مختلف علوم انسانی نیاز داریم. هنر ما باید این باشد که علوم انسانی غرب را که متفکرانش گاهی سر و ته می ایستند و وارونه به انسان نگاه می کنند، تغییر دهیم.

البته باید بدانیم که نواندیشی این نیست که ما قرآن و سنت را به تأویل فلسفه های شرق و غرب ببریم یا به تعطیل تفکر و تکرار امور مطرح شده و کلیشه‌سازی بپردازیم. باید طرحی نو در افکنیم و نخست ضعف هایمان را با سازمان‌دهی دوباره، برطرف کنیم. ما مثل ماشینی هستیم که هر عضوش به یک سمت می روند. پس با این ماشین نمی توان به جایی رسید. مشکل ما این است که مدیریت آموزشی ــ پژوهشی ما در دانشگاه و حوزه به ترمیم و بازسازی نیاز دارد. البته انگیزه و منابع این کار فراهم است، ولی هماهنگی و سازمان دهی نشده است. بر این اساس، اصول گرایی به معنای تعطیل پژوهش و اندیشه و درجازدن و تکرار امور از پیش اجرا شده نیست. در حوزه ها نباید تنها به طرح نظریه اندیش‌ورزان و رد آنها از سوی دیگران همت گماشت، بلکه در دانشگاه ها نیز باید به تولیدات ما با مبانی و روش های خودمان نزدیک شویم. اجتهاد و تولید علم دینی، یعنی اینکه مشکلات و موقعیت بشر و مسائل امروز را درست بشناسیم و از مبانی خود برای مشکلات و سؤال های جدید پاسخ بگیریم، نه پاسخ مشکلات دیروز را تکرار کنیم و نه پاسخ دیگران را به مشکلات امروز ترجمه لفظ به لفظ کنیم.

یکی دیگر از موانع، خودباختگی و غیرپرستی و شیفتگی در برابر نظریه‌ها و دیدگاه‌های غیرخودی است که به یک بیماری و آسیب و یک مانع فرهنگی

درونی تبـدیل شـده است و هر آنچه را از بیرون فرا می‌رسد، علمی و هر تحقیقی که به متون غیرفارسـی و گاه غیرعربی ارجاع داشته باشد، علمی می‌پنداریم. شما اگر حتی بهترین مطلب را ارائه کرده باشید، ولی ارجاع انگلیسی نداشته باشد، علمی نیست و این یک آفت و مشکل است، یعنی اینکه اگر خود شما تولید کردید ارزش ندارد، ولی اگر تولیدات دیگران را وام گرفتید و عرضه کردید، این کار ارزش دارد و علمی است.

مانع دیگر، نبود اعتمادبه‌نفس در افق ملی و نیز در همه افراد جامعه است.

همچنین، اسـطوره شـدن نوابع و این توهم که فقـط نـابغه نوآور است، مانعی در این باره به شـمار می‌رود. همه نابغه‌انـد و باید نبوغ آنها کشف شود. ما دو شخصـیت بزرگ متفکر و مولد علم در عصـر خودمان داریم، شـهید صدر و شـهید مطهری. شهید صدر نابغه است، ولی شهید مطهری نابغه نیست. با این حال تولید شهید مطهری بیش از شهید صدر است. شهید صدر به استناد نبوغش متفاوت حرف می‌زنـد؛ ولی شـهید مطهری غنی‌تر حرف می‌زد. پس این تصور که حتماً کسـی باید نابغه باشد تا تولید علم کند، مانع بزرگی است و پیشاپیش، افراد را از کار باز می‌دارد.

مانع بعـدی، حجابِ «هم‌عصـر» بودن است. تا کسـی زنـده است به او توجه نمی‌شود، چون معاصـر است. برای فردی که از دنیا رفت، بنیاد تأسیس می‌کنیم و هر چه با او فاصله می‌گیریم، تازه می‌فهمیم که چه کسی است.

از دیگر موانع، سنت‌زدگی، کهنه‌گرایی و میراث‌پرستی است. ضمن اینکه باید به میراث علمی خود پای‌بند باشیم. گرچه افراط در آن هم مانع است و البته هر آنچه داریم مقدس نیست.

همچنین، شخصـیت‌زدگی و پیرپرسـتی نیز از موانـع اساسـی توسـعه علم و نوآوری است. جوان‌هـا گـاهی حرف‌هـای دقیق‌تری می‌گویند و گاهی بعضی جوان‌ها حرف دارند، باید حرف‌های آنها را شنید.

مانع بعدی، فقر سنت و نقد و تبادل آراست.

مانع آخرهم، فراموش کردن رسم تکریم و از بین بردن روح قدرشناسی از صاحب‌نظر است که گاه به اندازه یک فوتبالیست نیز یک مبتکر قدر و جایگاه ندارد.

۲. راه‌کارهای عملیاتی کردن تولید علم

اشاره

۲. راه‌کارهای عملیاتی کردن تولید علم

تولید علم و نظریه‌پردازی، یکی از مهم‌ترین گزینه‌ها برای خروج کشور از انفعال و به دست‌گیری ابتکار عمل است. کشور ما شایستگی دست‌یابی به درجات عالی تولید علمی و فن‌آوری را دارد، مشروط به اینکه به جای توقف بر روی شعار، به سوی عملیاتی کردن این آرمان بزرگ حرکت کنیم. حال ده گام زیر برای عملیاتی شدن این مهم پیشنهاد می‌شود:

الف) شناخت ظرفیت‌ها

الف) شناخت ظرفیت‌ها

نخست باید دارایی‌ها و استعدادهای بالقوه و بالفعل کشور برای تولید علم به دقت مطالعه شود؛ زیرا هر گونه برنامه‌ریزی بدون توجه به این امر، اجرای برنامه را با ناکامی روبه‌رو خواهد ساخت. افزون بر این، شناخت ظرفیت‌ها راه پیشرفت و توسعه آن در عرصه‌های مهم را روشن می‌کند.

ب) آگاهی از نیازها

ب) آگاهی از نیازها

اینکه کشور ما برای دست‌یابی به نقطه مطلوب نیازمند چه دست آوردهایی است، موضوع مهمی است که در عمل، جریان تولید علم را با واقع‌بینی روبه‌رو خواهد کرد. در حال حاضر، برخی از نیازهای علمی و فن‌آورانه کشور، ما را در عرصه بین‌الملل با انفعال و ضعف روبه‌رو کرده که لازم است پاسخ‌گویی به آنها در اولویت قرار گیرد.

ج) شناسایی رقیب و رصد تولیدات جهانی

ج) شناسایی رقیب و رصد تولیدات جهانی

رقبـای علمی مـا چه کسانی هسـتند یا می‌تواننـد باشـند؟ این پرسشـی است که البته درباره رشـته‌های مختلف علمی پاسـخ‌های متفاوت دارد. شناسایی

وضع، عملکرد و برنامه‌های آینده رقیب نیز موضوع مهمی است که پس از پاسخ‌گویی به پرسش نخست دنبال خواهد شد. همچنین، رصد تولیدات علمی جهان از راه‌های شایسته، موجب می‌شود تا از هر نوع دوباره‌کاری و حرکت‌های بی‌ثمر جلوگیری شود و سطح آموزش و پژوهش را توسعه دهد.

د) اولویت‌گذاری

د) اولویت‌گذاری

در چه عرصه‌هایی باید تولید علمی صورت گیرد؟ آیا لازم است پتانسیل کشور را برای تولید علمی در تمامی رشته‌ها مصرف کنیم؟ پاسخ به این پرسش نیازمند هشیاری مضاعف است. با شناخت ظرفیت‌ها، نیازها و وضع رقیب روشن خواهد شد که لازم است ظرفیت و سرمایه کشور را در چند عرصه مهم و ضروری متمرکز کنیم و با ایجاد یک برنامه زمان‌بندی شده خود را به بالاترین سطح ممکن برسانیم.

هـ) تقسیم کار

هـ) تقسیم کار

پس از اولویت‌گذاری، باید میان دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور تقسیم کار شود. تداخل، موازی‌کاری و ناهماهنگی برای جریان تولید علم، آفت بزرگی به شمار می‌رود. البته باید به گونه‌ای تقسیم کار شود که هر دستگاه و مرکز، مأموریتی کاملاً مشخص را بر عهده داشته باشد و به تدریج، با آن مأموریت شناخته شود.

و) ارتباط کشور با پژوهش

و) ارتباط کشور با پژوهش

بودجه و امکانات پژوهش در کشور باید هر سال افزایش یابد. اگر پژوهش به صورت طبیعی به همه عرصه‌های تولید و مدیریت مرتبط شود، خود به خود امکانات آن نیز رشد خواهد یافت. باید به گونه‌ای حرکت کرد که کشور، خود را واقعاً محتاج پژوهش و بهای آن را بپردازد.

ز) هماهنگی آموزش با پژوهش

ز) هماهنگی آموزش با پژوهش

آموزش عالی کشور باید محقق‌پرور باشد. صدور چند هزار فارغ‌التحصیل که پس از اخذ مدرک، به توانایی پژوهش نرسیده‌اند یاحاضر به فعالیت پژوهشی نیستند، به راستی هدر دادن سرمایه ملی است. باید تمامی دانشگاه های ما متناسب با اولویت های تولید علم، به جذب استعدادها و پرورش آنها مبادرت کنند. بدیهی است برای تحقق این مهم، غنی‌سازی و بهینه کردن محتوا و روش های آموزشی، اهمیتی بسیار دارد.

ح) ارتباط با مخازن بزرگ اطلاعاتی

ح) ارتباط با مخازن بزرگ اطلاعاتی

برای رونق یافتن تولیدعلم، باید به آسان ترین راه ممکن، منابع و ابزارهای پژوهش در اختیار پژوهش‌گران قرار گیرد. در حال حاضر، منابع و ابزارهای موجود پاسخ گوی نیازهای پژوهش‌گران نیست و کیفیت را با ضعف جدی روبه رو ساخته است. باید توجه داشت کتاب خانه تخصصی و پایگاه های اطلاع رسانی و آزمایشگاه ها، قلب یک مرکز پژوهشی به شمار می روند.

ط) رهبری پژوهش

ط) رهبری پژوهش

پژوهش در کشور ما نیازمند یک رهبر مقتدر و فهیم است تا در قالب یک برنامه جامع ملی، پژوهش کشور را با اشراف کامل هدایت و حمایت کند. در حال حاضر مشخص نیست سرپرست واقعی پژوهش کشور کیست و از چه دستگاهی باید انتظار برنامه ریزی جامع و ملی را داشت.

ی) جذب و نگه داری نخبگان

ی) جذب و نگه داری نخبگان

هیچ گاه فکر کرده ایم فرار مغزها چه عوامل کم ارزشی دارد؟ ۱. رعایت احترام و شأن نخبگان؛ ۲. تأمین نیازهای معیشتی آنان؛ ۳. تأمین بودجه و امکانات پژوهشی؛ ۴. حراست از دست آوردهای علمی آنان از سرقت، چهار راه ساده برای جذب و حفظ نخبگان کشور است.

بخش سوم: نوآوری و تولید علم از دیدگاه امام رحمه الله و رهبری

اشاره

بخش سوم: نوآوری و تولید علم از دیدگاه امام رحمه الله و رهبری

زیر فصل ها

درآمد

درآمد

اینک پس از گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی، جامعه فرهیخته کشور در پی دعوت رهبر فرزانه انقلاب با ظرفیت جدیدی در عرصه تولید علم و نوآوری روبه روست و این باور تقویت شده است که وارثان دو تمدن اسلامی و ایرانی می توانند انقلابی دیگر، ولی این بار در عرصه فرهنگ و دانش بیافرینند. بر همه آشکار است که این توان مندی در نخبگان حوزوی، دانشگاهی، نظام اجرایی و آحاد مردم وجود دارد، ولی سازمان دهی این ظرفیت ها نقطه آغاز این حرکت عظیم علمی خواهد بود. رهبر معظم انقلاب در طلیعه سال جدید فرمود:

ما نمی توانیم آرام و معمولی حرکت کنیم، بلکه باید با تلاشی مضاعف جدی تر و با نهایت شتاب، ولی حساب شده و منظم و منضبط به جلو برویم و در عرصه داخلی و همچنین عرصه پیچیده بین المللی از تمام ظرفیت ها برای دست یابی به پیشرفت های بزرگ استفاده کنیم.

انسان به عنوان نماینده خدا بر روی زمین، سرشار از استعدادها و توانایی است. این انسان قادر است کائنات را به اراده خود درآورد و در جهت ساختن و اصلاح جامعه ای پویا و موفق به کار گیرد. خلاقیت و نوآوری، سبب بروز افکار بزرگ در انسان می شود، ولی معمولاً سخت ترین مرحله، نقطه شروع است. افکار بزرگ ما را به سمت پیشرفت راهنمایی

می کنـد و فردایی روشن را برایمـان به ارمغـان می آورنـد. همچنین رسـیدن به خودشـکوفایی اگرچه امری نـاممکن نیست، به آسانی نیز امکان پذیر نیست. خلاقیت، موهبتی است که در تمام انسان ها بالقوه موجود است. با این حال، ظهور و گسترش آن نیازمند شرایط مناسب است.

اساساً نهضت علمی و تولید علم و نوآوری در مجموعه علوم، با حوزه مدیریت نظام اسلامی مرتبط است. ازاین رو، اندیشوران و صـاحب نظران در هر سه محور «حوزه، دانشـگاه و حـاکمیت» مخاطبـان اصـلی حضـرت امـام رحمه الله و مقـام معظم رهبری هستند.

فصل اول: تولید علم از دیدگاه امام رحمه الله

اشاره

فصل اول: تولید علم از دیدگاه امام رحمه الله

زیر فصل ها

۱. عرصه های نوآوری

۱. عرصه های نوآوری

درک شایسته حضرت امام از خلأ موجود در حوزه معرفت شناسی، نرم افزار و سخت افزار جامعه، بیان گر نگاه ژرف ایشان به ضرورت یک خیزش بزرگ است و دعوت از دیگران به توجه عمیق در موضوع های نوآمد، استنباط احکام اجتماعی، ارتباط موضوع ها با یکدیگر و تأثیر و تأثّر آنها، تغییر شرایط زمان و مکان، لزوم شناخت شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه، لزوم خودکفایی و رشد صنایع و ایجاد افق های جدید در معرفت دینی، علمی و صنایع؛ حاکی از توجه به هدف این حرکت علمی است. امام راحل بارها درباره تغییر شیوه های رایج در اداره و پیدایش صورت مسئله های نو و لزوم احکام جدید، می فرمود: «چه‌بسا شیوه های رایج اداره امور مردم، در سال های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند».(۲)

حضرت امام رحمه الله با گوشزد کردن ضرورت بسط معارف الهی در زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و توجه به امور مختلف جامعه، خواستار تلفیق دو فرهنگ حوزه و دانشگاه شده و فرمود:

۱-

۲- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۹۲.

فرهنگ دانشگاه ها و مراکزغیرحوزوی به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیت ها بیشتر عادت کرده است تا فرهنگ نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله ها، حوزه و دانشگاه در هم ذوب شوند تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع تر گردد.(۱)

احیای تمدن الهی، راهی جز وحدت واقعی حوزه و دانشگاه به عنوان دو بال نظام کارشناسی و تصمیم سازی کشور ندارد. این دو باید الگوهای برگرفته از وحی را تولید و جای گزین الگوهای رایج وارداتی در زمینه های اقتصادی و غیر آن کنند. ایشان در رهنمودی می فرماید:

این به عهده علمای اسلام و محققین وکارشناسان اسلامی است که برای جای گزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرح ها و برنامه های سازنده و در برگیرنده منافع محرومین و پا برهنه ها را ارائه دهند.(۲)

بی شک تا وحدت مبنایی در سه بعد علوم وحیانی، دانش های تجربی و برنامه های اجرایی صورت نگیرد، تغییر هیچ الگویی در عرصه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی امکان پذیر نخواهد بود.

امام راحل در باب دست یابی به فن آوری های جدید و پیشی گرفتن در همه رشته های علمی با به کارگیری ابتکار و اعتماد به نفس می فرماید:

مخترعین ما می توانند در سطح بالا اختراع بکنند. مبتکرین ما می توانند در سطح بالا ابتکار کنند، به شرط اینکه اعتماد به نفس خودشان را داشته باشند.(۳)

همچنین در کلامی دیگر فرمود:

ما باید روحیه خود را تقویت کرده و با تمام وجود این را بپذیریم که می توانیم روی پای خودمان بایستیم. این خیلی مهم است که متخصصین ما اتکا به تخصص خود کرده اند.(۴)

۱- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۹.

۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۳۴۰.

۳- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۸۹.

۴- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۱۳.

۲. مخاطبان اصلی تولید علم و نوآوری

۲. مخاطبان اصلی تولید علم و نوآوری

حوزه و دانشگاه به عنوان دو نهادی که بار اصلی تولید اطلاعات مورد نیاز جامعه بر دوش آنهاست و عهده دار تولید معارف و علوم لازم برای سرپرستی جامعه اند، در واقع مخاطب اصلی در عمل کردن این حرکت به شمار می روند.

طرح بحث نهضت علمی و فرهنگی و نوآوری، در حقیقت ورود به عرصه فرهنگ سازی و تسلیم نشدن در مقابل الگوهای وارداتی غرب است و بیانگر اراده جدی برای بسیج ظرفیت های موجود جامعه حول این محور و پاسخ گویی به نیازها و قطع وابستگی و خروج از انفعال و رسیدن پویایی در این زمینه است. طبیعی است در افق جدید، انتظار از فقه، ایجاد مسائل و موضوع هایی خواهد بود که بتواند جامعه را دچار دگرگونی کند و به سوی بندگی و رشد ایمان هدایت کند و نبض مدیریت تکامل اجتماعی را بر عهده گیرد. ازاین رو، رهبر انقلاب می فرماید:

کوشش کنید آقایان در تهذیب نفس، در تحکیم مبادی اسلام، در تحکیم فقه اسلام، در بسط فقه اسلام، این فقه غنی، در عالم مثل فقه شما چیزی نیست. این فقه غنی را بسطش دهید.(۱)

در واقع حضور فقه و اجتهاد در این افق تازه، قرارگرفتن دین در موضع سرپرستی اجتماعی، فهم جدید از متون توسعه معارف دینی، نیازمند روش های متناسب با خود است. موضوع ها و شرایط اجتماعی همواره در حال تحول است و بدیهی است که بدون شناخت روابط پیچیده حاکم بر موضوع های اجتماعی، امکان صدق و سازگاری عنوان های احکام بر نمونه ها فراهم نمی شود. به عبارت دیگر، شناخت تأثیر متقابل موضع های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در یکدیگر، یکی از

۱- صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۸۹.

مهم ترین ضرورت های مطرح شده در حوزه استنباط حکم از سوی فقهاست. امام راحل در رهنمودی می فرماید:

اما در مورد روش تحصیل و تحقیق حوزه ها، اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است، ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست. زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام، ممکن است حکم جدیدی پیدا کند. بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می طلبد.(۱)

اصولاً کسی که متوجه روابط و پیچیدگی های حکومت و جامعه و تغییر روش های حکومت داری در جهان امروز و ایجاد هزاران مسئله جدید و خلأ نظری را در این زمینه احساس نکند، نمی تواند دیدگاه حضرت امام رحمه الله را به خوبی درک کند. «حوزه ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه های رایج اداره امور مردم در سال های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کنند. علمای بزرگوار اسلام از هم‌اکنون باید برای این موضوع فکری کنند».(۲)

حضرت امام رحمه الله دانشگاه را نیز همانند حوزه خطاب قرار می دهد. ایشان در رویارویی با مشکلات و خلأها و نیازمندی های فعلی و آینده اجتماعی، پاسخ گویی به آنها را از این نهاد فرهنگ ساز خواسته اند. ایشان

۱- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۸۹.

۲- صحیفه نور، ج ۲۱،ص ۴۴۸.

در این باره، به مسائلی همچون اسلامی شدن دانشگاه،(۱) لزوم دگرگونی های درست و بنیادی در دانشگاه،(۲) کنار گذاشتن نیروهای غرب زده،(۳) تلاش برای نفی وابستگی در زمینه های مختلف،(۴) تهذیب علم و مهار آن با معنویت،(۵) تولید علم و خودکفایی در علوم،(۶) تولید و آموزش علم متناسب با نیازمندی های جامعه خود،(۷) تربیت نیروهای متخصص و متعهد،(۸) توسعه معنویت(۹) و برنامه ریزی برای اداره نظام از راه تعامل با حوزه اشاره می کند.

۳. تولید علم در خدمت جامعه و گریز از وابستگی

۳. تولید علم در خدمت جامعه و گریز از وابستگی

یکی از شاخصه های مطلوبیت علم در دیدگاه حضرت امام رحمه الله، سودمندی علم برای جامعه است. علمی که گرهی از مشکلات جامعه را نگشاید و در خدمت اسلام و کشور نباشد، بلکه در جهت منافع بیگانگان باشد، نمی تواند علم سودمند خوانده شود. به فرموده امام راحل رحمه الله:

اسلام در رأس ادیانی است که از علم و تخصص تمجید و مردم را دعوت کرده است. حتی دعوت کرده است که هر جا یافتید علم را، از هر کافری یافتید، آن را بگیرید، اما باید بگیرید و در خدمت اسلام و کشور باشد، نه علم را بگیرید و بر ضد کشور خودتان استعمال کنید.(۱۰)

اصولاً روحیه مصرف گرایی سبب می شود که جامعه برای رفع نیازهای خود چشم به الگوهای وارداتی غرب داشته باشد، در حالی که آن

۱- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۳۳۹.

۲- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۸۱.

۳- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۸۲.

۴- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۷۹.

۵- صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۳۵.

۶- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۴۳۵.

۷- صحیفه نور، ۱۲، ص ۳۴۱.

۸- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۴۳۶.

۹- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۴۸.

۱۰- صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۰۸.

الگوها بر اساس نظام نیازمندی های متفاوت و بر پایه فرهنگ، بینش و جهان بینی خاصی جوامع مادی تولید شده اند. و با نظام نیازها و ارزش های ما سنخیتی ندارند. ازاین رو، حضرت امام رحمه الله با درک این احساس خطربخش فعال فکری جامعه را به تلاش در جهت خودکفایی دعوت می کند و خطاب به آنان می فرماید:

باید کوشش در راه علم و به دست آوردن تخصص در رشته های مختلف، اساس فعالیت جوانان دانشجوی عزیز ما باشدکه نیازمندی های میهن به دست خود آنها برآورده و کشور ما با کوشش شما خودکفا می شود. مع الأسف در دوران های گذشته اساس بر آن بود که ما را در هر چیز وابسته کنند و با ملت ما آن کنند که دستش برای هر چیز پیش دیگران دراز باشد. شما عزیزان کوشش کنید که از این وابستگی بیرون آیید و احتیاجات کشور خودتان را برآورید و از نیروی انسانی وایمانی خودتان غافل نباشید و از اتکا به اجانب بپرهیزید و استقلال خود را در تمام ابعاد بیمه کنید.(۱)

۴. راه‌کارهای بلندمدت در تولید علم و نوآوری۱

اشاره

۴. راه‌کارهای بلندمدت در تولید علم و نوآوری(۲)

برای تأسیس یک بنای علمی فقط شناخت موانع کافی نیست، بلکه باید راه‌های برون رفت از مشکلات را هم شناخت، در این باره شایسته است به موارد زیر توجه شود:

الف) آشناسازی جامعه با جلوه‌های مختلف فرهنگ بیگانه

الف) آشناسازی جامعه با جلوه‌های مختلف فرهنگ بیگانه

جامعه اسلامی تا هنگامی که با جنبه‌های مخرب الگوهای زندگی غربی و سازگار نبودن آن با زندگی ایمانی آشنایی نداشته باشد، نباید هیچ‌گونه انتظاری داشت که یک حرکت جدی و اثرگذار در عرصه تحقق نهضت علمی و نوآوری روی دهد. امام راحل می‌فرمود:

آنچه می‌توان گفت، «ام‌الامراض» است. رواج روزافزون فرهنگ اجنبی استعماری است که در سال‌های بسی طولانی جوانان ما را با افکار مسموم

۱- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۸۰.

۲- نهضت علمی و فرهنگی از نگاه امام خمینی رحمه الله، صص ۱۶۴ _ ۱۷۰، با تلخیص و تغییر.

پرورش داده و عمال داخلی استعمار بر آن دامن زده‌اند و از یک فرهنگ فاسد استعماری جز کارمند و کارفرمای استعمار زده حاصل نمی‌شود. باید کوشش کنید مفاسد فرهنگ حاضر را بررسی کرده و به اطلاع ملت‌ها برسانید و با خواست خداوند متعال آن را عقب زده و به جای آن فرهنگ اسلامی ـ انسانی را جای‌گزین کنید تا نسل‌های آینده با روش آنکه انسان‌سازی و عدل پروری است تربیت شوند.(۱)

بدون شک، تمدن جدید غربی، ریشه در جهان‌بینی مادی دارد، این اندیشه با تحلیل کاملاً مادی از جهان، جامعه و انسان مدعی مدیریت بشر است و برنامه‌ریزی اجتماعی را بر پایه این شناخت سامان می‌دهد و هدفی جز توسعه رفاه و کشف لذت‌های ناشناخته مادی برای انسان و جامعه تعریف نمی‌کند. حضرت امام رحمه الله با شناخت از این جهت‌گیری می‌فرماید:

قانون‌های بشری انسان را به همان زندگی مادی دنیایی دعوت می‌کند و از زندگانی همیشگی ابدی غافل می‌کند و چنین قانونی برای انسان که دارای دو زندگانی است و ساز و برگ هر دو را نیازمند است، زیان‌های ناگفتنی دارد.(۲)

بدون تردید، برای شناخت این فرهنگ و جای‌گزینی فرهنگ اسلامی به جای آن، نیاز به سخت‌کوشی و تلاش فراوان است. همان‌گونه که حضرت امام رحمه الله در این‌باره نیز فرمود:

خروج از فرهنگ بدآموز غربی و نفوذ و جای‌گزین شدن فرهنگ آموزنده اسلامی ملی و انقلاب فرهنگی در تمام زمینه‌ها در سطح کشور، آنچنان محتاج تلاش و کوشش است که برای تحقق آن، سالیان دراز باید زحمت کشید و با نفوذ عمیق و ریشه‌دار غرب مبارزه کرد.(۳)

۱- صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۶۱.

۲- کشف الاسرار، ص ۳۱۲.

۳- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۱۰.

بسیاری از علوم وارداتی، با نیازها و خواسته‌های جامعه متناسب نیست؛ زیرا از یک سو نیازهای دروغین و نامناسب، هنجارهای اجتماعی پدید می‌آورد و از سوی دیگر از راه مستشاران و متخصصان خودی یا وابسته به خویش در کشور هدف، با جلوگیری از نشر علوم و اطلاعات زمینه فرار مغزها به کشورهای توسعه‌یافته را فراهم می‌آورد. تمدن غرب همواره نیازمند شناسایی، جذب و سامان‌دهی عناصر علمی از سراسر جهان برای تقویت عقبه مدنیت است. متأسفانه امروزه بخش‌های زیادی از علوم متناسب با نیازهای داخل نبوده و در عمل، با مهاجرت بخشی از نخبگان جامعه از کشور روبه‌رو هستیم. در واقع ما به جای تربیت نیروی متخصص برای جامعه خود، نیروها را برای غرب آماده می‌کنیم و آنان نخست جوامع و نخبگان آن را به وسیله علوم خود تحقیر می‌کنند تا چنین بپندارند که دانش و علم به غرب منحصر بوده و جوامع دیگر در مقابل آن، حرفی برای گفتن ندارند و البته حاصل این تحقیر، چیزی جز شکست روحی و اعلام ناتوانی فکری و فرهنگی و به دنبال آن، خشکانیدن ریشه هرگونه خلاقیت و ابتکار و استعدادهای درخشان است. باید دانست که بعد از تحقیر، نوبت به شیفتگی به فرهنگ علوم غربی می‌رسد؛ چون آنان می‌کوشند با بزرگ جلوه دادن علوم، فرهنگ غربی و تمدن مادی و به دنبال آن احساس علاقه و شیفتگی به آن است و این انحلال در سطح نخبگان، به فرار مغزها و تبدیل شدن آنان به مهره‌ها و مجریان طرح و عقاید غلط آنان در سطح عمومی به صورت تقلید تمام عیار از مظاهر فرهنگ بیگانگان و مصرف فزاینده محصولات آن ظاهر می‌شود.

ناگفته نماند که امروزه این هدف شوم، در قالب روش‌ها و ابزارهای جدید و مخفی‌تر ظاهر شده است. اگر در گذشته، استعمار غرب با

نیروهای داخلی و اعزام مستشاران این روند را دنبال می کرد، امروز این برنامه را به وسیله شبکه جهانی اطلاعات و مانند آن انجام می‌دهد و با سرازیر کردن حجم عظیم و انبوهی از اطلاعات تخصصی و آماده مصرف، افکار کارشناسان و متخصصان کشورها را با هدف‌های خود هم‌سو می کند و به کار می گیرد. البته از آنجا که ارائه اطلاعات علمی همواره به صورت جداگانه و در بخش‌های مختلف صورت می گیرد، بیشتر وقت‌ها نظام‌مندی و ارتباط خاص آنان با یکدیگر و حاکمیت یک مبنا و روش واحد بر آنها احساس نمی‌شود. در این حال، بسیاری از اندیش‌وران خودی نیز متوجه ارتباطات درونی دانش‌ها و میزان تأثیر آنان بر یکدیگر نمی‌شوند. در نتیجه، حاکم شدن اخلاق و فرهنگ خاصی به وسیله شبکه پیچیده علوم در جامعه فراموش می‌شود.

ب) شناخت و معرفی همه‌جانبه اسلام

ب) شناخت و معرفی همه‌جانبه اسلام

درگیری فکری و عملی با فرهنگ و مبانی تمدن غرب ما را متوجه مغایر بودن مبانی، هدف‌ها و راه‌کارهای علمی ارائه شده در علوم و الگوهای غربی با هدف‌ها و آرمان‌های اسلامی و انقلابی خواهد کرد و ضعف‌ها و کاستی‌های الگوی نابهنجار را در مدیریت جامعه الهی و توسعه اخلاق و معنویت آشکار می‌سازد. در نهایت، لزوم جای‌گزینی مجموعه احکام، معارف و الگوهای عملی اسلام را به جای مجموعه استعماری مشابه آشکار می کند.

این امر مسئولیت جدید را بر دوش نخبگان و فرهیختگان وفادار به اندیشه‌ها و مبانی اسلامی می گذارد. حضرت امام رحمه الله پس از شرح توطئه‌های دامنه‌دار دشمنان فرمود:

در این محیط باید به حسب فرهنگ الهی اسلامی، در مقابل این توطئه‌های دامنه‌دار استقامت کرد و از این فرصت الهی که به دست آمده، نویسندگان

متعهد و گویندگان و هنرمندان استفاده کنند و به مدد روحانیون آشنا به فقه اسلام و قرآن کریم، احکام الهی را که برای همه قرون است، با اجتهاد صحیح از قرآن کریم، سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و اخبار سرشار از معارف الهی و فقه سنتی استخراج کرد و به عالم عرضه داشت.(۱)

باید دانست که مجموعه معارف و قوانین اسلام در درون خود، ظرفیت ایجاد تحول در پاسخ‌گویی به این نیازها را دارد و می‌تواند در عرصه نیازهای فردی، اجتماعی و تنظیم سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی و تمام موضوع‌های حیاتی جامعه پاسخ‌گو باشد.

ج) برانگیختن احساس مسئولیت خواص و عوام

ج) برانگیختن احساس مسئولیت خواص و عوام

نقد مبانی تمدن غرب و شبکه علمی آنان، افشای ناکارآمدی و زیان‌های آن در جامعه اسلامی، شناخت جنبه‌های جدید اسلام و تغییر نگاه به دین از نگرش حداقلی به حداکثر؛ مستلزم صرف وقت زیاد، تلاش و دقت فراوان و حرکتی منسجم و پیوسته همراه با صرف بودجه‌های کلان و به خدمت گرفتن افراد آشنا و متخصص است. این حرکت مقدس با ایجاد احساس مسئولیت، برانگیختن حساسیت اجتماعی و تبدیل این هدف به میل و خواست همگانی امکان‌پذیر است. امام رحمه الله در توصیه‌ای می‌فرمود:

ما می‌خوانیم آن قدری که می‌توانیم البته قدرت حاکم است، آن قدری که می‌توانیم این مملکت را از آن حال طاغوتی مبدلش کنیم به یک حال توحیدی اسلامی و این باید با کمک همه باشد. یکی نمی‌تواند این کارها را بکند، یک جمعیت نمی‌تواند. هرکس در هر کاری که مشغول است، باید آن کار را خوب انجام بدهد، آن کار را الهی‌اش کند و از طاغوتی بیرونش کند.(۲)

امروز شیوه‌های حکومتی و اداره نظام اجتماعی با گذشته بسیار تغییر کرده و اداره نظام به امری جمعی با مؤلفه‌های پیچیده و گوناگون تبدیل

۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۴۴۱.

۲- صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۵۸.

شده است. دیگر این گونه نیست که امور جامعه با دستور و به وسیله تعداد افرادی اندك و بدون مشارکت به سرانجام شایسته برسد. تحقق هدف‌های «نهضت علمی و فرهنگی» و رفع موانع آن، تنها در سایه یك حرکت عظیم اجتماعی و عزم ملی همراه با احساس مسئولیت آحاد جامعه ممکن خواهد بود. در واقع ایجاد احساس مسئولیت در برابر وظایف سبب ایجاد مشارکت در تولید و نوآوری می‌شود و نخبگان و فرهیختگان را به پاسخ گویی وادار می کند تا با اتکا به مکتب غنی اسلامی، به تولید علم و نوآوری دست بزنند. حضرت امام رحمه الله سفارش می‌فرمود:

ملت ایران با داشتن مکتبی مترقی چون اسلام، دلیلی ندارد که برای پیشرفت و تعالی خود از الگوهای غربی یا کشورهای کمونیست تقلید کند...(۱) شما این مفخرهای خودتان را از یاد نبرید، روشن فکرهای ما و نویسندگان ما، نویسندگان ما و تمام طبقه عالم و روشن‌فکر توجه به مفاخر خودشان داشته باشد، این‌قدر طرف غرب سجده نکنند. کتاب بنویسند، شما مطلب خودت داری، چه کار داری فلان کس چه گفته؟(۲)

د) نهادینه سازی فرهنگ تولید

د) نهادینه سازی فرهنگ تولید

از مهم‌ترین آسیب مصرف‌زدگی و وابستگی به دست آورد غرب، سلب روحیه کار و تولید و خودکفایی است. حضرت امام رحمه الله نیز همانند رهبر فرزانه انقلاب با حساسیت فراوانی در برابر وابستگی فکری، علمی و فرهنگی، همواره جامعه را به نفی وابستگی در این ابعاد و و کسب خودکفایی دعوت می کرد و به منظور تشویق و حمایت‌های مادی و معنوی از کسانی که به ظرفیت‌های خودباور داشته‌اند، تولید علم را به

۱- صحیفه نور، ج ۴، ص ۵۰۷.

۲- صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۶۹.

شرق و غرب منحصر نمی‌داند و شجاعت مبارزه با جهل و نادانی و شهامت ورود به عرصه تولید علم و نظریه‌پردازی را در خود احساسی می کند. ایشان در سخنی می‌فرماید:

مهم‌ترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی، توسعه مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه‌جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصین است که شهامت مبارزه با جهل را دارند و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق به در آمده و نشان داده‌اند که می‌توانند کشور را روی پا خود نگه دارند. ان‌شاالله این استعدادها در پیچ و خم کوچه‌های اداره‌ها خسته و ناتوان نشوند(۱)... بر دولت‌ها و دست‌اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمک‌های مادی و معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کارهای مصرف‌ساز و خانه برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند، بسازند تا خود همه چیز را بسازند.(۲)

ایشان درباره ضرورت خودکفایی علمی دانشگاه‌ها بر پایه نیازمندی‌های جامعه اسلامی می‌فرماید:

ما می‌خواهیم یک دانشگاهی ... و ... کشوری داشته باشیم که این وابستگی مغزی ما را که مقدم بر همه وابستگی‌ها و خطرناک‌تر از همه وابستگی‌هاست، نجات دهد. ما اساتید دانشگاهی را می‌خواهیم که آن اساتید بتوانند مغزهای جوان‌های ما را مستقل بار بیاورند. غربی نباشند، شرقی نباشند، رو به غرب نایستند، آتاتورک نباشند و تقی‌زاده هم نباشند ما می‌خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم که بعد از چند سال دیگر تمام حوایج خودمان را، خودمان تحصیل کنیم.(۳)

۱- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۵۸.

۲- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۱۷.

۳- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۶۰.

ه_) فعال سازی باورها و انگیزه‌های دینی جامعه

ه_) فعال سازی باورها و انگیزه‌های دینی جامعه

موفقیت در عرصه تولید علم و انقلاب فرهنگی و تحقق هدف‌های آن، بدون تکیه بر حرکت جهادی در عرصه علمی ممکن نخواهد بود. اگر عموم مردم و نخبگان جامعه احساس کنند این حرکت، نوعی جهاد با دشمن است و آنها در نبردی فرهنگی حضور دارند که حاصل تلاش آنها نیرومند شدن نظام ولایت و توسعه این نظام در عرصه جهانی در مقابل نظام کفر است، این حرکت پرتوان‌تر و شتابنده‌تر به پیش خواهد رفت. اگر مردم دین‌دار متوجه شوند که دشمن از سنگر علم و با استفاده از معادله‌های کاربردی و الگوهای توسعه اجتماعی به مبارزه با مفاهیم قدسی و الهی پرداخته است و این حرکت به سبب دوری از معنویت و گسترش دنیاگرایی و ضعیف‌کننده دین است، بی‌گمان در این جهاد علمی و بازپس گرفتن این سنگر از دشمن لحظه‌ای درنگ نخواهند کرد و همین حرکت در نهایت، به فتح سنگرهای کلیدی در سراسر جهان منجر خواهد شد. حضرت امام راحل رحمه الله می‌فرمود:

من قبلاً ـ نیز گفته‌ام همه توطئه‌های جهان‌خواران علیه ما از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و غیره برای این بوده است که ما نگوییم اسلام جواب‌گوی جامعه است و حتماً در مسائل و اقدامات خود از آنان محور بگیریم. ما نباید غفلت بکنیم. واقعاً به سمتی حرکت نماییم که ان‌شاالله تمام رگه‌های وابستگی کشورمان از چنین دنیای متوحشی قطع شود.(۱)

ایشان با هدف تلاش برای جای‌گزینی فرهنگ تولید به جای مصرف و تکیه بر مؤلفه‌های دینی و انگیزه‌های ایمانی یادآور می‌شود:

ما در مرحله‌ای هستیم که تازه متولد شده‌ایم و من می‌گویم اگر ما گرسنه باشیم و پیاده راه برویم و منزوی باشیم و به طرف خودکفایی حرکت کنیم این بهتر از این است که وابسته و مرفه باشیم و مهم این است که اعتقاد به آن نیت و ارزش‌های اسلامی و استقلال اقتصادی پیدا کنیم.(۲)

۱- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۹۰.

۲- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۵۲۴.

فصل دوم: تولید علم و نوآوری از دیدگاه رهبری

اشاره

فصل دوم: تولید علم و نوآوری از دیدگاه رهبری

رهبر فرزانه انقلاب در بهمن ماه سال هشتاد و یک در نشستی با اهل قلم، بر تولید علم و آزاداندیشی تأکید کرد. آنچه بر ضرورت این کار می افزاید، شرایط حاکم بر جهان و منطقه است. البته تولید دانش مانند هر کار دیگری به ایجاد انگیزه کاری نیاز دارد که این مهم، باید در آحاد جامعه اسلامی رخ دهد و در این میان، سهم نخبگان در تولید علم و فن آوری بیشتر است. در زمینه تولید علم باید باور علمی به یک باور عمومی تبدیل شود. در عرصه علوم حوزوی باید با برداشت و تفسیر درست آموزه های دینی درباره علم اندوزی، زمینه را برای رشد و تولید در همه بخش های علوم دینی فراهم آوریم. وظیفه اصلی در این بخش به عهده فرهیختگان حوزوی است. پس از ایجاد زمینه هایی در تغییر نگرش کلان به علوم دینی، همت همه حوزویان نباید تنها در علوم فقهی و اصولی صرف شود، بلکه در دیگر شاخه های علوم اسلامی نیز به همان اندازه باید تلاش و تولید صورت گیرد. نیز انجمن های علمی مختلف در بخش های علوم دینی ایجاد شود و در مجامع دانشگاهی با گرایش به جهان بینی اسلامی به تولید علم دست بزنند، نه با نگرش و جهان بینی سکولار. تأکید بر مسئله اعتماد به نفس و ایمان به سیاست راهبردی «ما

می توانیم» و جلوگیری از روحیه ترجمه محور بودن جامعه علمی کشور، نهادینه سازی روحیه نقد علمی، راه انداختن سنت تضارب آرا، تأکید بر جنبه پژوهش و جای گزینی نگرش پژوهش محوری به جای آموزش محوری، هماهنگ کردن نهادهای علمی با نیازهای اصلی جامعه، می‌تواند از مهم ترین برنامه های دانشگاهیان باشد. آنچه رهبر معظم انقلاب در نامه خود به فرهیختگان حوزوی به عنوان امور ضروری نهضت علمی و جنبش نرم افزاری برشمرد، بسیار مهم و اساسی است. ایشان امور زیر را در این حرکت لازم می داند: فراهم آوردن فرصت بیشتر برای نظریه پردازی و نقد و بررسی ایده های آنان را به وسیله اهل فن در محضر وجدان علمی جامعه، ایجاد تضارب آرا و گسترش فضای انتقادی سالم، گفت وگوی آزاد و برقراری امنیت لازم برای شجاعت در نظریه پردازی، تقدیر از نظریه سازان و نوآوران و تبدیل تولید نظریه و فکر به عنوان یک ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه، تدوین قواعد و روش های علمی و معقول برای گفت وگوی علمی و نظریه سازی در چارچوب ها و محدوده های آزادی و نظریه پردازی یعنی وفاداری به اصول، التزام به منطق و روش مندی علمی، رعایت اخلاق و ادب، استفاده از آزادی، رعایت حقوق مادی و معنوی دیگران.

نکته مهم این است که اگر دنیای مادی توانست پس از چند سده تمام علوم مورد نیاز خود را جهت ساخت جامعه و تمدن مادی تولید کند و به سمت ساخت جامعه جهانی بر محور ارزش ها و مفاهیم خود پیش رود، جامعه اسلامی هم باید بتواند علوم بومی و دینی خود را تولید کند تا از حالت انفعال و تسلیم محض در برابر علوم وارداتی بیرون آید و عرصه جهانی را به تسخیر اندیشه و فرهنگ ناب اسلامی درآورد. ازهمین‌رو، نهضت نرم افزاری را باید جزو مسائل راهبردی نظام اسلامی

به شـمار آورد که هرگونه برخورد نامناسب یا سهل انگاری در خصوص آن نظام را با بحران هویت و کارآمدی در سطح ملی و بین المللی روبه رو می کنـد. بر اسـاس همین حساسـیت، مقـام معظم رهبری افزون بر مطالبه جـدی این مهم از نهادهای مولد فکر در جامعه، جنبه های مختلف این موضوع را در مجامع گوناگون فرهنگی و علمی مطرح کرد.

۱. تولید علم

۱. تولید علم

مقـام معظم رهبری معتقـد است که بـا همت عـالی و آرمانی و انـدیشه و روش نوین می توان از بن بست تقلیـد از دنیای غرب خارج شد. ایشان می فرماید:

امروز همه همت مـا این است که نه فقـط علم بلکه فرآورده های علمی و تکنولوژی و خرده تکنولوژی را از آنها یاد بگیریم و از آنها تقلیـد کنیم، این کاری نیست که یک ملت بایـد به آن همت بگمارد. البته این کارها باید بشود و چاره ای نیست. وقتی انسان چیزی را نـدارد، آن را از کسـی که دارد، می گیرد. وقتی ساخت آن را بلد نیست، از کسـی که بلد است، یاد می گیرد. در این شکی نیست، ولی باید راه نو و فکر نو و بن بست‌شکنی را وجهه همت خود قرار دهد.(۱)

همواره نیازهای خاص، اندیشـمندان جامعه را به فکر تولید یک نظریه سوق می دهد. همچنین نیازها و دانش هایی که در یک بستر فرهنگی اجتمـاعی ویژه پدیـد می آینـد، بار فرهنگی خاصـی آن جامعه را به همراه دارنـد. بنابراین، معنا نـدارد که تنها به ترجمه اکتفـا کنیم. راه کـار اصـلی، اجتهاد و تولیـد علم است. حتی بومی سازی علوم هم برای دوران گـذر خوب است. ازاین رو، رهبر معظم انقلاب می فرماید:

راه حـل واقعی این است که یـک ملت خودش باشـد، بـا مغز خودش فکر کنـد، با چشم خودش ببینـد، با اراده خودش انتخاب کند، آنچه را هم

۱- سـخنان رهبر معظم انقلاـب در دیـدار جمعی از برگزیـدگان المپیادهـای جهانی و کشوری و افراد ممتاز آزمون های ۸۰ و ۸۱، ۳/۷/۱۳۸۱.

انتخاب می کند، آن چیزی باشد که برایش مفید است، ما باید با حفظ تمدن مان با دست و بازوی خود کار کنیم و فقط ترجمه، کار منحصر ما نباشد.(۱)

این بزرگوار معتقد است اجتهاد واقعی و تولید معرفت دینی جدید و کارآمد در حوزه، نه تکرار سخنان، بزرگان و نام آوران حوزه، که کشف و طرح دیدگاه های جدید است. ازاین رو، نباید گمان کرد که معنای تولید علم در حوزه صرف یک «تألیف جدید» از مطالب گذشته، بلکه رسالتی است به منظور تولید فکر تکاملی و ناظر به نیازهای امروز سراسر عالم. به فرموده ایشان:

اگر از کلام صحبت می کنیم، فوراً ذهن به نوشتن چهار کتاب کلامی نرود. کار حوزه انتشار کتاب های بیشتر نیست، بلکه تولید فکر تکاملی است. چنانچه تولید افزایش یافت، نوبت به نشر هم می رسد. نشر، مسئله دوم است.(۲)

رهبر معظم انقلاب همواره از صاحبان فکر و اندیشه در عرصه های مختلفِ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، نوآوری و تولید علم را می خواهند. برای نمونه در پیام نوروزی ۱۳۸۷ خود، با اشاره به برخی دیدگاه ها درباره ممکن نبودن پیشرفت اقتصادی در کنار کاهش فاصله طبقاتی یادآوری کرد:

در این گونه موارد نباید نسخه های غرب به عنوان تنها راه حل تصور شوند، بلکه در چنین مسائلی تأکید بر نوآوری و استفاده از ایده ها و فکرهای نو است.

رهبر فرزانه انقلاب با نام گذاری سال ۱۳۸۷ به نام «نوآوری و شکوفایی»، انتظار دارد که در همه بخش ها به ویژه حوزه، دانشگاه و مراکز علمی و پژوهشی، از همه تجربه ها و اندیشه ها برای ابتکار، خلاقیت و نوآوری استفاده شود. ایشان بارها بر این امر تأکید کرده است:

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در اجتماع جوانان استان گیلان، ۱۲/۲/۱۳۸۰.

۲- سخنان رهبر معظم انقلاب، روزنامه کیهان، ۱۶/۹/۱۳۷۴.

فضـای عمومی کشور بـایستی فضای ترویـج، تولیـد، گسترش و تحقیق علم و پرورش عالم و محقق باشـد. وقتی فضای عمومی این طور شد، معنایش این نیست که لزوماً در همه خانه ها یا در هر نقطه ای از جامعه بایستی علم به وجود بیاید، بلکه علم لازم است در نقطه مناسب خودش به وجود بیاید.(۱)

در انـدیشه مقام معظم رهبری، ارائه الگوی زندگی در پرتو تولید علم و اندیشه بسیار ضـروری است. ازاین رو، انتظار ایشان از دانشگاه ها، ارائه راه کارهای جدید بر پایه اصول دینی است:

بایـد مغز متفکر اسـتاد و دانشـجوی مـا بسـیاری از مفـاهیم حقوقی، اجتمـاعی و سیاسـی را که شـکل و قالب غربی آنها در نظر بعضـی مثـل وحی و مُنزل است و دربـاره اش نمی شود انـدکی تشـکیک کرد، در کارگـاه هـای تحقیقاتی عظیم علوم مختلف حلاجی کنند، روی آنها سـئوال بگذارند. این جزمیت را بشـکنند و راه های تازه ای را پیدا کنند که هم خودشان استفاده کنند و هم به بشـریت پیشنهاد کنند. امروز کشور ما محتاج این است. امروز انتظار کشور ما از دانشگاه این است. دانشگاه باید بتواند یـک جنبش نرم افزاری همه جـانبه و عمیق در اختیـار این کشور و ملت بگـذارد تـا آن کسانی که اهل کار و تلاش هسـتند، با پیشـنهادها و بـا قالب ها و نوآوری های علمی خودی بتواننـد بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه مبتنی بر تفکرات و ارزش های اسلامی را بالا ببرند. امروز کشور ما از دانشگاه این را می خواهد.(۲)

۲. تولید نرم افزارهای علمی و معنوی

۲. تولید نرم افزارهای علمی و معنوی

ظهور ناکارآمـدی تمـدن مادی و یأس بشـر از این تمـدن، روند نهضت نرم افزاری را ضـرورت می بخشد. تمدن ظاهر و فریب غرب نه تنها نتوانست سعادت، رفاه و کرامت را برای بشریت به ارمغان آورد، بلکه منشأ بروز مشکلات و نابسامانی های زیادی در جنبه های مختلف روحی، ذهنی و رفتاری در جوامع غربی و شرقی شده و اینک به تمدنی رو به

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب دردیدار با جوانان نخبه، ۲۱/۱۱/۱۳۸۲.

۲- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۹/۱۲/۱۳۷۹.

زوال و ناتوان برای پاسخ گویی به نیازهای معنوی تبدیل شده است. رهبر معظم انقلاب می فرماید:

تمدن غربی بر پایه ستیز با معنویت و طرد معنویت بنا شد. این خطای بزرگ کسانی بود که تمدن و حرکت علمی و صنعتی را در اروپا شروع کردند، به علم اهمیت دادند. این خوب بود، اما با معنویت به جنگ برخاستند؛ این بد و انحراف بود. لذا این تمدن مادی و دور از معنویت هر چه پیشرفت کند، انحرافش بیشتر می شود. هم خود آنها و هم همه بشریت را با میوه های زهرآگین خود تلخ کام می کند، همچنان که تا امروز کرده است... ویران شدن کانون خانواده، سیلاب فساد جنسی و طغیان سرمایه داری افراطی، همه نتایج همان تفکیک است. قدرت های ستمگر عالم به خصوص در صد سال اخیر بر حذف معنویت و ارزش‌های والای انسانی در زندگی جوامع بشری پای فشرده اند و نتیجه آن، گسترش فسادهای اخلاقی و اعتیاد و بی بندو باری و ویرانی بنیان خانواده و نیز رشد استثمار و افزایش فاصله میان ملت های فقیر و غنی و دوری روز افزون از عدالت اجتماعی و بی اعتنایی به کرامت انسان و تولید سلاح های مرگ بار و افزایش کشتارهای دسته جمعی گردیده است. علم نیز مانند انسان، قربانی حذف معنویت و بی اعتنایی به ارزش های دینی شده است.(۱)

در شرایطی که دنیا، از تمدن بی معنویت غرب مأیوس شده، اگر نظام اسلامی بتواند الگویی جدید از حیات مبتنی بر معنویت و هدایت الهی را به بشریت تشنه امروز ارائه دهد، زمینه گرایش جهانی را فراهم می آورد. رهبر فرزانه انقلاب در کلامی دیگر می فرماید:

امروز نظام اسلامی، هویت، هدف و توانایی نظام غربی را مورد سؤال قرار داده است و برترین متفکران غربی به تدریج کسل کننده بودن نظام غربی را ابراز کنند و آن را بر زبان می آورند. بر همین اساس، تمدنی که با رنسانس آغاز شده امروز به نقطه پایانی خود نزدیک می شود. بشر امروز در پی یافتن یک جای گزین برای نظام غربی است و گرایش به سوی اسلام، در ایالت متحده امریکا، اروپا و آفریقا از همین امر ناشی می شود.(۲)

۱- رهبر معظم انقلاب، حدیث ولایت، ج ۹، صص ۷۴ و ۷۵، ۷/۱۰/۱۳۷۰.

۲- رهبر معظم انقلاب، روزنامه جمهوری اسلامی، ۳/۵/۱۳۷۴.

۳. هدف های نهضت تولید علم

۳. هدف های نهضت تولید علم

مهم ترین هدف های نهضت نرم افزاری از منظر رهبر فرزانه انقلاب، ساخت تمدن اسلامی با گستره جهانی با پرچم‌داری انقلاب اسلامی ایران، تولید و ارائه الگوی اداره اسلامی، آزاداندیشی و خارج شدن متفکران جهان اسلام از سلطه علمی و فکری جهان غرب و در نهایت، حفظ عزت اسلامی است. ایشان می فرماید:

سرنوشت حتمی، عبارت از این است که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا پرتو خود را بگستراند. خطی که نظام اسلامی ترسیم می کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است.(۱)

معظم له در سخنان دیگری می فرماید:

این کشور باید ساخته بشود. این کشور باید پیش برود. این ملت بزرگ بایست استعدادهایش شکوفا بشود، بایستی در دنیا بدرخشد و بالاخره آن تمدن عظیم اسلامی را در مقابل چشم جهانیان بگذارد و نشان بدهد... .(۲)

البته در سایه بازسازی تمدن عظیم اسلامی ما قادر خواهیم بود که به یک قدرت برتر جهانی تبدیل شویم و این مهم، در پرتو تولید علم امکان می پذیرد:

برای ایجاد یک تمدن اسلامی مانند هر تمدن دیگر، دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان. فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است، یک اقیانوس است... سیر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن، که از کتاب و سنت همه اینها استفاده می شود، کاری است که همگان باید بکنند. کاری است که در طول زمان باید انجام بگیرد. تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان، از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است.(۳)

۱- رهبر معظم انقلاب، روزنامه جمهوری اسلامی، ۳/۵/۱۳۷۴.

۲- سخنان رهبر معظم انقلاب به مناسبت عید سعید غدیر، ۲۷/۱/۱۳۷۷.

۳- سخنان رهبر معظم انقلاب در اجتماع طلاب مدرسه فیضیه، ۱۴/۷/۱۳۷۹.

هرچند پس از انقلاب اسلامی بر اساس نیاز و ضرورت بعضی از الگوها را پذیرفتیم، ولی ناگفته پیداست که این الگوها هم‌سو با آرمان ها و محتوای دینی ما نیست و به اصلاح و بازنگری نیاز دارند تا الگوهای جامع و کامل بر پایه ارزش های دینی طرح ریزی شود. به منظور تأمین این هدف است که رهبر فرزانه انقلاب می فرماید:

اسلام، یعنی بنای یک نظام اجتماعی و یک زندگی عمومی برای یک ملت، بر پایه های مستحکمی که می تواند سعادت دنیا و آخرت را تأمین کند، می تواند علم و پیشرفت و صنعت و ثروت و رفاه و عزت بین المللی و همه چیز را برای آنها فراهم کند. مردم دنبال این بودند.

همچنین حفظ و توسعه عزت اسلامی در کنار استقلال سیاسی و اقتصادی، به استقلال علمی و فرهنگی نیز وابسته است. بنابراین، رهبر انقلاب در توصیه ای می فرماید:

امروز وظیفه شماست که تلاش کنید و هدف این تلاش هم، عبارت است از عزت بخشیدن به اسلام و استقلال بخشیدن به ایران اسلامی. کشورتان را از همه جهت مستقل کنید. البته مستقل بودن به معنای این نیست که در استفاده از خارج از مرزها را ببندیم؛ اینکه معقول نیست، هیچ کسی هم به این کار دعوت نمی کند. در طول تاریخ افراد بشر از هم استفاده کرده اند، ولی فرق است بین تبادل فکر و اندیشه و دارایی های میان دو موجود همسان و هم وزن و هم قدر،]با[دریوزگی یک موجود از موجود دیگر از راه التماس و اعطای به او همراه با تحقیر. این، آن چیزی است که کم و بیش تا قبل از انقلاب بوده است.

رهبر فرزانه انقلاب در پیام نوروزی سال ۱۳۸۷ نیز با تأکید بر حفظ عزت و اقتدار اسلامی تأکید فرمود:

علاج ملت ایران در کسب اقتدار است و امروز خوش بختانه مسئولان کشور عزت ملی را کاملاً در نظر دارند و در مقابل زورگویی و زورگیری دشمن ایستاده اند.

۴. گستره تولید علم و نوآوری

۴. گستره تولید علم و نوآوری

تولیـد علم نبایـد به علم و دانش خاصـی محـدود شـود، بلکه در تمـام علـوم اعم از حوزوی و دانشـگاهی و علوم مربوط به فن آوری و تولیـدات صـنعتی، حتی در الگوهای اجرایی نیز بایـد به دنبال تولیـد و نوآوری باشـیم. یعنی در علومی که با آنها همه شئون فردی و اجتمـاعی اداره می شونـد و جـامعه به سوی تکامـل الهی هـدایت می شود، ما نیازمنـد اجتهاد و نوآوری هستیم. رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی سال ۱۳۸۷ می فرماید:

ما نمی توانیم آرام و معمولی حرکت کنیم، بلکه باید با تلاشی مضاعف، جدی تر و با نهایت شتاب، ولی حساب شده، منظم و منضبط به جلو برویم و در عرصه داخلی و همچنین عرصه پیچیـده بین المللی از تمـام ظرفیت هـا برای دست یـابی به پیشـرفت های بزرگ استفاده کنیم.

این ظرفیت ها در بین حوزه و دانشگاه و مراکز آموزش و پژوهشی و نخبگان کشور وجود دارد. ازاین رو، رهبر فرزانه انقلاب، مهم ترین وظایف حوزه ها را ارائه الگوهای اسلامی اداره نظام متناسب با نیازها می داند و می فرماید:

وظیفه عمومی حوزه ها و وظیفه یکایک افراد و فضـلا در حوزه های علمیه و روحانیون آگاه روشن فکر و فاضل که در سراسر کشـور هسـتند، وظیفـه شـان امروز ایـن است که فکر اساسـی و نظریه بنیـادی مربـوط به جمهـوری اسـلامی را که همـان نظریه حاکمیت اسـلام در همه امور زندگی و حیات بشـری است، با اسـتدلال و منطق و با ملاحظه جوانب گوناگون این مسـئله تبیین کنند.(۱)

همچنین از عرصه های دیگر تحقق نهضت تولید علم، دانشـگاه است. علوم دانشـگاهی به خاطر ارتباط با علوم انسانی و ارتباط با علوم

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در آغاز درس خارج فقه، ۱۹/۶/۱۳۸۰.

کـاربردی پر اهمیت است. بـا این حال، متأسـفانه بسیاری از علوم دانشـگاهی از غرب گرفته شـده است. ازاین رو، هماهنگ با ارزش ها و معارف دینی ما نیست و کارآیی لازم برای اداره نظام را ندارد. بدین ترتیب، رهبر فرزانه انقلاب می فرماید:

ما به خصوص در زمینه علوم انسانی، برخلاف آنچه انتظار می‌رفت و توقع بود حرکت متناسب و خوبی نکرده‌ایم، بلکه مفاهیم گونـاگون مربوط به این علم حالاـ چه در زمینه اقتصاد و چه در زمینه جامعه‌شناسـی، روان‌شناسـی و سـیاست را به شـکل وحی مُنزل از مراکز و خاسـتگاه‌هـای غربی گرفته‌ایم و به صـورت فرمول هـای تغییر نکردنی در ذهنمـان جـا داده‌ایم و بر اسـاس آن می‌خـواهیم عمـل و برنـامه خودمـان را تنظیم کنیم. گـاهی که این فرمول‌هـا جواب نمی‌دهـد و خراب در می‌آیـد، خودمـان را ملاـمت می‌کنیم که مـا درست به کـار نگرفته‌ایم! در حالی‌که این روش، روش غلطی است. ما در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم که به معنای حقیقی کلمه، مواد و مفاهیم اساسـی ای که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاسـت و سایر بخش‌های اساسـی علوم انسانی را شـکل داد و تولیـد و فن‌آوری کرد. در فرهنگ عریق و عمیق اسـلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم، البته در این قسمت حوزه و استادان مؤمن و معتقد به اسلام می‌توانند با جست‌وجو و تفحص نقش ایفا کنند؛ اینجا از آن‌جاهایی است که ما باید به تولید علم برسیم.(۱)

بایـد تـوجه داشت که پـایه و مبنـای علـوم انسـانی موجـود بر معرفت غیردینی و حـتی ضـددینی بنـا شـده است . پس این علوم کارآیی محدودی در نظام اسلامی دارند و لازم است تغییر کنند؛ همان گونه که رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید:

پایه و مبنای علوم انسانی که امروز در غرب مطرح است، از اقتصاد و جامعه شناسـی و مـدیریت و انواع و اقسام رشـته‌های علوم انسانی، بر مبنای یک معرفت ضددینی و غیردینی و نامعتبر از نظر کسانی است که به معرفت

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار استادان دانشگاه‌های سراسر کشور، ۸/۸/۱۳۸۲.

والاـ و توحیـدی اسـلامی رسـیده باشـند. ما در این زمینه بایـد کار کنیم، در زمینه علوم تجربی بایـد کار و تلاش کنیم. قـدرت پیشـرفت علمی و بازکردن راه‌های نو و گشودن افق‌های جدیـد را بایـد در خودمان به وجود بیاوریم؛ همت ما بایـد این باشـد، توقع این است.(۱)

از دیگر عرصه‌های مهم و اثرگذار در باب تولید علم و نوآوری، تولید دانش‌های ناظر به اجراست.

این عرصه، از حساس‌ترین قلمروهای تولید دانش است؛ زیرا تمام تنظیم‌ها و کنترل‌های اجتماعی در زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصـادی بر پایه این الگوهای اجرایی صورت می گیرد. تولیـد علم، ممکن است در عرصه های سیاسـی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آن صورت گیرد، ولی باید توجه داشت که الگوی توسعه نظام اسلامی، با فرهنگ دینی و بومی این ملت گره بخورد، وگرنه صرف توسعه اقتصادی بودن، تحکیم ارزش‌ها پیشرفتی را نصیب نظام اسلامی نخواهد کرد.

به فرموده رهبر بزرگوار انقلاب نیز:

هر اقـدامی در راه توسـعه اقتصادی و آبادسازی کشور در صورتی با توفیق همراه خواهـد بود که از تفکر واصول اسـلامی مایه بگیرد و در جهت تحکیم آرمـان‌ها و ارزش‌ها وشـعارهای انقلاب اسـلامی باشـد. در این صورت است که حرکت سازنـدگی، حرکت حقیقی و تضـمین شـده خواهـد بود و کشور به توهم سازنـدگی در ورطه وابسـتگی و فسـاد مـالی و سیاسـی و اخلاقی نخواهد غلتید.(۲)

در زمینه دگرگـونی نظـام اقتصـادی، نقش نظریه پردازان مسـلمان علم اقتصـاد نیز انکارناپـذیر است؛ کسـانی که از یـک سو با مبانی و مفاهیم اقتصاد آشنایند و از دیگر سو بر پایه دغدغه دینی، اصلاح ساختار نظام اقتصادی را جست‌وجو می‌کنند:

۱- سخنان هبر معظم انقلاب در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها، ۲۶/۹/۱۳۸۳.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب، روزنامه همشهری، ۱۳/۳/۱۳۷۵.

دولت به متفکرین دانشگاهی تکیه کند و اقتصاددان‌های مملکت نیز آنچه را با کشور ما، با عقاید ما و با خصوصیات کشور ما متناسب است، پیدا کنند.(۱)

البته در هر حال، رسالت اصلی بر عهده حوزه‌های مقدس علمیه است که وظیفه تبیین مبانی و تدوین مواضع اسلامی را در همه عرصه‌ها بر عهـده دارند، هر چند بخش عمده‌ای از طراحی این ساختار هم با کمک دانشگاه یا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مانند آن شکل خواهد گرفت.

۵. موانع تولید علم

اشاره

۵. موانع تولید علم

از منظر رهبر فرزانه انقلاب، یأس و نومیدی، افکار التقاطی، عقب‌مانـدگی، هرج و مرج علمی، مانع تراشی دشـمنان خارجی؛ برخورد متعصبانه و غیرمنطقی با اندیشه‌ها، نفوذ مخالفان اسلام و انقلاب در مراکز علمی و سیاسی‌کاری مسئولان مراکز علمی، از جمله موانع تحقق تولیـد علم و نوآوری به شـمار می‌رونـد . برای رفع موانع در این زمینه‌هـا، لازم است به نکـات زیر توجه شود:

الف) یأس و ناامیدی

الف) یأس و ناامیدی

صاحبان انـدیشه با امیـد به تحقق تولیـد علم، از ناامیـدی و بی‌انگیزه‌گی بپرهیزند و بدون شـتاب زدگی به پایه‌گذاری این بنای علمی بپردازند. رهبرمعظم انقلاب می‌فرماید:

از شـما و هم‌فکرانتان در حوزه و دانشـگاه می‌خواهم که این ایـده‌ها را تا لحظه عملی شدن و ثمردادن ــ هرچند دراز مدت ــ تعقیب کنیـد؛ نه مأیوس و نه شـتاب زده، ولی باید این راه را که راه شـکوفایی و خلاقیت است، به هر قیمت پیمود. این انقلاب باید بماند و برنامه تاریخی و جهانی خویش را به بار رساند.(۲)

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب، ۶/۱/۱۳۷۳، نهضت نرم‌افزاری از نگاه مقام معظم رهبری، گروه مؤلفان، ص ۱۰۵.

۲- پاسخ رهبر معظم انقلاب به نامه دانش‌آموختگان حوزه و دانشگاه، ۱۸/۱۱/۱۳۸۱.

ب) وجود افکار التقاطی

ب) وجود افکار التقاطی

وجود افکار التقاطی، چه در حوزه علوم دینی و چه در حوزه علوم دانشگاهی، رهزن است. کسانی که درصددند با تلفیق نظریه‌های مطرح شده در دانش بیگانه با فرهنگ ناب، مشکل‌گشایی کنند، به بیراهه می‌روند:

یک عده تحت تأثیر جاذبه‌های افکار نوی وارداتی، مجذوب اینها می‌شدند و سعی می‌کردند اسلام و فکر اسلامی و دین را با اینها تطبیق کنند. منّتی هم بر سر دین می‌گذاشتند که ما اسلام را جوان پسند و مردمی و قابل قبول کرده‌ایم!

گاهی اوقات کاسه‌ای از آش داغ‌تر هم می‌شدند و چند قدم هم جلوتر از صاحبان این فکرها پیش می‌رفتند، برای اینکه مبادا متهم به مرتجع بودن و این حرف‌ها شوند که این کار را هم ما در مواردی دیدیم. نبوت و توحید و معاد و مباحث امامت و مباحث فقهی و مباحث اجتماعی و سیاسی اسلام را به سمت مشابهات خودش در مکاتب بیگانه از اسلام و احیاناً الحادی و به کلی بیگانه از دین کشاندند و منت هم سر اسلام می‌گذاشتند که ما آمدیم اسلام را همه کس فهم، همه کس پسند و در چشم‌ها شیرین کردیم.(۱)

ج) تحجر علمی

ج) تحجر علمی

تحجر علمی نیز مانع بزرگی است و آن اینکه یک عالم و دانشور، دانسته‌ها و علومی که به آنها رسیده، در نظرش خدشه ناپذیر جلوه کند.

ازاین رو، در خود جرئت طرح دیدگاه جدید را ندارد و دیدگاه‌های نوی دیگران را هم نمی‌پذیرد. رهبر معظم انقلاب در نفی چنین رویه‌ای می‌فرماید:

تحجر این است که کسی که می‌خواهد کار بزرگی با این عظمت را انجام بدهد، نتواند نیازهای زمان و لوازم هر لحظه زندگی یک ملت را از قرآن بشناسد و بخواهد در یک وضعیت ایستا و بدون انعطاف، حکم نماید و کار کند و پیش برود، این امکان پذیر نیست . معنای تحجر آن است که کسی که می‌خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا کند و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف

۱- ۱ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای کنگره حکمت مطهر، ۱۸/۱۲/۱۳۸۲.

اسلامی را در آن جایی که قابل کشش است درک کند و برای نیاز یک ملت و یک نظام و یک کشور که نیاز لحظه است، نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه بدهد؛ این بلای بزرگی است... .(۱)

د) هرج و مرج علمی

د) هرج و مرج علمی

بی‌شک برخی از مفاهیم به مرور زمان کارآیی خود را از دست می‌دهند و نیاز به بازسازی دارند. همچنین، مفاهیم تهی از اخلاق غرب نیاز به باروری اخلاقی دارند. البته این ضرورت‌ها نباید سبب گزافه‌گویی‌های علمی و به تعبیری هرج و مرج علمی بشود، چنان‌که رهبر انقلاب در هشداری می‌فرماید:

البته اشتباه نشود، من کسی را به آنارشیزم علمی و به مهمل‌گویی علمی توصیه نمی‌کنم. در هر زمینه ای آن کسانی که از دانشی برخوردار نیستند، اگر بخواهند به خیال خودشان نوآوری بکنند، به مهمل‌گویی می افتند. ما در زمینه برخی از علوم انسانی و معارف دینی داریم این را می‌بینیم. آدم‌های ناوارد بدون اینکه از ذخیره و سواد کافی برخوردار باشند، وارد میدان می‌شوند و حرف می‌زنند و به خیال خودشان نوآوری می‌کنند که در واقع نوآوری نیست، مهمل‌گویی است.(۲)

ه) نگرشی انحصاری به مفاهیم وارداتی

ه) نگرشی انحصاری به مفاهیم وارداتی

مانع مهم دیگر در روند تولید علم، مطلق انگاری دانش‌های وارداتی است. متأسفانه دنیای مادی نیز از اندیشه خام سود می‌برد و نظام گرایش‌ها و الگوهای رفتاری ملت‌ها را متناسب با مبانی و هدف‌های خود هماهنگ می‌کند... رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید:

درباره تفکر و فرهنگ وارداتی غرب بارها صحبت کرده‌ام. بعضی ممکن است این را حمل بر نوعی تعصب و لجبازی کنند؛ نه این تعصب و لجبازی نیست، برای به زنجیر کشیدن یک ملت، هیچ چیز ممکن‌تر و سهل‌تر از این

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در اجتماع با شکوه زائران حرم مطهر حضرت امام خمینی رحمه الله، ۱۴/۳/۱۳۷۶.

۲- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۹/۱۲/۱۳۷۹.

نیست که قـدرت‌مندان عالم بتوانند باورهای آن ملت و آن کشور را بر طبق نیازهای خودشان شـکل بدهند. هر باوری که یک ملت را به اتکای به خود، اعتماد به نفس حرکت به جلو و تلاش برای اسـتقلال و آزادی وادار کند، دشـمن خونی آن، کسانی هسـتند که می‌خواهند با قدرت متمرکز، همه دنیا را در اختیار بگیرند و به نفع خودشان همه بشـریت را استثمار کنند. لذا با آن فکر مبارزه می‌کنند. در نقطه مقابلش سـعی می‌کنند با راه‌ها و شیوه‌های مختلف، افکار و باورها و جهت‌گیری‌هایی را در میان آن ملت ترویج کنند که به گونه‌ای بیندیشند که آنها می‌خواهند. وقتی آن‌طور اندیشیدند، آن‌گونه هم عمل و حرکت خواهند کرد. ایـن ابزار خیلی رایـج اسـت. تئوری سـازی اسـتعمار، ایـن نظـام و این حرکت عظیم مردمی آمـده و این سـلطه و اتـوریته تحکم‌آمیز غربی را در این کشور شکسته است.(۱)

و) برخورد متعصبانه با افکار دیگران

و) برخورد متعصبانه با افکار دیگران

از موانع جـدی بر سـر راه عرصه علوم و تضـارب آرا، برخورد متعصـبانه با افکار دیگران است. بایـد جامعه علمی کشور بتواند فضایی سالم برای ارائه انـدیشه‌ها و دیدگاه‌ها ایجاد کند تا در آن فضا، نقد و ارزیابی نظریه‌ها و افکار بدون هیچ گونه ملاحظه سیاسی و به دور از هر گونه حب و بغضی صورت پذیرد. رهبر معظم انقلاب در رهنمودی فرمود:

در دوره جدیـد که ارتباطـات گسترش پیـدا کرد، حرف‌هـای نو به نو بـا جـاذبه‌هـایی که به طور طبیعی دارد، مرتباً وارد فضای فکری جامعه شد و به یک مواجهه صـحیح و علمی ایجاد نیاز کرد . ما در میدان بودیم و می‌دیدیم، بعضـی از مواجهه‌هایی که آن وقت صورت می‌گرفت، علمی نبود؛ مقـابله متعصـبانه و از روی اعتقاد بود. اما نخوانـده و نفهمیـده، حرفی وارد می‌کردنـد. نمی‌دانسـتند چیست. گوشه‌ای از یـک حرف وسـیع را می‌گرفتنـد و آن را مشـمول جنـگ خودشـان قرار می‌دادنـد و با آن در می‌افتادند و مقابله می‌کردند. این، تحجر و توقف و مقابله غیرعلمی را تداعی می‌کرد.(۲)

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۹/۱۲/۱۳۷۹.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای کنگره حکمت مطهر، ۱۸/۱۲/۱۳۸۲.

ز) سیاست زدگی و سیاست زدایی

ز) سیاست زدگی و سیاست زدایی

این نیز یکی از عوامل مهم در راه پیش گیری از تولید علم است. این روحیه جامعه را به التهاب‌های سیاسی بیهوده دچار می‌سازد و به تدریج، آن را از مسائل اساسی سیاست و فرهنگ غافل می‌کند. رهبر معظم انقلاب در پرهیز از این روحیه می‌فرماید:

اما متأسفانه گروهی به دنبال سیاست زدگی و گروهی به دنبال سیاست زدایی، دائما تبدیل فضای فرهنگی کشور را به سکوت مرداب گونه یا تلاطم گرداب‌وار، می‌خواهند تا در این بلبشو، فقط صاحبان قدرت و ثروت و تریبون، بتوانند تأثیرگذار و جریان ساز باشند و سطح تفکر اجتماعی را پایین آورده و همه فرصت ملی را هدر دهند و اعصاب ملت را بفرسایند و درگیری غلط و منحط قبیله‌ای یا فرهنگ فساد بیگانه را رواج دهند و در نتیجه، صاحبان خرد و احساس، ساکت و مسکوت بمانند و صاحب‌دلان و خردمندان، برکنار و در حاشیه مانده و منزوی، خسته و فراموش شوند. در چنین فضایی، جامعه به جلو نخواهد رفت و دعوا، تکراری و ثابت و سطحی و نازل می‌گردد. هیچ فکری تولید نمی‌شود. عده‌ای مدام خود را تکرار می‌کنند و عده‌ای دیگر تنها غرب را ترجمه می‌کنند و جامعه و حکومت نیز که تابع نخبگان خویش هستند، دچار انفعال و عقب گرد می‌شوند.(۱)

ح) غرب زدگی و مهره‌سازی

ح) غرب زدگی و مهره‌سازی

در سده اخیر دشمنان برای بهره‌وری مادی، دست به تحقیر شدید آحاد مختلف جامعه به ویژه سیاست‌مداران، نخبگان و اندیشمندان جامعه زده‌اند. وابستگان سیاسی و فکری آنها، نیروهای استقلال طلب و عزت جو را از صحنه سیاسی و علمی بیرون رانده و با ایجاد احساس ذلت و وابستگی سیاسی و علمی، روحیه و انگیزه نوآوری‌ها در سطوح مختلف علوم انسانی، تجربی، پایه و صنایع را از ما گرفته‌اند و ما را تولیدکننده

۱- پاسخ رهبر معظم انقلاب به نامه جمعی از دانش‌آموختگان حوزه و دانشگاه، ۱۸/۱۱/۱۳۸۱.

بیگانگـان می‌خواهنـد. البته نفوذ کردن افراد مخالف در مراکز علمی، مانع نوآوری شـده است. این روحیه غرب زدگی و نگاه مطلق‌انگـار به غرب و دانش‌هـای غربی، مانع بسیار بزرگی بر سـر راه تولیـد علم و نوآوری شـده است. رهبر معظم انقلاب در رهنمودی می‌فرماید:

مـا که در آن دوران، سـال‌هـای متمـادی از عمرمان را گذرانـدیم، خوب می‌فهمیم که چه کارهایی برای بی‌اعتقاد کردن ملت ایران به توان ظرفیت علمی خود و ظرفیت فنی و استعدادهای خود و قدرت بالندگی و باروری خودش انجام می‌شد. در دوران تسلط استعمار در عمق جـان مردم، این فکر را به وجود آوردنـد که ایرانی بایـد علم و تجربه را، حـتی تولیـد و مصـرف را از دیگران بیاموزد. نخواستند به ما یاد بدهنـد که دانسته‌های دیگران را چگونه هوشـمندانه یاد بگیریم و خودمان آنها را به کار بیندازیم.(۱)

متأسـفانه بـا وجود انقلاب اسـلامی، بازهم این غرب زدگی و احساس حقارت در عـده‌ای باقی مانـده و هنوز هم نفوذ دامنه‌دار فرهنـگ غرب در لایـه‌های مختلف علمی، آموزشـی و اقتصادی وجود دارد، به گونه‌ای که گروهی خواسته یا ناخواسـته محل اجابت آمال خود را غرب قرار داده‌اند.

۶. راه‌کارهای تحقق تولید علم و نوآوری

اشاره

۶. راه‌کارهای تحقق تولید علم و نوآوری

عوامل متعددی در سرعت بخشیدن به نوآوری و توسعه علم دخیل هستند که از میان آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) تشویق به حرکت جهادی در تولید علم

الف) تشویق به حرکت جهادی در تولید علم

اگر دنیای مادی توانست در یک مقطع تاریخی دویست تا سیصد ساله، به این حد از توسـعه مادی برسد، به یقین نظام اسلامی هم می‌توانـد بـا اتکـا بر ایمان و با جهادی علمی، سـیر تکامل الهی خود را در زمان کمتری بپیمایـد. همان‌گونه که رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید:

۱- رهبر معظم انقلاب، حدیث ولایت، ج ۸، صص ۲۵۱ و ۲۵۲، ۱۲/۹/۱۳۷۰.

امروز اگر برتری علمی با غربی‌هاست، در آینـده نه چندان دوری هم با اراده شـما می‌توان کاری کرد که فردا آنها از شـما یاد بگیرند. مرزهای دانش را بشـکنید. اینکه من می‌گویم نهضت نرم‌افزاری، انتظار من از شما جوان‌ها و اساتید این است که تولید علم کنیـد، نه، سـراغ مرزهای دانش بروید. فکر کنید کار کنید. با کار و تلاش می‌شود از مرزهایی که امروز دانش دارد، عبور کرد. در بعضـی رشـته‌هـا زودتر و در بعضـی از رشـته‌هـا دیرتر. فن آوری‌ها همین طور است. علم بایـد ناظر به فن‌آوری باشـد. فن‌آوری هم مرحله بسـیار مهم و بالا-یی است. در فن‌آوری هم می‌توانیم پیش برویم. همچنـان که رفتیم. بنابر آنچه گفته شـد، امروز فتـح سـنگرهای علمی نیازمنـد جهـاد علمی است و جهـاد هم خواهـان ایثارگری است و ایمان به خداونـد، همه نیروهای انسانی را به حرکت و پویایی وامی‌دارد.(۱)

ب) ایجاد روحیه خودباوری

ب) ایجاد روحیه خودباوری

برای از بین بردن احسـاس خودباختگی به غرب، بایـد خودباوری در جامعه تقویت شود. متأسـفانه در توان منـدی علمی و فنی غربی‌هـا و نـاتوانی ایرانی‌هـا چنـان زیاده‌روی شـده است که بسـیاری از افراد، اعتماد و اطمینان خود به هویت ملی را از دسـت داده‌اند. رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید:

بدترین شـکل یک کشور این است که تمدن و هویت خود را فراموش کند. ما باید امروز درصدد ساختن تمدن خود باشـیم و باور کنیم که این ممکن است. در تبلیغات گذشـته این کشور در خصوص ناتوانی ایرانی و توانایی غربی‌ها این قدر مبالغه شده که امروز اگر کسـی بگویـد ما کاری کنیم که غربی‌ها به علم ما احتیاج پیدا کنند، می‌بینید که در دل‌ها یک حالت ناباوری به وجود می‌آیـد. مگر چنین چیزی ممکن است؟ بله ... یـک روز علم را غربی‌هـا از مشـرق و از همین ایران گرفتنـد. پـایه گـذار بسـیاری از علومی که امروز در دنیا رایج است، ایرانی‌ها هسـتند؛ در ریاضـی، فیزیک، پزشـکی، نجوم و بسیاری از علوم دیگر، ایرانی‌ها پایه‌گذار بودند. اصلاً رنسانس

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جوانان اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان، ۱۷/۴/۱۳۸۳.

اروپا بر اساس ترجمه‌هایی که در کشورها و مناطق اسلامی انجام گرفته بود، صورت گرفت. ما می‌توانیم این را تصور کنیم که یک روز ایران تولیدکننده خلاق علم شود.(۱)

ج) ایجاد تغییر در فرهنگ و باور اجتماعی و تبدیل تولید علم به ارزش عمومی

ج) ایجاد تغییر در فرهنگ و باور اجتماعی و تبدیل تولید علم به ارزش عمومی

نهضت نرم‌افزاری آن‌گاه به یک خیزش اجتماعی و نهضت فراگیر تبدیل خواهد شد که به یک فرهنگ عمومی در تمامی مراکز فرهنگی و علمی کشور اعم از حوزه و دانشگاه تبدیل شود، چنان‌که رهبر انقلاب می‌فرماید:

فضای عمومی کشور بایستی فضای ترویج، تولید، گسترش و تحقیق علم و پرورش عالم محقق باشد. وقتی فضای عمومی این طور شد، معنایش این نیست که لزوماً در همه خانه‌ها یا در هر نقطه‌ای از جامعه بایستی علم به وجود بیاید نه، بلکه علم لازم است در نقطه مناسب خودش به وجود بیاید. فضا، فضای علمی خواهد بود، فضای تحقیقی خواهد بود. منتها بدیهی است که وقتی فضای علمی در کشور به وجود بیاید، این علم و تحقیق در نقطه مناسب و متناسب رشد خواهد کرد، مثلاً در دانشگاه‌ها، پژوهش گاه‌ها و از این قبیل مراکز.(۲)

لازم است با تبلیغات و راه‌های مختلف مانند تقدیر و تشویق از نوآوران، این مهم تحقق یابد. رهبر فرزانه انقلاب درباره نهادینه‌سازی این ارزش می‌فرماید:

باید تولید نظریه و فکر، تبدیل به یک ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه شود و در قلمروهای گوناگون عقل نظری و عملی از نظریه‌سازان تقدیر به عمل آید و به نوآوران، جایزه داده شود و سخنانشان شنیده شود، تا دیگران نیز به خلاقیت و اجتهاد تشویق شوند.(۳)

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از برگزیدگان المپیادهای جهانی و کشوری، افراد ممتاز آزمون‌های سال ۸۰ و ۸۱، ۳/۷/۱۳۸۱.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با جوانان نخبه، ۲۱/۱۱/۱۳۸۲.

۳- پاسخ رهبر معظم انقلاب به دانش‌آموختگان حوزه، ۱۸/۱۱/۱۳۸۱.

د) شکستن جزم‌گرایی و ابهت علوم غربی

د) شکستن جزم‌گرایی و ابهت علوم غربی

شکستن جزم اندیشی‌های علمی، می‌تواند یکی از راه‌کارهای اساسی در راه تولید فکر و اندیشه باشد. هنوز عده‌ای در جامعه علمی باور ندارند که تمدن مادی به انتهای خود رسیده است و باید به فکر جای‌گزین باشند. برای شکستن این جزمیت، باید این مفاهیم و علوم از لحاظ نظری و عملی بررسی و نقد شود و به توصیه رهبر فرزانه انقلاب عمل شود که:

باید مغزهای متفکر استاد و دانشجوی ما بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آنها در نظر بعضی مثل وحی مُنزل است و نمی‌شود درباره‌اش اندک تشکیکی کرد، در کارگاه‌های تحقیقاتی عظیم علوم مختلف حلاجی کنند. روی آنها سؤال بگذارند. این جزمیت‌ها را بشکنند و راه‌های تازه‌ای پیدا کنند، هم خودشان استفاده کنند و هم به بشریت پیشنهاد کنند. امروز کشور ما محتاج این است. امروز انتظار کشور ما از دانشگاه این است. دانشگاه باید بتواند یک جنبشی نرم‌افزاری، همه جانبه و عمیق در اختیار این کشور و این ملت بگذارد تا آن کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و با قالب‌ها و نوآوری‌های علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه مبتنی بر تفکرات و ارزش‌های اسلامی را بالا ببرند. امروز کشور ما از دانشگاه این را می‌خواهد.(۱)

ه) تبیین آثار سوء مصرف‌گرایی

ه) تبیین آثار سوء مصرف‌گرایی

شاید عده‌ای بهترین و سریع‌ترین راهبرد توسعه در جهان امروز را واردات کالا، فن‌آوری و دانش از کشورهای توسعه یافته بدانند. محصول چنین باور و عملی، وابستگی و عقب‌ماندگی است. رهبر فرزانه در رد و نکوهش این نوع تفکر و روحیه می‌فرماید:

یک طرز تفکر، غلط و مایه بدبختی ملت است و یک طرز تفکر، درست است. آن طرز تفکر غلط، همان تفکری است که در دوران حاکمیت عوامل امریکا بر این کشور حاکم بود و آن اینکه علم و صنعت و

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۹/۱۲/۱۳۷۹.

تکنولوژی و امور فنی، باید به وسیله خارجی‌ها، اروپایی‌ها و غربی‌ها آماده بشود و به صورت محصول کار آنها استفاده کنیم . این یک طرز تفکر بود. متأسفانه الان هم این طرز تفکر در بعضی از کشورهای استعمارزده وجود دارد. می گویند ما پول می‌دهیم، غربی‌ها برای ما می‌سازند... این طرز تفکر در دانشگاه‌ها هم اثر می کند. علوم دانشگاهی هم بر اساس همین روش شکل می گیرد. مهندس ما هم مبتکر و سازنده و خلاق نمی‌شود. این کاری بود که آنها آن روز کردند و مدت‌ها نتایج سوء آنها گریبان گیر کشور ما هم بوده و شاید در آینده هم تا زمان‌هایی باشد.(۱)

ایشان در جای دیگر برای از بین بردن چنین تفکری می‌فرماید:

نباید صرفاً مصرف کننده فرآورده‌های علمی دیگران بود. باید علم را به معنای حقیقی کلمه تولید کرد. البته این کار، روشمندی و ضابطه لازم دارد. مهم این است که این روح نوآوری علمی، در محیط دانشگاه زنده بشود و زنده بماند. البته من خوش بختانه این شوق و میل را در دانشجویان احساس کرده بودم و در اساتید هم آن را می‌بینم. اینها باید دست به دست هم بدهد و سطح علمی کشور را بالا ببرد.(۲)

و) نظریه پردازی

و) نظریه پردازی

نوآوری و ایجاد افق‌های تازه در تولید علوم، نیازمند انواع نظریه‌پردازی‌ها متنوع در باب‌های مختلف علوم است. ازاین رو، حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها باید با جرئت و جسارت عالمانه به ارائه نظریه و تولید دانش بپردازند و تنها به پردازش نظریه‌های گذشتگان یا نظریه‌های وارداتی بسنده نکنند و به این رهنمود رهبر فرزانه و عالم انقلاب توجه کنند که:

مدعیان لیبرال دمکراسی با استفاده از علم و فن آوری و سیاست، تبلیغات و سرنیزه درصدد فتح جهان هستند و مهم‌ترین روشی که در این راه مورد استفاده قرار می‌دهند، تئوری‌سازی و مفهوم‌سازی است که حوزه علمیه قم

۱- رهبر معظم انقلاب، حدیث ولایت، ج ۸، صص ۲۵۷ و ۲۵۸، ۱۳/۹/۱۳۷۰.

۲- ۲ بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۹/۱۲/۱۳۷۹.

می‌تواند با اهتمام به نهضت نرم‌افزاری، نظریه‌پردازی و تولید علم، به مقابله با این سلطه‌طلبی بپردازد.(۱)

ایجاد فضای باز علمی از عوامل بسیار مؤثر در ایجاد انگیزه برای تولید علم است. عموم اندیش‌ورزان و دانش‌پژوهان باید احساس کنند که در ابراز نظریه جدید خود با هیچ مشکل و مسئله‌ای روبه‌رو نمی‌شوند. باید فضای نظریه‌پردازی به دور از مسائل سیاسی و جب و بغض‌های فردی و حزبی ایجاد شود و نظریه‌ها در فضایی کاملاً علمی و فارغ از تنش آفرینی ارائه شود. در کنار نظریه‌پردازی باید مناظره‌های علمی به صورت سازمان‌یافته و قاعده‌مند انجام پذیرد، همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب فرمود:

من بر پیشنهاد می‌افزایم که این ایده چه در قالب «مناظره‌های قانون‌مند و توأم با امکان داوری» و با حضور هیئت‌های داوری علمی و چه در قالب تمهید «فرصت برای نظریه‌سازان» و سپس «نقد و بررسی» ایده آنان توسط نخبگان فن و در محضر وجدان علمی حوزه و دانشگاه، تنها محدود به برخی قلمروهای فکر دینی یا علوم انسانی و اجتماعی نیز نماند، بلکه در کلیه علوم رشته های نظری و عملی و در جهت حمایت از کاشفان و مخترعان و نظریه پردازان در این علوم و فنون و صنایع نیز چنین فضایی پدید آید و البته برای آنکه ضریب «علمی بودن» این نظریات و مناظرات پایین نیاید و پخته‌گویی شود و سطح گفت‌وگوها نازل و عوامانه و تبلیغاتی نشود، باید تمهیداتی اندیشید و قواعدی نوشت.(۲)

رهبر فرزانه انقلاب بسیار صمیمانه از دانشجویان نیز علم آموزی و قالب شکنی را درخواست می‌کند، آنجا که می‌فرماید:

... حالا که هوش و استعداد و آمادگی ذهنی دارید، همت را به این کار بگمارید. به اینکه چارچوب‌های عادی را یاد بگیرید یا]به اینکه[در فلان چیز به قول شماها نمره بیاورید، فکر نکنید. به علم فکر کنید. البته این فرهنگ، حمایت از علم و پژوهش و کارهای مدیریتی را لازم دارد. عامل

۱- روزنامه رسالت، ۵/۱۰/۱۳۸۳.

۲- پاسخ رهبر معظم انقلاب به نامه دانش‌آموختگان حوزه و دانشگاه، ۱۸/۱۱/۱۳۸۱.

دیگر که ممکن است حتی بر عوامل قبلی غلبه کند، میل و علاقه و اراده و خواست شماست. همت کنید کشور را از لحاظ علمی بسازید.(۱)

ز) کاربردی کردن پژوهش ها

اشاره

ز) کاربردی کردن پژوهش ها

توجه به کارآمدی پژوهش ها در تولید علم و نوآوری بسیار مهم و کارساز است. اگر طلبه یا دانشجو بداند که رساله تحقیقاتی اش در صدد حل معضلی از مشکلات جامعه است، با حساسیت بالایی مسئله را پی می گیرد تا با نوآوری پاسخی درخور ارائه کند، برخلاف اینکه پژوهش وی تنها در پی کسب نمره و تکرار مسائل مطرح شده باشد. رهبر انقلاب در توصیه های ارزشمند می فرماید:

دو سر فصل را هم مطرح می کنم که در صحبت های خود اگر به اینها توجه کنید و درباره اینها هم سخنی بگویید، خوب است: یکی عبارت است از راه حل عمل گراتر شدن و کارآمدتر شدن پژوهش و تحقیق در کشور؛ چه از سوی استادان و برگزیدگان و چه از سوی دانشجویانی که دردانشگاه ها پایان نامه هایی را می نویسند، حین تحصیل یا در پایان تحصیل، از سوی دانشجو و استاد، ساعت های بسیار ذی قیمتی صرف تهیه یک پایان نامه یا یک پژوهش در دانشگاه می شود. آیا گزینش این عناوین، حساب شده و در جهت نیازهای کشور است؟ آیا محصول پژوهش و تحقیقی که استاد و دانشجو مشترکاً یا به طور دسته جمعی انجام داده اند، به مرحله اجرا و عمل می رسد؟ آیا به این وسیله دانشگاه ها، دانش ما و رتبه تحقیقاتی ما رشد می کند یا نه؟!(۲)

البته برای تحقق این هدف، باید آیین نامه های آموزشی و تربیتی را به گونه ای تنظیم کرد که استاد بتواند به راحتی مدافع خلاقیت و نوآوری ها باشد. سیستم آموزشی باید از مدرک گرایی صرف خارج شود و به نظامی پژوهش‌محور، نه اطلاعات محور تبدیل شود.(۳)

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از برگزیدگان المپیادهای جهانی و کشوری و افراد ممتاز، آزمون سراسری ۸۰ _ ۸۱، ۳/۷/۱۳۸۱.

۲- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار با اساتید دانشگاه ها، ۲۶/۹/۱۳۸۳.

۳- برای اطلاع و تفصیل بیشتر نک: نهضت نرم افزاری از نگاه مقام معظم رهبری، گروه مؤلفان، پژوهش گاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ ۱، بهار ۱۳۸۶.

فرجام سخن

فرجام سخن

مخاطب پیام رهبر معظم انقلاب در سال نوآوری و شکوفایی، همه افراد جامعه هستند. این امر، جز با یک عزم ملی و مشارکت مسئولانه و جهادی امکان پذیر نخواهد بود. مخاطبان خاص نهضت نوآوری نمی توانند غیر از دو نهاد فرهنگ ساز و تولیدکننده، یعنی حوزه و دانشگاه باشند. در کنار این دو مجموعه، نهاد حکومت نیز وظایف مهمی برعهده دارد.

وظایف حکومت

وظایف حکومت

حکومت، مسئول اتخاذ و اجرای سیاست ها، تصمیم ها، قوانین، اعمال نظارت بر حسن اجرای آنها و مهار نابسامانی ها بوده و برای اِعمال آنها نیازمند قدرت سیاسی است. حاکمیت برای تحقق هدف‌ها و چشم اندازهای جامعه باید تمام ظرفیت های اجتماعی اعم از امکانات، زمینه های مناسب، منابع و نیروهای انسانی را بسیج، سازمان دهی و هماهنگ سازد. در حقیقت، حکومت افزون بر مسئولیت حفظ نظم و تأمین معاش وامنیت، عهده دار سرپرستی و هدایت اجتماعی است و با تنظیم سیاست های کلان در جنبه ها و امور مختلف،جامعه را به سوی مطلوب های مورد نظر و تعریف شده هدایت کند.

طبیعی است که نظام حکومتی در راه تحقق بخشیدن به هدف ها و برنامه ریزی منسجم پیوسته با موانع، تهدیدها، آسیب ها، و نیازمندی های خاص روبه روست. طبیعی است حکومت برای رفع معضلات در فرآیند تصمیم گیری، با مشاوره و مشارکت متخصصان اقدام می کند و از اهل

فکر کمـک می گیرد. کارشناسـی موضـوع هـا و احکـام اجتمـاعی و ارائـه طرح هـا، راه کارهـای علمی و عملی و اطلاعـات تخصصـی برعهده دو نهاد حوزه و دانشگاه گذاشـته می شود تا از یک سو حجیت و اسـتناد آن به شـرع مقدس تمام شود و از سـوی دیگر، علوم و اطلاعـات کـاربردی و متنـاسب بـا هنجارهـای ملی و دینی تولیـد شود. حوزه ودانشـگاه در این امر بایـد با همـدلی، هم فکری و همکـاری بـا یکـدیگر برای برنـامه ریزی بر اسـاس ارزش هـا اقـدام کننـد. اطلاعات تولیدشـده در حوزه ودانشـگاه بایـد بـا رویکردی عینی و کـاربردی، متنـاسب با نیازهای جامعه باشـد و به صورت تغییر در سیاست، اثرگـذاری در تصـمیم ها، تغییر ساختارها، تغییر نظام آموزشـی، بهینه سازی وضـعیت رسانه های عمومی و ایجاد دگرگونی ها و ظرفیت های جدید در فرهنگ عمومی و حرکت به سمت اصلاح چشم اندازها و سیاست گذاری های کلان نمود پیدا کند. این چرخه باید همواره نو شود و با تولید اطلاعات و نوآوری ها به نیازها پاسخ گفته شود و با رفع موانع از سوی نهادهای تولید علم و مصرف اطلاعات و به کارگیری راهبردهای ارائه شده از سوی حکومت، همواره به منظور توسعه و تکامل جامعه تداوم یابد.

نهاد حوزه

نهاد حوزه

نفی الگوهای مادی، لزوم کارشناسـی و موضوع شناسـی بر اساس دین و منطبق بودن هدف ها و آرمان های جامعه با توسـعه و تکامـل ایمـانی و اخلاقی؛ ضـرورت حضـور بـالقوه حـوزه را در این عرصه نشـان می دهـد. همچنین هماهنـگ و هم‌سو بودن خواسـته هـا و آرمـان های جامعه با توسـعه و تکامل ایمانی و اخلاقی، ضـرورت حضور بالقوه حوزه را در این عرصه نشان می دهد تا با تلاشی پی گیر در حوزه های فقهی، کلامی، اخلاقی پویا باشد.

نهاد حوزه باید با حفظ فقاهت به سبک جواهری، شناخت زمان و مکان و شناخت دگرگونی های روابط حاکم بر موضوع ها، تلاشی برای پیاده کردن اصول محکم فقه در عینیت، جهان شناسی و دشمن شناسی، نفی تفکر جدایی دین از سیاست، حضور اجتماعی روحانیان،شناخت درست حکومت و جامعه برای برنامه ریزی به نفع مسلمانان، به دست گرفتن نبض تفکر جامعه و توجه به نیازهای نسل آینده، ارائه طرح های سازنده در جهت خدمت به محرومان، ارائه اقتصاد اسلامی، علم سیاست برنامه های فرهنگی، تلاش برای پاسخ گویی به خلأهای فکری و معنوی افراد بشر، تربیت عالمان متعهد و متخصص، مطالعه برای شناخت ابعاد تازه تر اسلام و معرفی آن و روزآمد کردن بحث و ابتکار و تحقیقات را در دستور کار خود قرار دهد. حوزه باید نیازهای جدید را در قالب نظامی از نیازمندی ها و موضوع ها، تنظیم و دسته بندی کند و به ترتیب اولویت و با برنامه ریزی درست و به‌کارگیری همه ظرفیت ها اعم از نیروی انسانی شامل عالمان، استادان، فاضلان وطلبه های ارجمند و نیز ظرفیت های علمی و میراث گران بهای گذشتگان در امر آموزش، پژوهش و تبلیغ، به منظور پاسخ گویی به نیازهای مزبور، تولید مفاهیم جدید و تربیت نیروی انسانی مناسب اقدام کند. همچنین، با در نظرداشتن مباحث کلان و پایه ای، به ارائه طرح های کوتاه مدت بپردازد. حوزه هر چند امروزه برای برخی نیازهای اجتماعی، محصولات علمی فرهنگی مناسبی دارد، ولی غیر از ضرورت بالندگی در مفاهیم و روش های پژوهش، آموزش و تبلیغ؛ محور هایی چون روزآمد کردن آن محصولات و ترجمه آنها به ادبیات عام وخاص، امری ضروری است. لازم است تا حوزه برای همه جنبه های زندگی بشر به تولید فکر بپردازد و برای ایستادگی در برابر

سلطه طلبی و هجوم همه جانبه نظام های لیبرال‌دمکراسی که می کوشند از راه علم و فن آوری؛ یکسان سازی و جهانی را تعمیق بخشند، به تئوری سازی و تولید علم و نوآوری و مفهوم سازی همت کنند.

دانشگاه

دانشگاه

در حقیقت، توسعه دانش های کاربردی سازگار با مبانی دینی، برای تکمیل حلقه های نظام فکری و تمام شدن ارتباط میان باورها و عمل در نظام عینی جامعه و سرپرستی و هدایت اجتماعی بر اساس باورها و نظام ارزشی، تکلیفی و توصیفی مکتب وحی؛ تعیین کننده جایگاه دانشگاه در نظام اسلامی است. امر مهم برنامه ریزی اجتماعی، تنظیم و ترسیم سیاست های چند ساله و چشم انداز آینده نظام و ارائه طرح های کاربردی در زمینه های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دیگر نهادهای اجتماعی، کاری تخصصی است که عهده دار آن متخصصان دانشگاهی هستند. امری که وظیفه دانشگاه را سنگین تر می کند، توجه به روح حاکم بر این تنظیم هاست که باید با برنامه ریزی جوامع غیر الهی متفاوت باشد و بر اساس مبانی دینی طرح ریزی شود. امروز در دنیای غرب و تمدن مادی، با تکیه بر آکادمی های مجهز و نیروهای متخصص در زمینه های مختلف، با به کارگیری اندیشمندان و نخبگان جامعه خود، بلکه جوامع دیگر، نظام هم آهنگ تولید، توزیع و بهره مندی از علم را در قبضه خود درآورده اند. آنها افزون بر تولید هم آهنگ علوم برنامه تفکر و جهان بینی مادی توانسته اند، از راه طراحی نظام تخصیص ارزش های فرهنگی و اطلاعات تخصصی در سطح های گوناگون، مدارجی همچون لیسانس، فوق لیسانس، دکترا و فوق دکترا را تعریف و در عمل نیز نظام توزیع علم را مهار کنند. آنان همچنین با انجام کارشناسی و ارائه راه کارهای

علمی و عملی و با هدف تنظیم برنامه ها و الگوهای توسعه، جهت دهی به افکار کارشناسان را از راه آموزش ها و ارائه حجم انبوهی از اطلاعات به کمک ابزارهایی مانند اینترنت، به صورت جدی دنبال می کنند. این امر نشانه حاکمیت بی چون و چرای آنان بر نظام مصرف علوم است. بنابراین، نظام مادی با بهره گیری از صدها نظریه پرداز، هزاران استاد و میلیون ها دانشجو، خواسته یا ناخواسته در این چرخه عظیم و شبکه منظم علمی توانسته است، مدیریت عملی جوامع مختلف را از راه حاکمیت بر فرآیند تولید، توزیع و مصرف علم در اختیار بگیرد. در مقابل این جبهه عظیم و شبکه درهم‌تنیده علوم مادی، دانشگاه اسلامی در جامعه اسلامی باید جایگاه جدیدی برای خود تعریف کند و با ارائه تعریفی نو از توسعه و معیشت و تعیین نسبت آن با سعادت و معنویت، علوم و معادله های کاربردی هنجارپذیر و راه کارهای عملی آن را ارائه کند. دانشگاه اسلامی چاره ای جز تولید نرم افزارهای نوین در سطح تخصصی و کم کردن محدوده و خطر وابستگی شدید علمی به شبکه پیچیده دانش امروزی ندارد. تغییر در رویکرد کنونی در برابر ماهیت علم، سازوکار تولید آن و مبانی حاکم بر آن، امری ضروری برای سامانه دانش اسلامی در جامعه به شمار می رود.

با وجود این، یکی از گام های اساسی دانشگاه برای رسیدن به این نکته، باید تربیت نیروی انسانی هماهنگ با این هدف باشد. در طی سالیان دراز حاکمیت علم و تمدن غربی و سلطه استعماری غرب بر جامعه ما، نیروهای دانشگاهی و متخصصان تا حدودی اثرپذیرفته و به مصرف زدگی علمی دچار شده اند. در واقع دانشگاه در جامعه ما مصرف کننده اطلاعات تخصصی نظام مادی شده و به تقلید و ترجمه آثار آنان

اقـدام می کنـد. تغییر این نگاه، آغاز جنبش عظیم علمی در عرصه تولید معادله های کاربردی اسـلامی خواهد بود که در سایه همت بلنـد متخصـصان دانشـگاهی در عرصه های مختلف فن آوری و علم، این افتخار پیش گامی نیز به لطف خداوند نصـیب دانشگاهیان متخصص شده است. اندیشه سازانی که در کنار تخصصشان، ازتعهد ایمان لازم و منش خدمت گزاری نیز لبریزند و هیـچ گاه تعامل با حوزه را نادیـده نگرفته اند؛ زیرا جز با وحدت حقیقی و تعامل مقدس حوزه و دانشـگاه، دست یابی به این آرمان های مقدس امکان پذیر نخواهد بود. به امید روزی که با نشر انبوه تولید علم و نوآوری در جهان اسلام و دنیای خاکی، سیطره تفکر مادی از روح و جان همگان به فراموشی سپرده شود.

کتاب نامه

اشاره

کتاب نامه

زیر فصل ها

الف) کتاب‌ها

ب) نشریات

الف) کتاب‌ها

الف) کتاب‌ها

۱.احمد پورداریانی، محمود، کارآفرینی ـ تعاریف ـ الگوها، تهران، شرکت پردیس، ۱۳۸۱.

۲.آزاد، حسین، آسیب¬شناسی روانی، تهران، بعثت، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

۳.الوانی، سید مهدی، مدیریت عمومی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵.

۴.اوبری مینگ، مقدمه ای بر رفتارشناسی، ترجمه: عبدالحسین وهاب¬زاده، مشهد، نیکا، ۱۳۷۲.

۵.ایروین جی، ساراسون، روان شناسی مرضی، ترجمه: بهمن نجاران، تهران، رشد، ۱۳۷۳.

۶.ایوان پترویچ پاولف، بازتاب های شرطی، ترجمه: یوسف کریمی و جواد قهرمانی، تهران، رشد، ۱۳۷۲.

۷.بال، ساموئل، انگیزش در آموزش و پرورش، ترجمه: علی اصغر مسدد، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۳.

۸.بی آر، هرگنهان، مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، ترجمه: علی¬اکبر سیف، تهران، دوران، چ چهارم، ۱۳۷۷.

۹.بی اف. اسکینر، فراسوی آزادی و شأن، ترجمه: علی¬اکبر سیف، رشد، ۱۳۷۰.

۱۰.تورکی، استانلی، روان¬شناسی کودک ناسازگار، ترجمه: سلما قوامی، تهران، شرکت سهامی، ۱۳۷۵.

۱۱.چریل. ال، اسپالدینگ، انگیزش در کلاس درس، ترجمه: محمدرضا نائینیان و اسماعیل بیابانگرد، تهران، مدرسه، ۱۳۷۷.

۱۲.حسن شعبانی، مهارت¬های آموزش و پرورش (روش¬ها و فنون تدریس)، تهران، سمت، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.

۱۳.رابینز، استیون، مبانی مدیریت، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۷۹.

۱۴.راس، آلن، روان شناسی شخصیت (نظریه ها و مفاهیم)، ترجمه: سیاوش جمالفر، روان، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

۱۵.رضا مهجور، سیامک، روان¬شناسی بازی، شیراز، راهگشا، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.

۱۶.رفیع پور، فرامرز، توسعه و تضاد (کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران)، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.

۱۷.صمد آقایی، جلیل، سازمان های کارآفرین، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پرورش مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۲.

۱۸.علی قائمی، تربیت و بازسازی کودکان، قم،انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۵۸.

۱۹.علی قائمی، خانواده و کودکان دشوار، تهران، امیری، ۱۳۷۳.

۲۰.علی¬اکبر سیف، تغییر رفتار و رفتار درمانی (نظریه ها و مفاهیم)، تهران، دانا، ۱۳۷۳.

۲۱.علی¬اکبر سیف، روان شناسی پرورشی، تهران، آگاه، چاپ هفتم، ۱۳۷۱.

۲۲.فائضی، علی، جایگاه روش های تنبیه در تعلیم و تربیت، تهران، فیض کاشانی،۱۳۷۰.

۲۳.قاسم¬زاده، حبیب¬الله، رفتار درمانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۰.

۲۴.کاستلو، تیموتی، روان¬شناسی نابهنجاری، ترجمه: نصرت¬الله پورافکاری، تهران، آزاد، ۱۳۷۳.

۲۵.کرومبولتز، تغییر دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان، ترجمه: یوسف کرمی، تهران، فاطمی، چاپ هفتم، ۱۳۷۵.

۲۶.گنجی، حمزه، بهداشت روانی، تهران، ارسباران، ۱۳۷۶.

۲۷.محمدی، ناهید، سایت: www.danaee.com

۲۸.موانع رشد علمی ایران و راه حل های آن، تهران، شرکت سهامی، انتشار، ۱۳۸۱.

۲۹.میرزاآقایی، حمید، سایت فکر نو.

۳۰.نقیب¬زاده، میرعبدالحسین، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران، طهوری، چاپ چهارم، ۱۳۷۱.

۳۱.نوابی¬نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار و نابهنجار کودکان و نوجوانان و راه های پیشگیری و درمان نابهنجاری ها، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ سوم، ۱۳۷۲.

۳۲.هومن، حیدرعلی، شناخت روش های علمی در علوم رفتاری، تهران، نشر پارسا، ۱۳۷۴.

۳۳.هیلگارد، ارنست، زمینه روان¬شناسی، ترجمه: براهنی و همکاران، تهران، رشد، ۱۳۶۹.

۳۴.یونگ، مایکل، تروبریاندها، ترجمه: عباس مخبر، خرمشهر، طرح نو، ۱۳۷۳.

ب) نشریات

ب) نشریات

۱.بزرگی، کورش، همسنجی تولید علم در ایران و سایر کشورها، خبرنامه آموزش عالی، شماره ۱۹، صص ۱ و ۴.

۲.به پژوه، احمد، کودکان چگونه رفتار می کنند؟ همان گونه که با آنها رفتار می شود، مجله پیوند، ش ۲۹، ۱۳۶۰.

۳.ترزا ام. امابایل، خلاقیت را چه¬گونه از بین ببریم، ترجمه: حسین حسینیان، مجله تدبیر، شماره ۱۰۳، خرداد ۱۳۷۹.

۴.حقایق، سیروس، ویژگی های سازمان صنعتی خلاق و نوآور، مجله تدبیر، شماره ۱۱۱.

۵.دراکر، پیتر، دانش نوآوری، ترجمه: چیپ ساز، علی، مجله توسعه مدیریت، شماره۹، سال هفتم، دی ماه ۱۳۷۸.

۶.دراکر، پیتر، رشته علمی به نام خلاقیت، ترجمه: واحدی، سید صالح، مجله تدبیر، شماره ۴۳.

۷.رهنما، پروین، نهادینه شدن علم، خبرنامه تحقیقات و فن¬آوری، شماره ۲۵، ص ۱۳، ۱۳۸۲.

۸.زراعی، حسین، افراد خلاق چه ویژگی هایی دارند، روزنامه همشهری، بخش اجتماعی، ۲۲/۴/۱۳۷۹.

۹.علی محمدزاده، خلیل، مفهوم علم در مقوله جنبش نرم افزاری رسیدن به اوج دانایی است، (گفت و گوی معاون فرهنگی واحد علوم و تحقیقات تهران)، هفته نامه فرهیختگان، شماره ۵۲۰، ص ۴، ۱۲/۸/۱۳۸۳.

۱۰.عیوضی، علی اشرف، نقش مجمع صنفی در تبیین حقوق مادی و معنوی دانشگاهیان، خبرنامه تحقیقات و فن آوری، شماره ۲۵، ص ۱۲.

۱۱.گزارشی از روند تولید علم در ایران، خبرنامه دبیرخانه نهضت آزاداندیشی و تولید علم، ۱۳۸۳، شماره ۴.

۱۲.مشبکی، اصغر و وفایی، فرهاد، خلاقیت عامی سکون در سازمان، ماهنامه توسعه مدیریت، شماره ۵۰، خرداد و تیر ۱۳۸۲.

۱۳.معین، مصطفی، چالش های آموزش عالی در ایران (۱۳۸۲)، (سخنرانی وزیر علوم، تحقیقات و فن آوری)، نمود، ۵ آبان، ص ۶.

۱۴.نجاتی، محمود، اطلاع رسانی و توسعه فرهنگی، مجله فرهنگ و پژوهش، ۲۲/۹/۱۳۷۹.

۱۵.نیلی آرام، علی، خلاقیت و نوآوری در سازمان، مجله تدبیر، شماره ۸۵.

پرسش های مسابقه ای برگرفته از کتاب «نوآوری؛ بستر شکوفایی»

۱. کدام یک از عوامل زیر در خلاقیت افراد مؤثر است ؟

الف) توانایی عقلانی (

ب) محیط (

ج) هر دو مورد (

۲. از موارد زیر کدام یک از پی آمدهای خلاقیت و نوآوری به شمار می رود؟

الف) افزایش بهره وری سازمان (

ب) وقایع غیرمنتظره (

ج) ارایه محصول (

۳. از ویژگی های مدیر خلاق به شمار می رود.

الف) رایج کردن نظام آموزشی مستمر و همگانی (

ب) ایجاد امنیّت شغلی (

ج) ابتکار (

۴. فرهنگ ارتقای بهره وری به کدام یک از گزینه های زیر مربوط می شود؟

الف) ویژگی مدیر خلاق (

ب) ویژگی سازمان خلاق (

ج) ویژگی دولت کارآمد (

۵. کدام گزینه از ویژگی های افراد خلاق نیست؟

الف) انعطاف پذیری (

ب) ریسک پذیری (

ج) اعتماد به نفس (

۶. کدام گزینه صحیح نیست ؟

الف) خلاقیت از طریق آزمایش، تجربه و کنکاش رشد می کند . (

ب) نوآوری به بهبود رضایت شغلی یک فرد اطلاق می شود. (

ج) خلاقیت بیش تر حاصل تلاش فرد است. (

ص:۱۸۱

۷. از زمینه های بروز خلاقیت به شمار می رود.

الف) فضای خلاق (

ب) دوری از موقعیت های مبهم (

ج) امکان گردش شغلی (

۸. در زمینه عوامل ایجاد خلاقیت نقش کدام یک مؤثرتر است؟

الف) انگیزه (

ب) آگاهی (

ج) الهام (

۹. کدام گزینه صحیح است .

الف) خلاقیت توانایی ارائه راه حل جدید برای حل مسایل است. (

ب) ترجیح دادن پیچیدگی در برابر سادگی از مشخصات مدیر نوآور است .(

ج) خلاقیت امری است توسعه ناپذیر یعنی همه افراد توانایی خلاقیت را ندارند. (

۱۰. کدام گزینه درباره نوآوری صحیح است؟

الف) نوآوری پدیده ای چشم گیر و جنجالی است. (

ب) نوآوری، پدیده ای نادر است که تنها عده ای خاص به آن می رسند . (

ج) هر دو مورد (

۱۱. سخن امام صادق (ع) که می فرمایند: مردم از این جهت رو به تباهی می روند که پژوهش و پرسش گری ندارند، به کدام گزینه اشاره دارد؟

الف) قدرت علمی (

ب) ارزش اندیشه علمی (

ج) شخصیت علمی (

۱۲. از عوامل بازدارنده پیشرفت جامعه ایرانی است.

الف) جزمیّت وجمود (

ب) کنجکاوی (

ج) پیروی نکردن از اندیشمندان (

۱۳. از موانع توسعه علمی به شمار نمی رود.

الف) اهتمام به عالم پروری (

ب) حاکمیت فرهنگ طرد و مقابله با خلاقیت (

ج) شخصیت پرستی (

۱۴. دفاع از اندیشه های دینی و کشف حقیقت ناظر به کدام گزینه اند؟

الف) از ویژگی های مدیر خلاق به شمار می روند. (

ب) از انگیزه های تولید علم محسوب می شوند. (

ج) هیچکدام (

۱۵. کدام گزینه صحیح است .

الف) اندک بودن سهم تحقیقات از تولید ناخالص ملی از موانع توسعه علمی است. (

ب) عظمت اندیشی نسبت به عالمان از موانع تولید علم است. (

ج) هردو مورد (

۱۶. بنابر فرمایش امیرالمؤمنین علی(ع) کدام گزینه از شرایط تحقق علم و دانش است .

الف) زیاد پرسش کردن (

ب) استفاده از تجربه دیگران (

ج) هیچکدام (

۱۷. کدام یک از موارد زیر از راهکارهای اصلاح محیط علمی و جذب نخبگان به شمار می رود ؟

الف) توسعه مراکز تحقیقاتی و تقویت انجمن های علمی (

ب) حاکمیت مدیریت علمی و فرهنگ آموزش (

ج) نوسازی و تجهیز امکانات آزمایشگاهی و کارگاهی (

۱۸. کدام یک از موارد زیر از موانع تولید علم نیستند؟

الف) متناسب نبودن تولیدات علمی با نیازها (

ب) کوتاهی و زیاده روی در حوزه خردورزی (

ج) احترام به عالمان و نخبگان (

۱۹. کدام یک از موارد زیر جزو راهکارهای بلند مدت در تولید علم و نوآوری به شمار می رود؟

الف) هماهنگی آموزش با پژوهش (

ب) رهبری پژوهش (

ج) نهادینه سازی فرهنگ تولید (

۲۰. بنابر دیدگاه رهبرمعظم انقلاب، از راه کارهای تحقق تولید علم

ص:۱۸۳

الف) کارآمدبودن پژوهش ها (

ب) تقسیم کار (

ج) آگاهی از نیازها (

۲۱. کدام گزینه صحیح است.

الف) خلاقیت و نوآوری مترداف یکدیگرند. (

ب) تحجر علمی از موانع تولید علم است. (

ج) از ویژگی های فرهنگ علمی نهادینه شدن تکریم فرهیختگان است. (

۲۲. علل مهاجرت نخبگان ایرانی چیست؟

الف) هماهنگ نبودن آنان با هنجارها و ارزش های حاکم بر جامعه اسلامی. (

ب) جست وجوی امکانات بهتر برای پیشرفت علمی و شغلی. (

ج) هر دو مورد (

نام و نام خانوادگی:شماره شناسنامه: میزان تحصیلات:

آدرس و تلفن:

۲۳. خودباختگی و غیرپرستی و شیفتگی در برابر دیدگاه های غیرخودی ...

الف) از دیگر موانع تولید علم است. (

ب) از علل فرار مغزها به خارج است. (

ج) از موانع تولید علم و توسعه علمی است. (

۲۴. بنابر دیدگاه مقام معظم رهبری از موانع تولید علم است.

الف) ناچیزبودن نقش بخش خصوصی در فعالیت های تحقیقاتی (

ب) شخصیت زدگی (

ج) یاس و ناامیدی (

۲۵. از اصول پرورش خلاقیت به شمار می رود.

الف) ارزش قایل شدن به طرح سؤال ها و اندیشه های غیرمعمول (

ب) احترام به تفاوت های فردی یادگیرندگان (

ج) هردو مورد (

پاسخ نامه

الفب ج

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

)))

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹